

گزارش آیین پایانی چهارمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر

محفلی در تحسین شعر و شاعر



آن موجب شده تا این دوره، چهارمین سال برگزاری آن باشد. این جشنواره در طول این فاصله، حدود یک ماه در استان‌های مختلف کشور با برگزاری کارگاه‌های آموزشی، شب‌های شعر و دیگر برنامه‌ها همراه بود و با استقبال شعردوستان نیز مواجه شد.

چهارمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر از سوم بهمن ماه در بوشهر و با سخنان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی کار خود را آغاز کرد، جشنواره‌ای که موضوعش به نظر می‌رسد از نظر جایگاه فرهنگی، شأن بالاتری نسبت به دیگر هنرها دارد و برخی بی‌توجهی‌ها در برگزاری

کتابخانه

شنبه ۸ اسفند ۱۳۸۸
۱۲ ربیع‌الاول ۱۴۳۱، ۲۷ فوریه ۲۰۱۰
شماره ۲۲۲، پیاپی ۸۷۳
صفحه ۲۰، تومان

ISSN: 1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه
خواججه نصیر، پلاک ۲، طبقه چهارم
تلفن: ۶۶۹۶۱۵۱-۴
سازمان آگهی‌ها: ۲۲۵۵۲۴۶
چاپ: شرکت افست

www.ketabehafteh.ir



دارن شان:
برای پول
نمی‌نویسم
۲۰



جای کتاب‌های
نقد نمایشی
خالی است
۱۱



داستان‌هایی که
بیشتر سینمایی‌اند
تا ادبی
۶

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

آثار فاخری درباره امام رضا(ع) به جامعه ارائه دهیم

افزود: «دامنه این جشنواره باید در میان مردم گسترده‌تر شود و تنها خواص جامعه را متأثر نکند.» وی با بیان این که فقط با ساخت یک تئاتر و سمفونی خاص برای عده‌ای محدود نمی‌توان به اهداف عالی این جشنواره دست یافت، بر ضرورت آسیب‌شناسی و ارزیابی دقیق جشنواره رضوی تأکید کرد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین پیشنهاد کرد طی یک فراخوان، از تمامی اهالی فرهنگ و هنر خواسته شود تا طرح‌ها، نظرات، پیشنهادها و نوآوری‌های خود را به دبیرخانه جشنواره اعلام کنند. حسینی همچنین با اشاره به ضرورت جریان‌سازی رسانه‌ای و خبری گسترده و هدفمند جشنواره رضوی، خواستار حضور گسترده‌تر سازمان صداوسیما در معرفی این جشنواره شد.

وی تأکید کرد: «اتحادیه رادیو و تلویزیون جهان اسلام، اداره کل مطبوعات خارجی و دفاتر رسانه‌های خارجی در ایران در موضوع آثار و معارف زندگی امام هشتم(ع) به طور جدی فعال شوند تا شاهد موج رسانه‌ای قوی در این حوزه باشیم.»

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، با اشاره به راه‌اندازی انجمن شعر امین که در دستور کار این وزارتخانه قرار دارد، اظهار داشت: می‌توان بخشی از فعالیت‌های این انجمن را که محفلی برای حضور افراد دلسوز، متدین و متعهد انقلاب است به موضوع امام رضا(ع) اختصاص داد.



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در نشستی با اعضای شورای سیاستگذاری جشنواره فرهنگی و هنری امام رضا(ع) بر ارتقای کیفی این جشنواره در کنار توسعه کمی آن تأکید کرد و اظهار داشت: «باید از تکرار و روزمرگی بپرهیزیم و از اندیشمندان، فرهیختگان و هنرمندان و اصحاب فرهنگ بخواهیم آثار فاخری با موضوعات مرتبط با این امام بزرگوار خلق کرده و به جامعه ارائه دهیم.»

وی همچنین تأکید کرد: «فعالیت‌های تحقیقاتی گسترده و مستمر درباره جنبه‌های مختلف زندگی این امام می‌تواند نقش مؤثری در ارتقای کیفی آن داشته باشد.»

حسینی، فلسفه و هدف اصلی برپایی جشنواره فرهنگی و هنری رضوی را معرفی مکتب اسلام از دیدگاه امام رضا(ع) دانست و توضیح داد: «در برگزاری این جشنواره نباید تنها به نقل زندگی‌نامه ایشان و برخی از مسائل عادی بسنده کرد، بلکه باید به معارف عمیق و ناب آن حضرت در موضوعات، سوژه‌ها و مباحث اعتقادی، تاریخی و قرآنی توجه ویژه‌ای داشته باشیم.»

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در ادامه سخنان خود، مشارکت گسترده‌تر و مؤثرتر دستگاه‌ها و سازمان‌هایی چون شهرداری‌ها، کانون‌های مساجد و آموزش و پرورش را در برپایی و رونق بیشتر جشنواره به ویژه عمومی‌تر کردن آن، مؤثر بیان کرد و

سرآغاز

«اقرء» تا قیام قیامت

شک نیست که فرصت‌ها مانند باد می‌گذرند و ثانیه‌های طلایی آنها، به آسانی از دست می‌روند. در این رهگذر پرشتاب دقایق، آن‌گاه که صفحه ایام در دفتر روزگار تند و تند ورق می‌خورد، صد حیف اگر فرصت‌های طلایی را برای انس با کتاب آخرین پیامبر خداوند رحمان از دست دهیم. هفته‌وحدت، یک هفته نیست، روزهایی است ابدی، هفته‌ای همیشگی که دعوت‌کننده مسلمانان به همدلی و همراهی است و می‌تواند بهترین ایام و فرصت‌ها برای انس با کلام الله مجید به عنوان محور وحدت باشد. همین جملات را که می‌خوانیم، چند لحظه از بودن با قرآن و مجاورت با نور و حیاتی آن، دور می‌مانیم، پس نگارش غیر مرتبط با کلام حق را ثواب نمی‌دانیم و خواندن غیر از زمزمه سخن حق را هم توصیه نمی‌کنیم، که همچنان لحظات پی‌درپی درگذرند و انسان نیز که ذاتاً «لفی خسر» است. پس، به نام او که به خاتم پیامبران دستور داد «اقرء»، می‌خوانیم و بخوانیم قرآن کریم را.

۲

برپایی نشست
وزیر ارشاد با
۲۵۰ داور کتاب سال

۳

• درنگی کوتاه‌بر
آخرین گفت‌وگوی
محسن ابراهیم با
کتاب هفته

• نامزدهای

جایزه قلم فاکر
معرفی شدند

۴

احتمال استفاده از
سازه‌های موقت
در نمایشگاه کتاب



وقتی کسی کتاب معظمی می نویسد، چه مانعی دارد که این کتاب را زیر نظر استادی بنویسد؟ شما بیا باید این کار را باب کنید. با یک حرکت این طوری، گاهی می شود یک کتاب متوسط را به یک کتاب عالی و ممتاز تبدیل کرد. در این زمینه، یک مقدار صرف وقت و صرف کار کنید، و از افکار آقایان و خانم هایی که صاحبان فکرند و در اینجا هستند و کسانی که در اینجا نیستند، کمک بگیرید، تا این راه را جلوی خودتان باز کنید. **بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دست اندرکاران برگزاری هفته کتاب؛ ۷۵/۷/۳۰**

انتشار دانشنامه جدید قرآن شناسی

ایکنا - حجت الاسلام والمسلمین حسین علوی مهر، عضو هیأت علمی دانشنامه قرآن شناسی و معاون سابق اجرایی این دانشنامه، از انتشار فاز نخست دانشنامه قرآن شناسی تا پایان سال آینده در هفت جلد خبر داد. به گفته حجت الاسلام علوی مهر در حال حاضر با تلاش گروه پژوهشی دانشنامه قرآن شناسی، نگارش مقالات جلد نخست تا جلد چهارم این دانشنامه به اتمام رسیده است. وی گفت: «این چهار جلد از دانشنامه قرآن شناسی، اکنون در معاونت پژوهشی مراحل ویرایش علمی، ساختاری و مصدراپی را می گذارند.»

علوی مهر یادآور شد: «دانشنامه قرآن شناسی دارای دو بخش علوم (برون قرآنی) و محتوایی (درون قرآنی) است. برای تکمیل این دانشنامه، گروه های تخصصی اقتصاد، حقوق، اخلاق، عرفان، فلسفه، کلام، معرفت شناسی، مطالعات انقلاب اسلامی، سیاست، ادبیات، تاریخ، پزشکی، مدیریت، جامعه شناسی، روان شناسی، علوم تربیتی و نجوم تشکیل شده اند که در بخش محتوایی (درون قرآنی) فعالیت می کنند.»

بهار قرآن ۸ تا ۲۸ اسفند

همزمان با فرارسیدن سال نو، کتاب های قرآن و ادعیه قابل صحافی مجدد، جمع آوری و در کتابخانه امیر کبیر نگهداری می شوند. به گزارش روابط عمومی فرهنگسرای تهران، این طرح با هدف حفاظت و پاسداشت کتاب های قرآن و ادعیه با عنوان «بهار قرآن» در آستانه سال نو به اجرا گذاشته خواهد شد. با اجرای طرح «بهار قرآن» آثار فرسوده قابل صحافی، پس از تفکیک و جمع آوری، به خانه فرهنگ امیر کبیر منتقل و سپس توسط کارشناس اعزامی از سوی سازمان تبلیغات اسلامی استان تهران بازبینی می شوند تا آثار قابل صحافی از بین آنها جدا شوند.

اصفهان میزبان آخرین نمایشگاه استانی کتاب سال ۸۸

شد و این نمایشگاه تا یازدهم اسفند دایر خواهد بود. در این نمایشگاه نیز ۳۰ هزار عنوان کتاب از ۳۰۰ ناشر در محل دائمی نمایشگاه های بین المللی قزوین عرضه شده است. معاونت فرهنگی وزارت ارشاد ۲۰۰ میلیون تومان یارانه خرید کتاب در این نمایشگاه توزیع کرده است. در نمایشگاه های استانی کتاب، ناشران آثارشان را با ۲۰ درصد تخفیف ارائه می دهند و یارانه خرید کتاب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در قالب ۲۰ درصد تخفیف، به صورت بن های الکترونیکی در نمایشگاه های استانی توزیع می شود.

یکصد و شصت و دومین نمایشگاه استانی کتاب ۱۰ تا ۱۶ اسفند در محل دائمی نمایشگاه های بین المللی اصفهان برگزار می شود. این نمایشگاه که پنجمین و آخرین نمایشگاه استانی کتاب در سال ۱۳۸۸ است، دهم اسفند با حضور دکتر محسن پرویز، معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و جمعی از مدیران فرهنگی، ناشران و علاقه مندان کتاب افتتاح می شود. نمایشگاه اصفهان با حضور ۵۰۰ ناشر و عرضه ۶۰ هزار عنوان کتاب از ساعت ۱۰ تا ۲۱ پذیرای علاقه مندان کتاب خواهد بود. یکصد و شصت و یکمین نمایشگاه استانی کتاب نیز هفته گذشته پنجم اسفندماه در قزوین افتتاح

اظهار نظر دبیر چهارمین جشنواره شعر فجر درباره حاشیه ها

مانعی برای حضور شاعران در جشنواره وجود نداشت



علی موسوی گرمارودی، دبیر چهارمین جشنواره شعر فجر درباره حضور نیافتن برخی از شاعران کشور در این دوره از جشنواره، گفت: «این افراد به میل خودشان از متن جشنواره فاصله گرفتند و مانعی بر سر راهشان برای حضور در این جشنواره وجود نداشت.»

دبیر چهارمین جشنواره شعر فجر در گفت و گو با کتاب هفته در پاسخ به این سوال که چه نظری درباره حاشیه های به وجود آمده در جشنواره شعر فجر امسال مبنی بر عدم حضور برخی شاعران دارید؟ گفت: «به حاشیه ها نپز دازید، در کتاب های قدیمی نوشته اند علیکم بالمتون لا بالحواشی یعنی همیشه به متن بنگرید نه به حاشیه. ضمن این که افرادی که در این جشنواره حضور پیدا نکردند، خواست خودشان بود که از متن به حاشیه بروند بنابراین خود کرده را تدبیر نیست.»

گرمارودی همچنین در پاسخ به این سوال که چرا اسامی داوران این دوره جشنواره در مراسم اختتامیه اعلام نشد؟ اظهار داشت: «اسامی داوران حتما همراه اشعار در قالب کتاب به چاپ خواهد رسید و حتی اظهار نظر های داوران درباره اشعار - که به خط خودشان به صورت مکتوب وجود دارد- یا به طور کامل چاپ یا لااقل قسمتی از اصل آنها کلیشه خواهد شد.» دبیر چهارمین جشنواره شعر فجر

درباره دلیل رسانه ای شدن اسامی داوران تصریح کرد: «در این باره باید شورای سیاستگذاری نظر بدهد.»

گرمارودی همچنین در پاسخ به این سوال که مهم ترین وجه تمایز جشنواره شعر امسال در مقایسه با سه دوره قبلی چیست؟ یادآور شد: «بزرگ ترین مشخصه این جشنواره، داوری منصفانه اشعار بود و

معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی:

اصل بر اعلام نام ناشران شرکت کننده در نمایشگاه است

دکتر محسن پرویز، معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به جنجال سازی برخی افراد و رسانه ها درباره حضور یا عدم حضور بعضی ناشران در نمایشگاه کتاب، گفت: «اصل بر این است که ناشران ثبت نام شده که شرایط حضور در نمایشگاه را دارند معرفی می شوند. این اقدام نیز برای افزایش اطلاعات علاقه مندان کتاب برای حضور در نمایشگاه است.»

پرویز به خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) گفت: «حدود ۹ هزار ناشر در کشور وجود دارند که از این میان نزدیک به چهار هزار ناشر فعالیت مستمر دارند.»

وی ادامه داد: «از میان این چهار هزار ناشر نیز، ۱۰ تا ۱۵ درصد به شکل حرفه ای فعالیت می کنند. به این معنا که آثار پرشماری در حوزه نشر دارند.»

معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین با اشاره به این که در همه جای دنیا نیز حضور ناشران در نمایشگاه های بین المللی کتاب به همین شکل است، تصریح کرد: «البته چند نفری هستند که به دنبال مقاصد و اموری اند که ارتباطی با حوزه فرهنگ ندارد.»

رئیس شورای سیاستگذاری بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، افزود: «ما باید کارمان را درست انجام دهیم و به نظر همکارانم در این راستا موفق بوده اند.»

پرویز ادامه داد: «برخی افراد و رسانه ها به دنبال این هستند که به شکل کاذب هیاهو ایجاد کنند که این جنجال ها نیز بر پایه آمار و اطلاعات بی اساس است.»

وی همچنین گفت: «ما نمی توانیم اسامی هفت هزار ناشری را که در نمایشگاه حضور ندارند، اعلام کنیم؛ چون اصل بر این است کسانی که ثبت نام می کنند و شرایط حضور در نمایشگاه را دارند، معرفی شوند. این اقدام نیز برای افزایش اطلاعات علاقه مندان کتاب است تا بدانند چه ناشرانی در نمایشگاه حضور دارند و چه آثاری عرضه می شود.»

طی هفته گذشته، در بعضی از رسانه ها، خبرهایی مبنی بر محرومیت برخی ناشران از حضور در بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران درج شده بود.

این که ما در داوری فقط رقابت را ملاک و زیبایی شعر را اصل قرار دادیم صرف نظر از این که شاعر آن چه کسی است.»

وی در ادامه درباره مهم ترین دستاورد این دوره از جشنواره شعر فجر اظهار داشت: «یکی از مهم ترین دستاوردهای این دوره از جشنواره، شناسایی و کشف استعداد های جدید در جریان شعری کشور بود.»

چهارمین دوره جشنواره شعر فجر شبیه گذشته، اول اسفندماه با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و جمعی از شاعران کشور با معرفی برگزیدگان این دوره به کار خود پایان داد.

جشنواره امسال در سه بخش شعر سنتی، شعر نو و شعر کودک و نوجوان ۱۰ اثر برگزیده و دو اثر شایسته تقدیر داشت؛ برگزیدگان بخش سنتی به ترتیب عبارت بودند از: محمود حبیبی کسبی (تهران)، پانته آصفایی (اصفهان)، محمد مرادی و محمدسعید میرزایی به طور مشترک رتبه دوم از شیراز و تهران، آثار شایسته تقدیر: محمدرضا طاهری (تهران) و محمد علی جوشایی (کرمان)، در بخش شعر نو: سینا علی محمدی (تهران)، محمد حسین نعمتی (تهران) و امید مردانی بروجنی (بروجن)، در بخش شعر کودک و نوجوان: کبری بابایی (تهران)، حامد محقق (همدان) و غلامرضا بکتاش (ملایر).

برپایی نشست وزیر ارشاد با ۲۵۰ داور کتاب سال

نشست هم اندیشی داوران بیست و هفتمین دوره جایزه کتاب سال باسید محمدحسینی یکشنبه (نهم اسفند) از ساعت ۱۷:۳۰ در هتل لاله تهران برگزار خواهد شد.

در این نشست ۲۵۰ داور کتاب سال و جایزه جهانی حضور خواهند داشت.

پیش تر علی اوجبی، دبیر بیست و هفتمین جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران با اشاره به نیاز آیین نامه کتاب سال به بازبینی مجدد، درباره این نشست گفته بود: «از عمر کتاب سال بیش از ربع قرن می گذرد و این جایزه ۲۷ ساله می شود. از این رو به دلیل وجود کاستی هایی که قطعا در این آیین نامه با گذشت سال ها وجود دارد، بازبینی های صورت گرفته در آیین نامه باید به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی برسد تا در دستور کار قرار گیرد.»

اوجبی افزود: «در حال حاضر فرصتی پیش آمده که داوران کتاب سال جمهوری اسلامی ایران با وزیر ملاقات داشته باشند تا از این طریق، نقاط قوت و ضعف جایزه کتاب سال در فضایی صمیمی مطرح شود.»

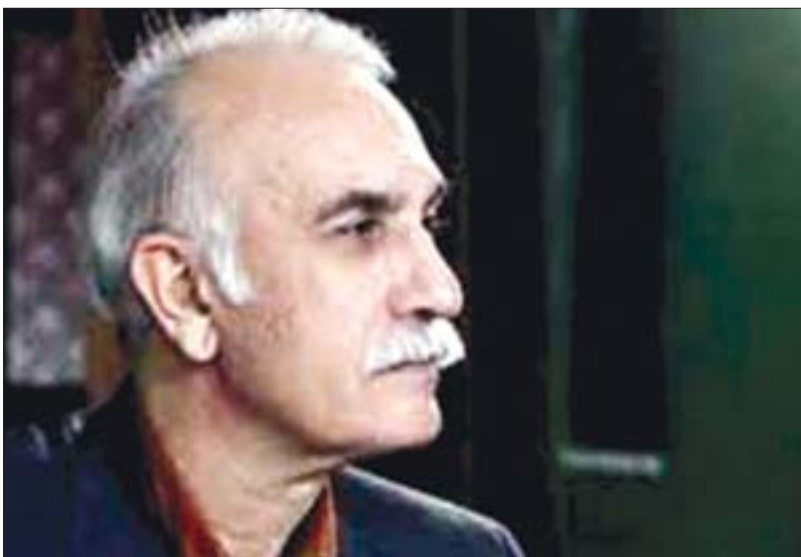
علیرضا قزوه شاعر و دبیر پیشین جشنواره شعر فجر: جشنواره، گامی رو به جلو برداشت

علیرضا قزوه شاعر و دبیر دوره قبل جشنواره شعر فجر، رقابتی شدن این جشنواره در چهارمین دوره برگزاری را یک اتفاق تازه دانست و گفت: «به نظر من جشنواره امسال در مقایسه با سه دوره قبل موفق تر عمل کرد و گامی رو به جلو برداشت.»

علیرضا قزوه، شاعر اشعار آیینی و انقلاب در گفت و گو با کتاب هفته با تاکید بر این نکته که باید نفس حضور در جشنواره را محترم بدانیم، تصریح کرد: «متأسفانه در حال حاضر روحیه ای در میان بسیاری از شاعران، ادیبان و هنرمندان ما حاکم است و آن اینکه، هنرمندان ما از رقابت می ترسند و بسیاری از شاعران که نام و آوازه ای دارند با شرط اول شدن می خواهند در این رقابت با بگذارند بدون توجه به این نکته که همه نمی توانند اول باشند!» شاعر «از نخلستان تا خیابان» در ادامه افزود: «ما باید این روحیه را اصلاح کنیم و به جای فکر کردن به نام و رتبه، نفس حضور در جشنواره را محترم بدانیم.»

قزوه که پیش از این دبیری نخستین دوره جشنواره شعر فجر را برعهده داشت، روش کد گذاری برای ارزیابی آثار را روشی منصفانه و درست دانست و درباره ضرورت بین المللی شدن جشنواره شعر فجر تاکید کرد: «این دوره از جشنواره، گرچه به خاطر رقابتی شدن آن، اتفاقی تازه در عرصه برگزاری جشنواره هایی از این دست محسوب می شود اما نقطه اوج این است که کاری کنیم شاعران ایران و جهان بتوانند هر سال در این جشنواره با هم به رقابت بپردازند یعنی کار آن قدر بزرگ و گسترده شود که شاعران از تمام نقاط جهان اشعارشان را به این جشنواره بفرستند که فکر می کنم در این صورت، جشنواره ما به مراتب معتبر تر نیز خواهد شد.»

مترجم «صحرای تاتارها» درگذشت



محسن ابراهیم، مترجم ادبیات ایتالیایی پنجشنبه، ۲۹ بهمن بر اثر ایست قلبی، در سن ۵۸ سالگی درگذشت. پیکر این مترجم فقید دوشنبه هفته گذشته از مقابل تالار وحدت تهران، با حضور جمعی از هنرمندان و نویسندگان تشییع شد و در قطعه هنرمندان بهشت زهرا (س) آرام گرفت.

عمده فعالیت ابراهیم بر ترجمه آثار ادبیات معاصر ایتالیا متمرکز بود. وی برای ترجمه رمان «صحرای تاتارها» اثر دینو بوتزاتی، نویسنده ایتالیایی از بنیاد بوتزاتی در ایتالیا جایزه بهترین ترجمه را دریافت کرده بود.

از دیگر آثار ابراهیم می توان به ترجمه کتاب هایی چون: «متاسفیم از...»، «کولومبره و چند داستان دیگر» و «شصت داستان» از آثار دینو بوتزاتی و کتاب «نویسندگان پیشرو ایتالیا» به قلم خودش اشاره کرد. وی چندی پیش از درگذشتش، دو کتاب «بارناپوی کوهستان ها» نخستین رمان بوتزاتی و «شب های سخت» مجموعه داستان های کوتاه و بلند او را در دست ترجمه داشت.

وی همچنین پاییز امسال در آخرین گفت و گو با صفحه «روایت اول شخص» کتاب هفته، از دینو بوتزاتی گفته بود و این که با خود عهد کرده است جز ترجمه از این نویسنده ایتالیایی، کار دیگری نکند. متن کامل گفته های ابراهیم در پی می آید.

محسن ابراهیم: «بارناپوی کوهستان ها» نخستین رمان بوتزاتی و «شب های سخت» مجموعه داستان های کوتاه و بلند او را در دست ترجمه دارم. از «بارناپوی کوهستان ها» می توان به عنوان رمانی یاد کرد که حضور نویسنده ای با سبک و نگاه ویژه ای را به جامعه ادبیات معرفی می کند و آغازی بر کتاب های دیگر این نویسنده است. ترجمه این کتاب رو به پایان است و احتمالاً تا پایان پاییز توسط نشر مرکز منتشر خواهد شد.

ترجمه «شب های سخت» نیز در نیمه راه است و به دلیل زیاد بودن تعداد داستان ها زمان بیشتری را برای ترجمه می طلبد. این کتاب نیز مانند سایر آثار بوتزاتی توسط نشر مرکز منتشر می شود. اکثر نویسندگان و منتقدان ایتالیایی دینو بوتزاتی

هزاران نویسنده گوگل را تحریم کردند

هزاران نویسنده سرویس کتاب دیجیتال گوگل را تحریم کردند، اما گوگل همچنان پروژه اش را با پشتوانه قانونی به اجرا درمی آورد.

بیش از هفت هزار نویسنده از سراسر جهان سرویس جدید کتاب الکترونیک گوگل را تحریم کردند و خواستار حذف آثارشان از فهرست آثار ارائه شده در سرویس کتاب دیجیتال گوگل شدند. چهره های مشهوری چون توماس پینچون آمریکایی، زادی اسمیت و فیلیپ پولمن انگلیسی از نویسندگان سرشناس تحریم کننده اند. با این وجود بسیاری از کارشناسان چنین اقدامی را مانعی بر سر پروژه عظیم گوگل مبنی بر دیجیتال سازی میلیون ها عنوان کتاب و راه اندازی بزرگ ترین پایگاه اینترنتی عرضه کتاب دیجیتال در سراسر دنیا نمی دانند.

بر اساس توافقنامه ای که چندی پیش پس از شکایت گروهی از ناشران و نویسندگان آمریکایی، بین آنها و کمپانی گوگل منعقد شد، گوگل تنها حق دیجیتال سازی کتاب هایی را داراست که از سوی هنوز شامل قانون کپی رایت باشند و از سوی دیگر رضایت مؤلف اثر یا صاحبان حقوق آن از سوی گوگل جلب شده باشد.

بر اساس توافقنامه اخیر، گوگل مجوز قانونی لازم برای دیجیتال سازی نزدیک به ۱۰ میلیون عنوان کتاب را در کشورهای انگلیسی زبانی چون آمریکا، کانادا، بریتانیا و استرالیا به دست آورده است.

را با یک مقایسه می رنجاند و آن مقایسه آثار او با آثار کافکا است.

نگرانی، اضطراب، دلهره، ترس از گذر زمان، عشق های نافرجام و انتظار برای واقعه ای که باید به وقوع بپیوندد اما رخ نمی دهد و قهرمان و شخصیت داستان هایی که همیشه در انتظار آن اتفاق هستند، شاید آثار او را بی شباهت به آثار کافکا نشان ندهد. اما بوتزاتی نگاهی خاص و تیزبینانه دارد که وقایع روزمره را از دیدگاه فلسفی تجزیه و تحلیل می کند. بوتزاتی سال ۱۹۷۱ درگذشت و بعد از درگذشتش بیش از آن که در وطن خودش معرفی و شناخته شود در کشورهای دیگر به عنوان نویسنده ای توانا و خالق آثار ارزشمند شناخته شد.

در هیچ یک از داستان های او صرف گذر زمان با یک سرگرمی روبه رو نمی شوید، بلکه در کوتاه ترین داستان هایش معنای عمیق فلسفه نهفته که ماه به سادگی از کنار آن می گذریم اما بوتزاتی به آن پرداخته است. بار فلسفی که آثار او دارد خواننده را چون من، گرفتار نوعی سخت گیری در انتخاب داستان های

نخستین رمان از زیگفريد لنس به فارسی ترجمه شد

رمان «زنگ انشاء» اثری از زیگفريد لنس، نویسنده آلمانی به فارسی ترجمه شد و در ایران منتشر می شود. این اولین ترجمه فارسی از رمان این نویسنده پرکار است.

زیگفريد لنس، رمان «زنگ انشاء» را سال ۱۹۶۸ با نام deutschstunde (درس آلمانی)، منتشر کرده است. وی اساس این رمان را در زمان حکومت نازی ها بر آلمان قرار داده و در آن ماجرای دانش آموزی به نام سیگی جنسن را نقل می کند که قرار است انشایی با موضوع «لذت انجام وظیفه» بنویسد. پدر سیگی که افسر پلیس آلمان است، به انجام وظیفه بسیار وفادار و برای انجام وظایفش یک نقاش را که دوست قدیمی اش بوده بازداشت کرده است. سیگی جنسن وارد ماجرای این نقاش بازداشت شده می شود.

زیگفريد لنس که سال ۱۹۲۶ به دنیا آمده، یکی از پرکارترین نویسندگان و طنزنویسان معاصر آلمان است. طنز خاص او در رمان «زنگ انشاء» (درس آلمانی) نیز دیده می شود و به باور برخی از منتقدان عامل اصلی مطرح شدن این رمان است. از لنس تاکنون ۱۴ رمان و ده ها داستان کوتاه یا نیمه بلند منتشر شده است. ترجمه حسن نقره چی از رمان «درس انشاء» در ۴۸۶ صفحه چاپی روانه بازار کتاب ایران می شود.

نامزدهای جایزه قلم فاکنر معرفی شدند

الکسی، رمان تاریخی «خلأ» اثر کینگ سالور، «دروازه پلکان» اثر مور، «بیک نیک باز ماندگان آدمکشی» اثر لویز و «بندر ساگ» اثر وایت هدر برای دریافت این جایزه ۱۵ هزار دلاری نامزد شده اند.

گروه داوری این جایزه داستانی که مهم ترین هیأت داوری آثار ادبی آمریکا محسوب می شود، برنده نهایی خود را ۲۳ مارس (۳ فروردین) معرفی می کند. سال گذشته، جوزف اوئیل بارمان «هلندی» این جایزه را از آن خود کرد.



پنج نامزد دریافت جایزه قلم فاکنر در سال ۲۰۱۰ از سوی هیأت داوری این جایزه معرفی شدند. شرمن الکسی و باربارا کینگ سالور از جمله منتخبان این جایزه هستند.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) به نقل از واشنگتن پست، بنیاد جایزه داستانی قلم فاکنر روز سه شنبه از شرمن الکسی، باربارا کینگ سالور، لورین ام. لویز، لوری مور و کالوسن وایت هد به عنوان منتخبان مرحله نخست این جایزه نام برد. مجموعه داستان کوتاه «رقص های جنگ» اثر

در «ایبنا» بخوانید

با مراجعه به سایت خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، به نشانی اینترنتی «www.ibna.ir»، به این مطالب دسترسی خواهید داشت. امکان «جستجو» و «جستجوی پیشرفته» در وب سایت «ایبنا» به شما امکان دستیابی به مطالب بیشتر را هم می دهد.

همه برگزیدگان جشنواره شعر فجر

خبرگزاری کتاب در گفت و گو با همه برگزیدگان بخش های مختلف جشنواره شعر فجر، نظراتشان را درباره این جشنواره جویا شده است. «ایبنا» همچنین از برگزیدگان جشنواره شعر فجر خواسته تا خودشان شعرهایی را که به جشنواره ارسال کرده اند توصیف کنند و درباره آنها توضیح دهند.

از جمله این اظهار نظرها، مصاحبه با کبری بابایی است. وی که برگزیده نخست بخش شعر و کودک و نوجوان در چهارمین جشنواره بین المللی شعر فجر است، در گفت و گو با «ایبنا» گفته است: «در حال حاضر جشنواره شعر فجر به عنوان یکی از جشنواره های مهم و اتفاقات ادبی تاثیرگذار در جامعه شناخته شده است. اما اگر این جشنواره تنها اهدای جایزه ای به برگزیدگان آن رابه عنوان هدف خود دنبال کند، نمی تواند حتی یک گام مثبت در جریان شعر بردارد.»

وی مانند چند تن دیگر از برگزیدگان جشنواره شعر فجر در گفت و گو با «ایبنا»، خواستار حمایت مسوولان جشنواره شعر فجر برای چاپ آثار برگزیده این جشنواره شده است.

همچنین محمدعلی جوشایی، شاعر و شایسته تقدیر بخش شعر سنتی چهارمین جشنواره شعر فجر درباره این جشنواره گفته است: «اگر شاعران احساس کنند سروده هایشان در هر جشنواره و کنگره ای که شرکت می کنند خواننده و سپس ارزیابی می شوند، به طور حتم انگیزه قوی تری برای شرکت در آن کنگره یا جشنواره خواهند داشت. ۱۰ سال پیش در کنگره شعر رضوی استان کرمان حضور یافتم و پس از آن مدتی به دلیل مشغله کاری و سپس حادثه زلزله بم در هیچ جشنواره ای حاضر نشدم. اما امسال که در جشنواره شعر فجر شرکت کرده ام، احساس می کنم سروده هایم به دقت بررسی شده اند.»

همه داوران جایزه کتاب سال

خبرگزاری کتاب ایران به طور روزانه، اسامی داوران یکی از گروه های جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران را منتشر کرده است. می توانید اسامی همه داوران گروه های مختلف این جایزه را که ماه گذشته برگزار شد، در «ایبنا» بخوانید.

اخبار ایران در دید جهانیان

صفحه انگلیسی و صفحه عربی خبرگزاری کتاب ایران، هفته گذشته تحولات کتابی و اخبار آمار انتشار کتاب در حوزه های مختلف در ایران، مهم ترین عناوین مربوط به کتاب در نشریات فارسی زبان، گزارش نشست های سرای دائمی اهل قلم و انتشار تازه ترین کتاب های ترجمه شده به فارسی از نویسندگان غیر ایرانی را منتشر کردند. از جمله این موارد، گزارش آیین پایانی جشنواره شعر فجر و معرفی برگزیدگان این جشنواره است.

نقد و معرفی جدیدترین کتاب ها

خبر انتشار جدیدترین آثار از سوی ناشران مختلف، معرفی کتاب هایی که به زودی قدم به کتابفروشی ها می گذارند، گفت و گوهایی با پدیدآورندگان آثار، شاعران، نویسندگان، ناشران و مترجمان، تازه ترین خبرها و گزارش ها از کتاب و ادبیات و نقد و تحلیل هایی بر کتاب های جدید، از دیگر مطالبی اند که می توان در پایگاه اینترنتی خبرگزاری کتاب ایران یافت.

«دلالت دولت»

آیین مدیریت در حکومت

کتاب «دلالت دولت» آیین نامه حکومت و مدیریت در عهدنامه مالک اشتر، اثر مصطفی دلشاد تهرانی، پرفروش‌ترین کتاب انتشارات و کتابفروشی دریا در هفته گذشته بود.

نویسنده در کتاب «دلالت دولت» عهدنامه مالک اشتر را از لحاظ حوزه بندی به ۱۲ بخش تقسیم و مباحث جزئی را نیز در ۴۷ موضوع عنوان کرده است.

نویسنده در این کتاب جایگاه عهدنامه مالک اشتر را تشریح می‌کند و در کنار سند شناسی به ۱۲ سند در این زمینه که نخستین و قدیمی‌ترین آنها به سال ۳۳ هجری قمری برمی‌گردد و منابع سنی و شیعی را مشخص می‌کند، اشاره دارد.

به باور صاحب نظران، دسته بندی مطالب این کتاب متناسب با فهم مخاطبان امروز از ویژگی‌های این اثر به شمار می‌رود. دیگر آثار پرفروش انتشارات و کتابفروشی دریا در هفته گذشته دو کتاب دیگر از همین نویسنده با عنوان: مجموعه چهار جلدی «سیره نبوی» و «چشمه خورشید»، آشنایی با نهج البلاغه بود.

کتابفروشی افضل‌نی نیز در هفته گذشته چهار رمان را در صدر فهرست آثار پرفروش خود داشت که نخستین آنها کتاب «پرنده بهشتی» اثر عاطفه منجزی از انتشارات علی بود. «تا ته دنیا» اثر سوگنددهکر دی نژاد از نشر پاسارگاد؛ «افسانه دل» اثر فریده رهنما از انتشارات درسا و «غزال» اثر طیبه امیر جواد از انتشارات علی دیگر آثار پرفروش کتابفروشی افضل‌نی در هفته گذشته بودند.

انتشارات و کتابفروشی رویش هم در هفته گذشته، در حوزه کودک و نوجوان سه اثر را در صدر پرفروش‌های خود داشت که مهم‌ترین آنها کتاب «آشنایی با استادان داستان: چخوف، تولستوی، داستایفسکی و همینگوی، به قلم نقی سلیمانی، مسعود علیا و محمد علی قربانی بود. این مجموعه چنان که در معرفی پشت جلد آن آمده، بر آن است تا خوانندگان را با برخی از استادان بزرگ داستان نویسی آشنا کند و هر چند این مجموعه برای نوجوانان دبیرستانی به بالا تهیه شده، اما برای همه گروه‌های سنی بالاتر از نوجوانی هم خواندنی و آموزنده است.

دو اثر دیگر کتابفروشی رویش در هفته گذشته عبارت بودند از: مجموعه «الایی‌های مامان زری» و مجموعه «نی نی کوچولو» و «نی نی توپولی» اثر ناصر کشاورز.

داوران جشنواره ادبی «یار و یادگار» مطرح کردند

تعلق خاطر به بنیانگذار انقلاب، کارنامه پرباری دارد

داوران بخش‌های داستان و شعر سومین جشنواره ادبی «یار و یادگار» معتقدند که آثار ارائه شده در این دوره، جهش قابل توجهی در زمینه تعداد داشته که ناشی از حفظ تعلق خاطر نویسندگان و شاعران به بنیانگذار انقلاب اسلامی است.

محمد رضا اصلانی که در دوره‌های گذشته جشنواره ادبی «یار و یادگار» نیز داوری بخش داستان را برعهده داشته اظهار داشت: «اگر جشنواره‌ها با رعایت اصول و ضوابط معین و با تکیه بر تجربیات دوره‌های گذشته برگزار شوند، داوران واجد شرایط، قضاوت آثار را برعهده گیرند و داستان‌های برتر در قالب کتاب منتشر شوند، قطعاً نویسندگان در دوره‌های آینده آن جشنواره، با امیدواری بیشتری شرکت خواهند کرد.»

نویسنده کتاب «بال‌های کیوتر شیشه‌ای» تاکید کرد: «داستان‌های رسیده به سومین جشنواره ادبی «یار و یادگار» نسبت به دوره‌های گذشته، جهش قابل توجهی در عرصه کمی و کیفی داشته‌اند.»

عباسعلی براتی پور، داور بخش شعر سومین جشنواره ادبی یار و یادگار نیز با ارزیابی اشعار بررسی شده در این جشنواره به این نتیجه رسیده که شاعران همچنان ارادت خود نسبت به امام خمینی (ره) را حفظ کرده و این روند ادامه خواهد داشت.

عباس براتی پور، عبدالجبار کاکایی، رضا عبداللهی، کامران شرفشاهی، عبدالرحیم سعیدی راد، علیرضا بهرامی، محمد علی خسروی، زهرانصوحی، نریمان سجادی، محمد رضا اصلانی، حسن خادم و محمد حسین نوری آذری داوری این بخش‌ها را در سومین جشنواره ادبی یار و یادگار برعهده داشته‌اند.

همزمان با نمایشگاه

«اوکی یو - نه مجموعه مقالات چاپ‌های دستی ژاپنی» رونمایی شد

شخص، سرشت ناپایدار این جهان، سوم اشاره به زمان حال و چهارم، لذت جویی.»

پاشایی افزود: «اوکی یو - نه نوعی هنر تصویری است که از سال ۱۶۶۰ تا آخر دوره ادو ۱۸۶۸ رواج داشت. موضوعات اصلی اوکی یو - نه بازیگرها و صحنه‌های تئاتر، زندگی روزمره یا مناظر دیدنی و جاهای مشهور، پرنده‌ها و گل‌ها بود.»

مهدی حسینی در ادامه این مراسم، گفت: «اوکی یو - نه گونه‌ای از چاپ‌های دستی ژاپنی است که به بیان زندگی در حال گذر، در فرهنگ ژاپن می‌پردازد و آن را به تصویر می‌کشد. این گونه بیان در فرهنگ شرق دور همچنین به روزآمد بودن، شبک بودن و به نمایش گذاشتن امور واقعی دلالت دارد و به آنچه اینجا و اکنون است، می‌پردازد.»

وی افزود: «در نقاشی و چاپ‌های دستی اوکی یو - نه، مخاطب با انواع لباس‌های منقوش و رنگین کیمونو، کلاه، چترهای زیبا، چپق‌ها و مهم‌تر از همه هنرپیشگان تئاتر کابوکی و اتفاقات متعارف و روزمره روبه‌رو است. در نتیجه اوکی یو - نه برخلاف دیگر گونه‌های بیان تصویری شرقی که ریشه در عالم خیال و جهان و جهان ماوراء دارد، ملموس، مادی و زمینی است.»



در ابتدا پاشایی گفت: «اوکی یو - نه اصطلاحی است ژاپنی به معنی جهان گذران و در دوره‌های مختلف تاریخ ژاپن از این واژه چهار روایت یا تعبیر وجود داشته؛ نخست وجود رنج آور این زندگی، مناسبات دردناک، دوم، سرشت نامعین زندگی کنونی

تأسیس سه شهرک مشترک چاپ و نشر در تهران

شهرک صنعتی چاپ و نشر با مشارکت اتحادیه‌های لیتوگرافان، چاپخانه داران، صحافان، ناشران و کتابفروشان در سه منطقه مختلف تهران راه‌اندازی می‌شود.

جلیل غفاری رهبر، رئیس اتحادیه صحافان تهران با اعلام این خبر گفت: «این اقدام با هدف فراهم آوردن تسهیلات مالی و اعتباری کم‌هزینه‌تر برای اعضا و واحدهای صنعتی مرتبط پیش‌بینی شده است.» به گفته وی، این شهرک‌ها در سه منطقه شرق، غرب و جنوب تهران راه‌اندازی خواهند شد.

غفاری رهبر تخصصی سه منطقه جغرافیایی مختلف را برای این کار ضروری دانست و یادآور شد: «بسیاری از سفارش دهندگان به یک منطقه خاص دسترسی ندارند و در این راستا باید تسهیلاتی فراهم شود که سفارش کارهای چاپ و نشر در مکان‌های مختلف برای افراد فراهم شود.»

وی با اشاره به لزوم ایجاد شهرک‌های تخصصی برای اصناف، اظهار داشت: شهرک‌های تخصصی موجب ایجاد رقابت در میان اصناف می‌شوند و روحیه جمع‌گرایی را در میان واحدها تقویت می‌کنند.»

غلامحسین امیرخانی چهره برگزیده فرهنگستان هنر شد

سال ۱۳۴۰ آغاز کرد و نزد استادانی چون، سید حسین میرخانی و مرحوم سید حسن میرخانی به فراگیری هنر خوشنویسی پرداخت.

رئیس شورای عالی انجمن خوشنویسان ایران از ۱۳۶۳، عضو هیأت داوران مسابقات جهانی خوشنویسی در ترکیه، عضو اصلی کمیسیون ملی یونسکو در ایران، عضو هیأت امنای انجمن خوشنویسان ایران و عضو گروه هنرهای سنتی فرهنگستان هنر از جمله سمت‌هایی اند که امیرخانی تاکنون در آن فعالیت داشته است. غلامحسین امیرخانی در سال ۱۳۸۱ نیز به عنوان چهره برگزیده همایش چهره‌های ماندگار شناخته شد.

غلامحسین امیرخانی، هنرمند خوشنویس و عضو پیوسته فرهنگستان هنر به عنوان چهره برگزیده فرهنگستان هنر در سال ۱۳۸۸ انتخاب شد.

مراسم تجلیل از چهره‌های برگزیده فرهنگستان‌ها یکشنبه، ۹ اسفند، ساعت ۱۸/۳۰ در کتابخانه ملی، واقع در بزرگراه حقانی، بعد از ایستگاه مترو، بلوار کتابخانه ملی برگزار می‌شود.

علی اکبر ولایتی از فرهنگستان علوم پزشکی، دکتر سلیم نیساری از فرهنگستان زبان و ادب فارسی و دکتر مهدی گلشنی از فرهنگستان علوم نیز به عنوان چهره‌های برگزیده سایر فرهنگستان‌ها معرفی شده‌اند. امیرخانی فعالیت هنری خود را از

احتمال استفاده از سازه‌های موقت در نمایشگاه

بعد از اعلام وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی مبنی بر احتمال استفاده از سازه‌های آماده برای تامین جا در نمایشگاه کتاب سال آینده، احسان الله حتی مدیر موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران هم این احتمال را تایید کرد.

حتی درباره استفاده از سازه‌های موقت در بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران گفت: «اگر در این دوره از نمایشگاه رواق‌های مصلای تهران را در اختیار نداشته باشیم، باید با استفاده از سازه‌هایی مطمئن فضا را فراهم کرده و کمبود جا را جبران کنیم. نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران براساس برنامه ریزی‌های انجام گرفته در مصلای امام خمینی (ره) برگزار می‌شود و با توجه به این که در بخش‌هایی از مصلای ساخت و ساز است، مانیز خود را با شرایط موجود هماهنگ کرده‌ایم.»

وی ادامه داد: «با توجه به نوع فعالیت‌هایی که در مصلای انجام می‌شود، مواردی پیش می‌آید که امیدواریم با تعامل مسئولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت مسکن و شهرسازی، برطرف شده و این دوره نیز مانند دوره‌های گذشته به شکل مطلوبی برگزار شود.»

برنامه هفتگی سرای اهل قلم

برنامه‌های این هفته سرای دائمی اهل قلم از سوی خانه کتاب به ترتیب زیر اعلام شد: شنبه هشتم اسفند: نشست عرفان در ادبیات ایران با حضور دکتر پرویز عباسی داکانی و دکتر عبدالرضا مظاهری از ساعت ۱۶/۳۰ تا ۱۸/۳۰.

یکشنبه نشست اول: نقد و بررسی کتاب «هفت» با حضور علی اصغر شیرزادی و احسان عباسلو از ساعت ۱۶/۳۰ تا ۱۸/۳۰. نشست دوم: نقد و بررسی کتاب «موصل» با حضور حمید داداشی، کیانی و تفسیر ثبات از ساعت ۱۶/۳۰ تا ۱۸/۳۰.

دوشنبه: کارگاه داستان‌نویسی با حضور فیروز زوزی جلالی از ساعت ۱۴ تا ۱۶ و نشست نقد و بررسی کتاب «پروورش خلایقیت به کمک بازی‌های وانمودی» با حضور دکتر مجیب، دکتر طهماسبیان و دکتر علیزاده از ساعت ۱۶/۳۰ تا ۱۸/۳۰.

سه‌شنبه: نشست شعرخوانی با حضور مژگان عباسلو از ساعت ۱۶/۳۰ تا ۱۸/۳۰. نشست دوم: بررسی کتاب «عنایت در پژوهش‌های تاریخی» با حضور دکتر ملایی توانی، دکتر گل محمدی و حبیب‌الله اسماعیلی از ساعت ۱۶ تا ۱۸.

چهارشنبه: نقد و بررسی کتاب «مطابق مشایخ» نوشته دکتر مصطفی گرجی با حضور نویسنده، دکتر بخشعلی قنبری و دکتر مریم عاملی رضایی از ساعت ۱۷ تا ۱۹.

سرای اهل قلم واقع در خیابان انقلاب، خیابان فلسطین جنوبی، کوچه خواجه نصیر، شماره ۲ واقع و شرکت در این جلسات برای عموم آزاد است. علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند با شماره ۶۶۹۶۶۱۵۶ تماس بگیرند.



گزارش آیین پایانی چهارمین جشنواره بین المللی شعر فجر

محفلی در تحسین شعر و شاعر

ساعت ۴ بعد از ظهر اول اسفندماه در هوای بارانی شهر تهران، تالار وحدت میزبان اهالی شعر بود تا نتیجه ماه‌ها کوشش و مساعی انجام شده برگزار کنندگان جشنواره را در آیینی با عنوان «اختتامیه» به نظاره بنشینند.

چهارمین جشنواره بین المللی شعر فجر از سوم بهمن ماه در بوشهر و با سخنان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی کار خود را آغاز کرد، جشنواره‌ای که موضوعش به نظر می‌رسد از نظر جایگاه فرهنگی، شأن بالاتری نسبت به دیگر هنرها دارد و برخی بی‌توجهی‌ها در برگزاری آن موجب شده تا این دوره، چهارمین سال برگزاری آن باشد.

این جشنواره در طول این فاصله، حدود یک ماه در استان‌های مختلف کشور با برگزاری کارگاه‌های آموزشی، شب‌های شعر و دیگر برنامه‌ها همراه بود و با استقبال شعر دوستان نیز مواجه شد.

در سوی دیگر، بخش رقابتی جشنواره و بررسی آثار جوان‌ها و پیشکسوتان هیجان آیین پایانی جشنواره را بالاتر برده بود، به ویژه این که به گفته مرتضی امیری اسفندقه دبیر علمی جشنواره، حتی اعضای شورای سیاست‌گذاری جشنواره نیز تا آخرین لحظه از نام برگزیدگان آگاه نبودند.

نخستین سخنران این مراسم، دکتر محسن پرویز، معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بود که به روال مراسم اخیر، در سخنانی بسیار کوتاه از حضور شاعران و دست‌اندرکاران برگزاری جشنواره تشکر کرد و از آغاز فعالیت دوره بعد را در فرای برگزاری این مراسم نوید داد.

دکتر پرویز گفت: «خوشحالم که امسال بر اساس وعده‌ای که سال گذشته داده شد، جشنواره به شکل رقابتی برگزار شد و به پایان رسید و برنامه‌ریزی یک سال گذشته نتیجه داد.»

وی همچنین از شاعران و همه کسانی که به رونق جشنواره کمک کردند، تقدیر و تشکر کرد.

دکتر پرویز با موقف خواندن برگزاری رقابتی این دوره جشنواره، اضافه کرد: «تنها اشعار ارسالی به دبیرخانه قضاوت شده‌اند و برای این که قضاوت داوران بدون تاثیر از نام شاعران باشد، تلاش شد اسامی در اختیار داوران قرار نگیرد و داوران تنها بر اساس شعر باشند.»

معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ادامه داد: «امیدواریم نواقص این دوره را کشف کنیم تا به جایگاه مطلوبی که شعر در جمهوری اسلامی به عنوان یکی از کهن‌ترین هنرها داشته، نزدیک شویم.»

علی موسوی گرمارودی، دومین سخنران بود که درباره داوران جشنواره برای حاضران مطلبی را قرائت کرد.

وی درباره برخی از معیارهای داوران توضیح داد: «تازگی مضمون و چگونگی پرورش آن، قریحه و چند و چون آن، شناخت درست از قالب انتخاب شده، هماهنگی سبک با نحوه ارائه شعرها و کاربرد موسیقی چهارگانه شعر، هندسه و ساختار و ایجاز و حس آمیزی، از جمله معیارهای داوران در این جشنواره بودند.»

موسوی گرمارودی با تاکید بر این که مبنای داوران جشنواره چهارم شعر فجر، شعر بوده نه شاعر، اظهار داشت: «به آن معنا که تنها شعر خوب، مورد توجه داوران بوده است، زیرا ما نام آنها را برداشته و شعرها را



کدگذاری کرده بودیم. در نهج البلاغه هم داریم که امام علی (ع) به دشواری داوری در شعر، اشاره فرموده‌اند.

موسوی گرمارودی افزود: «داوران ما در این جشنواره، به پیروی از مولایشان علی (ع)، تنها به زیبایی شعر جایزه داده‌اند، اگر چه به لطف حق، شاعران ما، هم تعهد حسان بن ثابت، شاعر رسمی پیامبر (ص) و هم قوت و زیبایی شعر «امرو القیس» را داشته‌اند.»

وی از خود به عنوان «خادم‌تگزار کلمه» یاد کرد و گفت: «تنها به احترام شعر، سری را که درد نمی‌کند، دستمال بسته‌ام. این تاکیدها را از آن رو می‌کنم، که می‌دانم کم است شاعری که قبول کند شعرش برترین شعر موجود نیست و با نسبت‌های ناروا به داوران و دست‌اندرکاران جشنواره، نسبت بی‌عدالتی ندهد.»

در ادامه، مجری مراسم مفتون امینی را که از داوران جشنواره و از شاعران پیشکسوت به شمار می‌آید، دعوت کرد تا برای حاضران شعر بخواند. وی نیز مقدمه کتاب تازه‌اش درباره حافظ را برای حاضران خواند و در ادامه خسرو احتشامی، غزلی از سروده‌های سال‌های بسیار دور خود را برای حاضران قرائت کرد. همچنین، یک شاعر عراقی و یک شاعر تاجیک نیز به عنوان شاعران مهمان جشنواره، اشعاری را به زبان فارسی برای حاضران خواندند.

از دیگر رویدادهای حاشیه‌ای این جشنواره، اجرای موسیقی سنتی بود که توسط نوازندگان نی و تنبک، فضای آیین را نسبت به دیگر برنامه‌های

اسامی برگزیدگان چهارمین جشنواره شعر فجر

بخش شعر سنتی

رتبه اول: محمود حبیبی کسبسی (تهران)، رتبه دوم: پانته آ صفایی (اصفهان)، رتبه سوم: محمد مرادی (تهران) و رتبه سوم: محمد سعید میرزایی (تهران)، شایسته تقدیر: محمد رضا طاهری (تهران) و محمد علی جوشایی (کرمان)

بخش شعر نو

رتبه اول: سینا علی محمدی (تهران)، رتبه دوم: محمد حسین نعمتی (تهران) و رتبه سوم: امید مردانی بروجنی (بروجن)

بخش شعر کودک و نوجوان

رتبه اول: کبری بابایی (تهران)، رتبه دوم: حامد محقق (همدان) و رتبه سوم: غلامرضا بکتاش (ملایر).

هنر اختصاص داده‌ایم، در حالی که می‌دانیم چه نقشی را دارد؟ تاکید می‌کنم نسل جوان با بزرگان مجالست کند تا فرهنگ شاعر در انجمن‌ها رشد کند.»

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، همچنین با اشاره به سخنان دبیران جشنواره و همچنین معاون امور فرهنگی خود، دکتر محسن پرویز، گفت: «شیوه اجرایی در این دوره از جشنواره، کاملاً رقابتی بوده که موجب کشف استعدادهاى تازه شده است و امیدوارم در صورت اجماع، برنامه‌های دیگری نیز برای این استعدادها داشته باشیم.»

سخنان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی که به پایان رسید، آیت‌الله محمدی گلپایگانی، همراه دکتر محسن پرویز، علی موسوی گرمارودی، امیری اسفندقه و مصطفی امیدی، دبیر اجرایی جشنواره، جوایز برگزیدگان این دوره را که اغلب شاعران جوان بودند، اهدا کردند.

جشنواره از نگاه شاعران

در حاشیه آیین پایانی جشنواره شعر فجر، برخی از شاعران شرکت‌کننده در این جشنواره به ارائه نظر، پیشنهاد و انتقادشان درباره جشنواره پرداختند. محمدجواد محبت، با تاکید بر این نکته که در جشنواره امسال کار به دست افرادی کاردان سپرده شده بود گفت: «وجود سیدعلی موسوی گرمارودی و مرتضی امیری اسفندقه به عنوان دبیر و دبیر علمی جشنواره سبب شد شاهد ارتقای سطح کیفی جشنواره باشیم.» همچنین محمدعلی بهمنی اظهار داشت: «نتایج جشنواره نشان از دقت داوران در امر داوری داشت و توانسته بود فراگیرتر عمل کند.»

وی گفت: «شیوه‌های اجرایی جشنواره بر اساس تصمیم‌های اخذشده توسط مدیریت فرهنگی جشنواره صورت گرفته است و به طور حتم اندیشه‌ای قوی در پس این تصمیم‌ها وجود داشته است. از سوی دیگر مجید نظافت، با تاکید بر این که شیوه‌های اجرایی جشنواره شعر فجر از جمله رقابتی برگزار شدن آن، نشان می‌دهد که جشنواره هر سال بهتر از سال گذشته عمل می‌کند اظهار داشت: «نتایج جشنواره نشان داد که برگزیدگان، از میان شاعران جوان یا میانسالند. این رویکرد، مثبت و مبارک است.»

ادبی متنوع کرد. مرتضی امیری اسفندقه، دبیر علمی جشنواره که البته تلاش زیادی برای فاش نشدن نام برگزیدگان تازه‌مان برگزاری این مراسم انجام داده بود، گزارشی از روند داوری برای حاضران قرائت کرد که آن را بیانیه هیات داوران نیز می‌توان به شمار آورد که با واژه‌های شعرگونه باز هم از دیگر بیانیه‌های جشنواره‌ای هم شکل، متفاوت می‌نمود.

حضور آیت‌الله محمدی گلپایگانی، رییس دفتر مقام معظم رهبری در آیین اختتامیه شعر فجر، موجب شد تا علی امیراحمدی به عنوان مشاور ارشد وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، قصیده‌ای از وی را با شور و حرارت خاصی برای حاضران بخواند!

دکتر سید محمد حسینی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی که در مراسم افتتاحیه نیز متنی تقریباً مسجع را قرائت کرد، سخنان خود را که فضایی شاعرانه داشت، ایراد کرد.

دکتر سید محمد حسینی در این آیین گفت: «کجا در تاریخ نامی از ثروت اندوزان ثبت شده و اگر هم شده، مذمت است مانند قارون و کجا نامی از شعر و سروده، به پاکی و نیکی ثبت نشده است؟» وی ادامه داد: «ای شاعران فرهیخته! در این مراسم از سر درد با شما سخن می‌گویم. بیایید در اوضاع کنونی جهان، در حوزه فرهنگ، مقام بیشتری را برای شعر قائل شویم.»

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در بخش دیگری از سخنانش افزود: «مساله شعر، امری ملی است و هم‌زبانی‌ها فرصتی است تا زمینه ساز ظهور گردیم.»

دکتر حسینی همچنین گفت: «این وزارتخانه نیز باید هوای سلطنت عشق را نگاه دارد. به شعر که متعلق به ایران اسلامی است، بها دهیم که شعر از هر هنری بالاتر است.»

وی تصریح کرد: «احترام امامزاده‌رامتولی باید نگاه دارد. مگر ما شاعر شهیر و شهید کم داریم؟ پس چرا آنچنان که سزاست، به آن نپرداخته‌ایم؟ از انجمن‌های شعر کمتر می‌شنویم در حالی که در این انجمن‌ها، نوآمدگان آب دیده‌تر می‌شوند.»

دکتر حسینی با اشاره به تعلق خاطر رهبر معظم انقلاب اسلامی نسبت به انجمن‌های ادبی، گفت: «چه سهمی در بودجه را به این

قابل توجه

ناشرین محترم

تحویلی نو در عرصه چاپ کتاب

با خدمات چاپ و انتشارات کتاب شمس

انجام کلیه امور کتاب

از مجوز و حروفچینی تا

چاپ و صحافی را بصورت

کامپیوتری (بدون لیتوگرافی)

با بالاترین کیفیت و کمترین قیمت

یکجا تجربه کنید

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۲۹۷۴۱

۰۹۱۲۲۱۵۹۰۷۲



سجاد صاحبان زند

کاوه میرعباسی که نام او را همواره به عنوان مترجمی مطرح شنیده‌ایم، نخستین مجموعه قصه‌اش را با عنوان «هفت روز نحس» منتشر کرد. او در این کتاب کوشیده است تا نوع خاصی از قصه‌های ترسناک را با مایه‌های شوخی، پیش روی مخاطبش بگذارد. میرعباسی، پیش‌تر آثار نویسندگانی چون فونتنس، مارکز، یوسا، آندره برتون و بسیاری دیگر از نامداران عرصه ادبیات داستانی را به فارسی ترجمه کرده بود. او همچنین دو رمان را نیز زیر چاپ دارد که در ژانر پلیسی نوشته شده‌اند. او در متنی که در ادامه می‌آید، درباره کتابش و چگونگی ورودش به دنیای نویسندگی، توضیحاتی ارائه کرده است.

هفت روز نحس در گفت و گو با کاوه میرعباسی

داستان‌هایی که بیشتر سینمایی‌اند تا ادبی

به آن خیابان رفتیم، دیدم که یک طرفه است. در نتیجه شخصیت داستانی ام مجبور شد به جای آنکه سوار تاکسی شود، پیاده برود. شاید بعضی‌ها بگویند که این داستان واقعی نیست و نیازی ندارد که به این مسایل جزئی در آن توجه شود، اما به نظر من این نکات جزئی خیلی مهم است. یعنی وقتی شما این داستان‌ها را می‌نویسید، حس می‌کردید دارید آن‌ها را برای ما تعریف می‌کنید؟

نه به آن صورت. من سالها ترجمه کرده‌ام و به همین دلیل روی مساله زبان خیلی حساسم. مترجم در کارش بیشترین توجه را به زبان دارد؛ یعنی تلاش می‌کند تا لحن نویسنده را به خوبی برگرداند. به همین دلیل، روی مساله زبان خیلی حساس بودم. مثلا شما در سه داستان اول، سه جور زبان متفاوت را می‌بینی. حتی داستان دوم و چهارم، با آنکه به صورت شکسته نوشته شده‌اند، باز هم هم متفاوتند. در داستان دوم ما یک جوان بیست و چند ساله کم سواد و کمی شیرین عقل روبرییم و در داستان چهارم، ما با یک پیرمرد از طبقه کارمند. این‌ها با هم متفاوتند و لحن شان هم در داستان متفاوت است.

ساخته شدن و نوشته شدن فیلم‌ها و داستان‌های ترسناک این روزها مد شده. چرا مردم دوست دارند بترسند؟

مخاطب وقتی داستانی ترسناک می‌خواند یا فیلمی ترسناک می‌بیند، از آن لذت می‌برد چون می‌داند که این ماجرا قرار نیست برای خودش اتفاق بیفتد. هر قدر هم که داستان ترسناک باشد او می‌داند که در جای امنی حضور دارد و ماجرا برای کسی دیگر در حال اتفاق افتادن است. او می‌داند که این خطر متوجه او نیست. از طرفی آدم دلش می‌خواهد ماجراجویی کند و چه جایی بهتر از ادبیات و سینما. شما در این آثار کلی چیزهای مختلف را تجربه می‌کنی، بدون آن که واقعا به خطر بیفتی. البته من در مورد کارهای خیلی خوب حرف می‌زنم. کارهای خیلی بد هم در ژانر ترسناک وجود دارد و من می‌خواستم هجو قصه‌های ترسناک را بنویسم.

فکر نمی‌کنید برای نوشته شدن این نوع داستان‌ها کمی زود باشد؟ چون ما تجربه خیلی کمی در داستان‌های ترسناک داریم و این داستان‌ها را خیلی خوب نمی‌شناسیم.

شاید در مورد داستان‌های ترسناک ما خیلی تجربه نداشته باشیم، اما فیلم‌های ترسناک زیادی را دیده‌ایم. به همین دلیل است که می‌گویم که این کتاب بیشتر به سینما مربوط می‌شود تا ادبیات. مثلا در داستان سوم، دو صحنه «توپ» و «مرگ مورچه‌ها» داریم که به نوعی شوخی با سینمای ترسناک خاور دور (هنگ کنگ، ژاپن، تایلند، کره و...) است. سینمای ترسناک خاور دور، خیلی گسترده است، اما گاهی ترفندهای ترسناک را خوب انجام نمی‌دهند و در نتیجه کارشان کمی خنده دار می‌شود. البته آنها کمی هم تفاوت‌های فرهنگی دارند و بعضی از چیزهایی که ممکن است به نظر ما خیلی معمولی بیاید برایشان ترسناک است. من زیاد فیلم می‌بینم و در نتیجه می‌توانم با این فیلم‌ها شوخی کنم.



ذهنتان هم می‌ساختید!

این قصه‌ها به سینمای وحشت خیلی بیشتر ارتباط دارند تا ادبیات ترسناک. در داستان کوتاه معمولا یک نقطه پایانی وجود دارد که داستان در آن به اوج ترسناکی اش می‌رسد. اما در داستان‌های من، نقطه ترسناک در شروع داستان قرار دارد. البته داستان‌های من خیلی کوتاه هم نیستند، اما شروع شان با یک ماجرای ترسناک همراه است. مثلا چند وقت قبل، داستان ابر و سمفونی برفی نوشته پیمان اسماعیلی را می‌خواندم که اتفاقا از کتابش خوشم هم آمد. نقطه اوج در داستان‌های او، آخر ماجرا اتفاق می‌افتد.

شما اشاره خوبی کردید. من داستان‌هایم را خیلی تصویری می‌دیدم. البته چیزهایی هم در قصه وجود دارند که باعث می‌شوند ادبی شوند. مثلا در قصه دوم، ماجرا از ذهن یک راوی کم هوش و کم سواد تعریف می‌شود. در نتیجه ماجرا گاهی کمی عجیب و غریب می‌شود. کلا چهار داستان کتاب خیلی پرماجرا هستند. قصه اول بیشتر به داستان حادثه‌ای نزدیک می‌شود. داستان دوم به نظر، افسانه مدرن است. در این قصه، چون یک افسانه شهری است، خیلی سعی کرده‌ام به اسامی و عناصر واقعی وفادار باشم. مکان‌هایی را که نامشان این جا آمده، همه را به دقت دیده‌ام. حتی به یک طرفه بودن خیابان‌ها هم دقت کرده‌ام. مثلا در یکی از بخش‌های داستان دوم، راوی باید از یک سمت خیابان به سمت دیگر می‌رفت. وقتی

تعداد صفحات خاصی را بنویسم یا ساعات خاصی را کار کنم.

نقش ویراستار را در کارهایتان چگونه می‌بینید؟
ویراستار خوب یا ویراستاری که بتواند به نویسنده و مترجم کمک کند و نویسنده با او تفاهم داشته باشد، خیلی خیلی مفید است. اما من در طول سال‌های گذشته، با بسیاری از ویراستاران کار کرده‌ام که نه تنها کمکی به شما نمی‌کنند، که حتی مخل هم هستند. یعنی در کارت اختلال ایجاد می‌کنند. البته با ویراستاران خوبی هم کار کرده‌ام که کمک زیادی به من کرده‌اند. مثلا ویراستار همین کتاب هفت روز نحس که اسمش هم در کتاب نیامده، شخصی است به نام حسین گودرزی که یک نمونه از ویراستاران خوب است. بعد از آشنایی با ویراستاران از این نوع، متوجه شدم که ویراستار خوب، تا چه اندازه مفید و چه نعمتی برای نویسنده و مترجم به حساب می‌آید. به گمان من، ویراستاری که تنها به کارش بیانیشد و نخواهد ابراز وجود کند، می‌تواند کمک بزرگی برای کار باشد. اما من به ویراستاران زیادی برخورده‌ام که می‌خواهند ابراز وجود کنند. از کسی نام نمی‌برم، اما نمونه‌ای را ذکر می‌کنم تا منظورم را برسانم. مثلا ویراستاری، جمله فلانی موضوع اش را حفظ کرد را به جمله فلانی موضوع اش را از بر کرد. یعنی طرف بدون این که جمله را خوانده باشد، فعل حفظ کرد را به دلیل عربی بودن، تغییر داده بود! یا مثلا در یکی از ترجمه‌های من، همه کلمات فارسی را عربی کرده بود و همه کلمات عربی را فارسی. یا در کتاب نقد عکس که من چند سال پیش ترجمه کردم، ویراستار اسامی خاص را در این کتاب ترجمه کرده بود، مثلا اسم مجله را. مثلا فکرش را بکنید که کسی اسم مجله تایم یا لایف را ترجمه کند.

قصه‌های این کتاب هم نشان می‌دهد که شما به سینما علاقمندید. مثلا قصه اول به فیلم تالو اشاره می‌کند. همین قصه یک جورهایی آدم را یاد قصه‌های مصور «تن تن» می‌اندازد. در قصه دوم، طرف از فیلم دیدن بدش می‌آید. احتمالا وقتی این قصه‌ها را می‌نویسید، آن‌ها را توی

دغدغه اصلی شما در این مجموعه داستان چه بود؟

دغدغه اصلی من برای نوشتن این کتاب، نوشتن داستان‌هایی بود که کتشت داشته و مخاطب همراه آنها باشد. از سویی تلاش کرده‌ام که خیلی مقید زبان باشم تا زبان داستانی ام شسته رفته باشد و مخاطب بتواند راحت آن را بخواند. البته وقتی کتاب منتشر شد، کمی نگران شدم. اغلب منتقدان ادبیات داستانی در ایران، داستان‌هایی را که کتشت دارند، جدی نمی‌گیرند. این داستان‌ها انگار برای ذهنیت روشنفکرگونه، دافعه ایجاد می‌کند! حتی در مورد سر هیدرا نوشته کارلوس فونتنس هم با همین قضیه روبرو شدم. این یکی از رمان‌های خوب نویسنده‌اش است. اما برخورد جامعه منتقدان با آن خیلی خوب نبود، چرا که این رمان بسیار پرماجرا و پرکتش است. امیدوارم این اتفاق در کتاب من نیافتد.

چطور شد که داستان نوشتید؟

من داستان نویسی را از ۱۲ سالگی شروع کردم. تا چهارده سالگی در نشریه کیهان بچه‌ها داستان می‌نوشتیم و بابت نوشتن داستان، حتی حقوق هم می‌گرفتم. من در همان سالها بیست و چند داستان نوشتم و تعدادی هم ترجمه کردم. در شانزده سالگی یک داستان نوشتم که در نشریه فردوسی چاپ شد با اسم گیوه. بعد، دیگر داستان نوشتم چون رفتم تا سینما بخوانم. وقتی هم در سال ۱۳۷۰ برگشتم، می‌خواستم در زمینه سینما کار کنم. سال ۱۳۷۳ یک سریال ۱۳ قسمتی برای شبکه ۲ نوشتم که ساخته نشد. یعنی پولش را گرفتم، اما سریال ساخته نشد. بعد که نشد در عرصه سینما کار کنم، شروع به ترجمه کردم. شاید از بد حادثه بود که ۱۵ سال ترجمه کردم. حالا هم دوباره برگشتم به داستان نویسی. من همیشه یک سری پروژه توی ذهن دارم که علاقه مندم آنها را بنویسم. حالا هم که این‌ها را نوشته‌ام و پیش روی شماست. من همیشه به فکر نوشتن داستان ترسناک بوده‌ام.

دلناتن برای ترجمه تنگ نمی‌شود؟

هنوز که تنگ نشده! شاید در آینده چنین شود. ممکن است شما بعد از ده سال، علاقه‌ای هم به این کار پیدا کرده باشید...

شاید هم این اتفاق بیافتد که من دوباره ترجمه کنم. یعنی ممکن است کتابی را بخوانم و خیلی از آن خوشم بیاید و ترجمه اش کنم، اما در حال حاضر چنین کتابی به دستم نرسیده و چنین تصمیمی ندارم. با این همه، همین جوری و بدون هیچ دلیل، دلم برای ترجمه تنگ نمی‌شود. البته من کتاب‌های خارجی زیاد می‌خوانم و ممکن است از میان این کتاب‌ها، یکی شان مورد توجه ام قرار بگیرد.

روزی چند ساعت کار می‌کنید؟

زمانی که ترجمه می‌کردم، ساعت کاری ام خیلی مشخص تر بود، ولی حالا که می‌نویسم، کمی بی نظم. در روزهای ترجمه تقریبا روزی هشت ساعت کار می‌کردم، به این ترتیب که روزی ۴ صفحه یا ۳۲۰ سطر ترجمه می‌کردم. ترجمه فارسی این تعداد صفحه، ۵ یا شش صفحه بود و براساس همین با ناشران قرارداد می‌بستم. اما حالا که می‌نویسم، چون باید به جنبه‌های خلاقانه توجه کنم، خودم را ملزم نمی‌کنم که هر روز



آزاده سیدین

گسترش تکنولوژی و فناوری های اطلاعات، تاثیر زیادی بر مراکز اطلاع رسانی گذاشته است که از جمله آنها می توان به تغییر نوع منابع، نحوه ارائه خدمات به کاربران، افزایش کارکنان و مراجعه کنندگان در کتابخانه ها اشاره کرد. متخصصان علوم کتابداری معتقدند چنین تحولاتی در کتابخانه هایی مشاهده می شوند که ساختمان و تجهیزات آنها نیز متناسب با توسعه تکنولوژی رشد یافته اند. اما ساختار کتابخانه ها، رشته های تخصصی دیگری از جمله معماری را پوشش می دهد که رشد آن در گرو همکاری معماران با کتابداران است. متخصصان کتابداری و معماری، هر چه از علوم متقابل یکدیگر بیشتر مطلع باشند برای دسترسی به اهداف مشترک موفق ترند و کتاب «دانشنامه معماری ساختمان و تجهیزات کتابخانه» به این مهم می پردازد. برای آشنایی از محتوای این کتاب با «بابک پروتو» مولف آن گفت و گو کرده ایم. وی دارای کارشناسی ارشد رشته کتابداری است و به عنوان عضو هیأت علمی بخش علوم کتابداری دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شیراز فعالیت می کند.

گفت و گو با مؤلف کتاب «دانشنامه معماری ساختمان و تجهیزات کتابخانه»

دانشنامه تجهیزات کتابخانه یا ... ؟

نگاه کنیم باید بگویم ما منابع مرجعی داریم که بعضی از آنها واژه نامه و گروهی دیگر را دایرة المعارف می نامیم. یک واژه نامه چه ساده باشد و چه توصیفی، در سطحی محدود مفاهیم را شرح می دهد. اما در دایرة المعارف شرح مفاهیم بسیار گسترده تر است و گاهی به صورت یک مقاله با نام نویسنده و منابع به کار گرفته شده همراه خواهد بود. اگر بخواهیم بین این دو منبع مرجعی را در نظر بگیریم باید به دانشنامه ها اشاره کنیم که از واژه نامه های توصیفی مفصل ترند، اما هرگز به اندازه یک دایرة المعارف نمی رسند. این کتاب چنین خصوصیتی دارد و من اصطلاح دانشنامه را برای آن انتخاب کردم.

چرا واژه ها به سبک کتاب های خارجی از چپ به راست و دیگر مطالب از راست به چپ چیده شده اند که به نظر می رسد مخاطبان را سردرگم می کند؟

مولفان و مترجمان پس از تنظیم کتاب تا حد زیادی تابع نظر ناشر خواهند بود و به سلیقه آنها که از بازار کتاب و مسائل اقتصادی آن شناخت بیشتری دارند، احترام می گذارند. در مورد این کتاب هم، من در متن اصلی برعکس آنچه شما مشاهده می کنید عمل کرده بودم. اما در پایان چیدمان کتاب بر عهده ناشر بود که به شکل فعلی تبدیل شد.

اگر این کتاب به چاپ دوم برسد چه تغییراتی در محتوای کتاب اعمال می کنید؟

در این کتاب اصطلاحاتی که برای اولین بار در حوزه ساختمان و تجهیز کتابخانه ها مطرح شده اند و بسیار قدیمی اند تا واژه های امروزی گنجانده شده اند. اما تکنولوژی هر روز پیشرفت می کند که تجهیزات، معماری ساختمان، کارکرد و اهداف کتابخانه ها کاملا به این تغییرات وابسته اند. بنابراین با گذشت زمان اصطلاحات جدید در متون کتابداری وارد می شوند که باید در ویرایش ها و چاپ های بعدی اعمال شوند.



خدمات مناسب به کاربران ارائه دهند و شرط اصلی من در این باره داشتن فضای فیزیکی مناسب است. حالا شاید این کتابداران در محیطی فعالیت می کنند که از ابتدا برای کتابخانه ساخته شده است یا ساختمان کتابخانه مورد نظر برای اطلاع رسانی مکان مناسبی نیست. حتی ممکن است فضا از ابتدا برای کتابخانه طراحی شده باشد، اما به مرور زمان و در اثر اعمال بعضی فشارهای خارجی، کاربری خود را از دست داده باشند؛ بنابراین همه این موارد را مدنظر داشته ام تا برنامه ریزان با کمک معماران و کتابداران بتوانند برای ارائه خدمات مناسب به کاربران، ساختمان های کتابخانه ها را تغییر دهند یا فضاهایی را از نو بنا کنند. چرا از دانشنامه به جای دایرة المعارف یا واژه نامه در عنوان کتاب استفاده کرده اید؟

اگر از دیدگاه کتابداری بخواهیم به این مسأله

جست و جو کردم، اما نتوانستم کتاب مرجعی را پیدا کنم که حاوی اصطلاحات تخصصی حوزه ساختمان و تجهیزات کتابخانه باشد. در نتیجه الگوی خاصی نداشتم.

اگر چه در عنوان کتاب از اصطلاح معماری استفاده کرده اید اما تعداد محدودی پلان و اندازه های استاندارد این حوزه را در متن گنجانده اید؟

هدف من از تالیف این کتاب ارائه درسی است که معماری نبود که بخواهم به صورت تخصصی از آن استفاده کنم. همچنین اگر این کتاب به مباحث مرتبط با معماری دیدگاه تخصصی داشت دیگر قابل مطالعه برای کتابداران نبود. من با ارائه اصطلاحات معماری تا آنجایی که این عمل اشاره کرده ام که کتابداران با کمک معماران به ساخت و تجهیز کتابخانه ها بپردازند.

بنابراین بهتر نبود از عنوان دانشنامه ساختمان و تجهیزات کتابخانه به تنهایی و بدون اصطلاح معماری برای کتاب استفاده می کردید؟

در این مورد مقداری تفاوت دیدگاه بین من و ناشر وجود داشت. پیشنهاد من عنوان دانشنامه ساختمان و تجهیزات کتابخانه بود، ولی ایشان به دلیل برداشت های خودشان از مفاهیم و جذب مخاطب بیشتر ترجیح دادند که از اصطلاح معماری هم در عنوان کتاب استفاده کنند. به هر حال من استفاده از کلمه معماری را در عنوان کتاب خیلی براه نمی دانم، اما معماران فقط باید در جست و جوی اصطلاحاتی باشند که آنها را در ارتباط برقرار کردن با کتابداران برای ساخت و تجهیز یک کتابخانه یاری برسانند.

با کمک این کتاب فضای کتابخانه های موجود کاربردی تر می شوند یا هر مکانی قابل تبدیل به کتابخانه خواهد بود؟

فرض اساسی من در ارائه مسائل مرتبط با ساخت و تجهیز کتابخانه هالین است که کتابداران می خواهند

چرا در این کتاب که مرتبط با تجهیزات کتابخانه هاست اصطلاحات رشته های تخصصی دیگر مثل معماری هم مشاهده می شوند؟

از همان روزهای اولی که در بخش کتابداری مشغول به کار شدم، درس ساختمان و تجهیزات کتابخانه دوره کارشناسی ارشد را نیز تدریس می کردم و برای تدریس، نیاز به اطلاعات تخصصی مختلفی داشتم که باید آن را از میان منابع علمی به زبان انگلیسی و فارسی می یافتم. پس از دسترسی به این اطلاعات، از آنها یادداشت هایی برمی داشتم که متوجه شدم حجم این یادداشت ها بسیار زیاد شده اند و می توان آنها را در قالب یک کتاب به دانشجویان عرضه کرد. ابتدا قصدم این بود که این کتاب یک واژه نامه ساده باشد و اصطلاحات مرتبط با ساختمان و تجهیزات کتابخانه را پوشش دهد، اما واژه ها فراتر از این بود و رشته های تخصصی دیگر مثل تاسیسات ساختمان، الکترونیک، کامپیوتر، حفاظت و معماری را شامل می شد و باید به آنها نیز اشاره می کردم. از جمله، معماری که میخواهد به طراحی ساختمان یک کتابخانه بپردازد، زمانی می تواند از اصطلاحات معماری در این زمینه بهره مند شود که واژه های حوزه کتابداری را کاملا بشناسد. یا متخصصانی که می خواهند برای مراحل ساخت و اجرای یک کتابخانه برنامه ریزی کنند، باید علاوه بر اصطلاحات برنامه ریزی با واژه های معماری و کتابداری نیز آشنا باشند. یعنی ساخت و تجهیز یک کتابخانه با تخصص های مختلف درگیر است که کارشناسان این حوزه ها برای ارتباط بهتر با هم باید زبان یکدیگر را متوجه شوند و این کتاب برای رسیدن به این مهم، تا آنجایی که توانسته اصطلاحات مربوطه را جمع آوری کرده است.

آیا برای تالیف کتاب از نمونه ایرانی یا خارجی آن الگو گرفتید؟

در شروع کارم با کمک اینترنت، در این باره

گفت و گو با کیومرث حبیبی، مترجم کتاب «برنامه ریزی و طراحی شهری بریتانیا»

مدیریت واحد در برنامه ریزی شهری

دیدگاهی تنها یک نفر که معمولا شهردار است پاسخگوی مشکلات است که همه به وی مراجعه می کنند. ما نیز برای حل مشکلات کلانشهرهایمان به خصوص تهران باید از چنین راه حل هایی بهره مند شویم.

با اینکه کتاب درباره مدیریت شهری است، اما چرا یک بخش آن به مسائل زیست محیطی می پردازد؟

مشکلات زیست محیطی مثل گرم شدن کره زمین، آب شدن یخ های قطبی، از بین رفتن گونه های جانوری و آلودگی هوا طی ۲۰-۳۰ سال اخیر بسیار شدت یافته اند و دنیا را تحت تاثیر قرار داده اند. کارشناسان معتقدند که زمین سکونتگاه همه مردم است که باید به عنوان مادر همه بخش ها در همه تخصص ها به آن توجه شود. به همین دلیل مولف کتاب یک بخش از کتاب را به مقوله محیط زیست اختصاص داده است تا اهمیت این موضوع در برنامه ریزی شهری بیشتر روشن شود.

آیا راه حل های ارائه شده در کتاب باید عینا اجرا شوند؟

بنده اعتقاد دارم همه علوم از جمله شهرسازی را که از کشورهای دیگر وارد می کنیم نیاز به بومی سازی دارند که باید آنها را با شرایط جغرافیایی، محیطی، اجتماعی و اقتصادی خودمان سازگار کنیم. نمی توان براساس یک نظریه علمی وارداتی، دگرگونی عظیم ایجاد کرد، بلکه باید تعدیل و پلایش شود تا کارایی لازم را بیابد.

شاید در شمال و شمال غرب کشور مثل ارومیه، سنندج، کرمانشاه و زنجان قابل انطباق باشد، ولی با شرایط اقلیمی و جغرافیایی بسیاری از مناطق کشورمان سازگاری ندارد. اما ایده های خوبی هم در کتاب مطرح شده است که کاملا در کشور ما قابل اجراست. یکی از این ایده ها مربوط به کمربند های سبز است که همانند خطی با عرض ۶۰۰ - ۵۰۰ متر شهر را با درختانی محدود می کند تا از توسعه فیزیکی و ساخت و سازهای بی رویه در آن جلوگیری شود.

آیا اجرای راه حل های ارائه شده در کتاب می تواند پاسخگوی مشکلات کلانشهرهای ما از جمله تهران باشد؟

ما در نظام شهرسازی و شهرنشینی کلان شهرهای ایران، از جمله تهران، دارای مدیریت جزیره ای و چند جانبه ای هستیم که سبب ایجاد مشکلات عدیده ای شده است. یعنی اگر مشکلی در شهر ایجاد شود به راحتی قابل حل نیست، چون نمی دانیم چه کسی در این باره مسئول است. به همین دلیل همه مسئولان از جمله شهرداری، نیروی انتظامی و دولت برای حل آن دخالت می کنند بدون آن که مشکل را به طور کامل حل کنند. به عنوان مثال، ترافیک تهران که چون متولی مشخصی ندارد، سال هاست به عنوان مشکل جدی مطرح است. در این کتاب از مدیریت واحد شهری به عنوان یک بحث مهم در برنامه ریزی شهری صحبت می شود که هر شهر باید تنها یک مدیر داشته باشد. با چنین

گسترش شهرها مشکلات فراوانی برای جوامع امروزی ایجاد کرده است که می توان از جمله آنها به یکبارگی، مشکل مسکن، حمل و نقل شهری، کمبودهای زیست محیطی و آلودگی های مربوط به آن اشاره کرد. کشور ما نیز از این قاعده کلی مستثنی نبوده و گسترش شهرنشینی در آن مشکلات عدیده ای به وجود آورده است. متخصصان حوزه برنامه ریزی شهری معتقدند بی اعتنایی به این مشکلات، سبب عمیق تر شدن آنها می شود و باید از تجربه کشورهای دیگر در این باره استفاده کرد. به همین منظور، دکتر کیومرث حبیبی، یکی از این کارشناسان، با ترجمه کتاب «طراحی و برنامه ریزی شهری بریتانیا» الگوهای شهری موفق در این کشور را ارائه کرده است. برای آشنایی از محتوای کتاب، با وی که اولین دانشجوی فوق دکتری شهرسازی در ایران بوده و تا امروز کتاب های متعددی تالیف کرده است گفت و گو کرده ایم.

آیا همه مطالب کتاب در ایران قابل اجراست؟

اگر چه بعضی مطالب کاربردی نیستند، اما بخش عمده ای از آنها را می توان در شهرهای ایران پیاده سازی کرد. به عنوان مثال نظریه ای در کتاب با عنوان باغشهر مطرح شده است که می خواهد انسان را با طبیعت مانوس کند و می گوید از فضای پیرامون شهری مانند خانه باغی که از گذشته می شناسیم، برای انسان استفاده شود. این نظریه تنها



ویژگی کتاب‌های کودک و نوجوان در گفت‌وگو با نویسندگان این حوزه

معیار کتاب‌های مناسب کودکان چیست؟



برخی کتاب‌ها قیمت‌شان مقطوع است. بعضی با چند درصد تخفیف فروخته می‌شود. تعدادی کتاب‌ها را چند بار می‌خوانیم. بعضی‌ها گوشه کمد خاک می‌خورند و برخی حراج می‌شوند؛ نویسنده‌ای می‌گفت باید به کتاب‌های نازل «زرشک طلایی» داد و روی کتاب‌های مناسب کودکان و نوجوانان مهر استاندارد زد تا مادرها و پدرها آنها را برای فرزندانشان بخرند!

البته هنوز مهر استاندارد ساختن نشده و خانواده‌ها هم به تبحر لازم و کافی برای خرید کتاب کودک دست نیافته‌اند. آنچه سبب تبحر در خرید مناسب می‌شود، تجربه است و این تجربه را لازم نیست دراندوخته‌های شخصی خودمان جست‌وجو کنیم.

محمود برآبادی نویسنده موسفید کرده که سال‌هاست برای کودکان و نوجوانان می‌نویسد، استاندارد‌های کتاب کودک و نوجوان را به دو بخش تقسیم می‌کند و می‌گوید: «به طور کلی کتاب‌های مناسب برای کودکان و نوجوانان را در دو ظرف شکل و محتوا می‌توان بررسی کرد اما آنچه شرایط بررسی استاندارد کتاب‌ها را به وجود می‌آورد، گروه سنی مخاطب است. به نظر من باید کتاب کودک و استاندارد‌های آن را براساس گروه‌بندی سنی مخاطب در نظر گرفت.»

محمد گودرزی دهریزی در درسنامه دانشگاهی‌اش که چند ماه است منتشر شده، رشد مطالعاتی کودکان و نوجوانان را به سه گروه سنی تقسیم می‌کند. گروه نخست، گروه سنی «الف» نام دارند که خردسالان را تا سن شش سال دربرمی‌گیرد. او درباره رغبت‌های مطالعاتی این گروه می‌نویسد: «اشعار ریتمیک و بی‌معنا اشعار کوتاه آهنگین، داستان‌های ساده، کوتاه و خیال‌انگیز و داستان‌های عاطفی با پایان خوش، مورد پسند این گروه هستند.»

وی گروه دوم را «ب» و «ج» می‌داند که کودکان ۶ تا ۱۲ سال را شامل می‌شوند. اشعار کوتاه آهنگین، اشعار روایی منظومه‌ها، داستان‌هایی در باب مسائل خانوادگی و زندگی گذشتگان از جمله رغبت‌های مطالعاتی این گروه‌ها هستند. وی اشاره می‌کند که در این گروه نیاز به شادی مبرم و اساسی است که در انتخاب والدین باید مورد توجه قرار گیرد. آخرین گروه کودکان و نوجوانان گروه «د» نام دارد که دوران نوجوانی را از ۱۲ تا ۱۶ سال شامل می‌شود.

این در حالی است که محمود برآبادی نویسنده کودک و نوجوان با اشاره به این که گروه‌های سنی استاندارد‌ها را مشخص می‌کنند می‌گوید: «اگر کودکان و نوجوانان را به دو گروه کلی کودک و نوجوان تقسیم کنیم، کتاب‌های کودک‌انکای ویژه‌ای

به تصویر دارند و این خود به خود قطع این نوع کتاب‌ها را به قطع‌های بزرگی نظیر رحلی و خشتی می‌برد تا تصاویر فرمت عرض اندام پیدا کنند. از لحاظ فونت هم چون این گروه نوسادند، بی‌تردید فونت‌ها بزرگ و خوانا خواهند بود.»

نویسنده کتاب «آژانس فرشته» در ادامه می‌گوید: «در بخش محتوا ابتدا بحث موضوع مطرح می‌شود. بعضی از موضوعات مانند فلسفه، سیاست یا زمینه‌ای برای ورود کودکان ندارند یا اگر قرار است در آن وارد شوند، حساسیت‌های ویژه‌ای وجود دارد؛ بنابراین آنچه مهم است، طرح موضوعاتی به‌صورت این دوره است. موضوعاتی که به ضرورت کودک به آن پرداخته می‌شود که مورد توجه و استقبال مخاطب قرار می‌گیرد.»

برآبادی بحثی را مطرح می‌کند با عنوان دایره واژگان استاندارد. او در این مبحث دوباره به تقسیم‌بندی سنی بازمی‌گردد و می‌افزاید: «در بخش کودک به یقین دایره واژگان محدود است و با طرح کلی موضوع، تصاویر به بازگردن جزئیات می‌پردازند، اما در بخش نوجوان ساختارهای پیچیده‌تر در حال نمایان شدن هستند. نویسندگان معمولاً برای کودکان از ساختارهایی روایی ساده که از سه بخش طرح داستان، گره داستان و بازگشایی برخوردار است استفاده می‌کنند.»

کاری سخت است چرا که هنر در مرز شکنی‌ها و فراروی از تعاریف مرسوم، همواره در ارائه استاندارد‌های جدید است.

به هر حال نوعی از کیفیت در ارائه آثار تصویرگری وجود دارد که در نظر نخست برای مخاطب و سپس برای اهل فن و کارشناسان قابل دریافت است.

استانداردهای یک اثر تصویرگری شده را ابتدا گونه آن تصویرگری مشخص می‌کند به عنوان مثال قرار گرفتن اثر در دسته ادبی، علمی، آموزشی و ... تعیین می‌کند که تصویرگری مبتنی بر آن باید از چه استاندارد‌هایی برخوردار باشد.

بدیهی است که در نوع علمی، تصویرسازی باید

ارتباط از نوع سوم

متن و شکل، دو وجهی‌اند که کارشناسان به ویژگی‌های آن برای نوشتن کتاب‌های کودکان اشاره کردند، اما احمد اکبر پور نویسنده کودک و نوجوان به جنبه سومی هم اشاره می‌کند و آن رابطه نویسنده و تصویرگر است. به اعتقاد این نویسنده کودک و نوجوان، آنچه برای استاندارد و مناسب‌سازی یک اثر به متن و محتوا اضافه می‌شود، رابطه نویسنده و تصویرگر است. او می‌گوید: «فقدان جریان و روند همفکری میان نویسنده و تصویرگر، روح و جان اثر را می‌گیرد و در مخاطب تضاد فکری ایجاد می‌کند. اکنون اکثر کتاب‌های کودک و نوجوانی که در اختیار ناشران قرار می‌گیرند، بدون هماهنگی و نظر خواهی از نویسنده در اختیار تصویرگر قرار داده می‌شوند و در نتیجه شناخت ناکافی تصویرگر از اثر تا حد زیادی سطح کیفی کار را پایین می‌آورد.»

به گفته اکبر پور، ناشران گاهی احساس می‌کنند وجود رابطه میان نویسنده و تصویرگر مدیریت آنها را دچار مشکل می‌کند در صورتی که از اثرات مطلوب این همفکری ناآگاهند.

این نویسنده می‌افزاید: «نویسنده به یقین می‌تواند با توضیحات خود از کتاب، تصورات تصویرگر را از محتوای مورد نظر انسجام بخشد و بر کیفیت کتاب بیفزاید!»

براساس قوانین علمی و شفاف‌کننده و توضیح دهنده داده‌های علمی باشد که می‌طلبد تصویرگر، استانداردهای طراحی واقع‌نما، آنالیز شده و بسیار گویا و روشن را به کار گیرد.

در تصویرگری آموزشی این استانداردها با چرخش ملایمی از تصویرگری علمی فاصله می‌گیرند و با نزدیک شدن به طراحی فانتری‌تر، سعی در آموزش یک مفهوم با زبانی شیرین، خیالی و جذاب به مخاطب دارند. در این گونه تصویرگری‌ها فراروی از قواعد طراحی واقع‌نما و منطبق با داده‌های علمی تا جایی مجاز است که ضد آموزش عمل نکند و براساس این که آن مفهوم مایل است تا آموزش را مستقیم یا غیر مستقیم به مخاطب

یادداشت

عبدالعظیم فریدونی

مدیرمسئول انتشارات محراب قلم



آغاز استاندارد با زیباشناسی کودک



وقتی کتابی برای نشر به دستمان می‌رسد، آن را از دو مبحث محتوایی و شکلی ارزیابی می‌کنیم؛ بخش محتوایی شامل مباحثی مانند موضوع، نثر، ساختار و توجه به مسائلی مثل ورود و خروج

نویسنده به متن است. اکثر ناشران این سوال را از خود می‌پرسند که اثر چقدر با مخاطب ارتباط برقرار می‌کند؟ جملات چقدر برای خواننده کودک و نوجوان جذابند؟ اصولاً آیا تولید نویسنده از ساختار مستحکمی برخوردار است یا نه آن وقت نوبت نثر است. آیا این نثر مناسب سطح دانش مخاطب ماست؟ بررسی محتوایی ارتباط مستقیمی با تجربه یک ناشر دارد. ناشر با تجربه مخاطب را می‌شناسد و نوعی نیازسنجی از بازار دارد. موضوعی خوب و استاندارد است که با مخاطب ارتباط برقرار کند، نثری خوب است که قواعد نخستین نثر کودک و نوجوان که همان رعایت ساده و روان نویسی است در آن رعایت شده باشد.

گنجینه لغاتی که نویسنده برای مخاطب کودک و نوجوان به کار می‌برد، برای ناشر اهمیت زیادی دارد. به طور معمول گنجینه لغاتی مشخص برای هر گروه سنی وجود دارد که از سطح دانش آن گروه بالاتر نیست از طرفی ناشر خوب به درستی تشخیص می‌دهد که چه نثری فاخر است و چه نثری فاخر نیست. به اعتقاد من نثر فاخر همان پله‌ای است که سطح ادبی مخاطب کودک و نوجوان را ارتقا می‌بخشد و به او اجازه می‌دهد در آینده با استفاده از تجربه‌های خواندنی کودک‌دستی دست به قلم شود. استاندارد‌های شکلی کتاب با زیبایی‌شناسی کودک آغاز می‌شود و خاتمه می‌یابد. تصویرهایی که برای کودک استفاده می‌شود باید با دنیای او ارتباط برقرار کنند، تصاویر خلاقانه باشند و در واقع به کمک متن بیایند، گاهی تصاویر هم عرض با متن حرکت می‌کنند، در حالی که تصویر استاندارد متن را یک گام به پیش می‌برد. فونت و حجم دو عنصر دیگر شکل کتابند که ارتباط تنگاتنگی با سن مخاطب هدف دارند. کودکان حجم زیاد را نمی‌پسندند و در عوض با تصویر همگام می‌شوند؛ ناشران در حوزه کودک فونت‌های خوانا و سفیدخوانی‌های معنادار را مورد توجه قرار می‌دهند و هرچه کتاب به سمت سنین بالاتر (نوجوان) جلو می‌رود از تصاویر می‌کاهند و بر متن می‌افزایند. استانداردهای ناشر حرفه‌ای در آخر به سمت چاپ و صحافی می‌رود. بزرگسالان شاید دقت فراوانی در نگهداری یک کتاب داشته باشند، اما ما از یک کودک انتظار این موضوع را نداریم لذا به سمت صحافی‌های مستحکم می‌رویم.

ارائه دهد. نوع تصویرگری و طراحی نیز تغییر می‌کند. به همین ترتیب گونه‌های ادبی براساس نوع ادبی آن تعاریف گوناگون و استانداردهای متفاوتی دارند.

آنچه در همه انواع تصویرگری به عنوان استاندارد پایه شناخته می‌شود، طراحی قدرتمند و خلاق، ترکیب بندی هوشیارانه، استفاده درست از رنگ و البته مخاطب‌شناسی است.

رعایت استاندارد پایه در انواع مختلف تصویرگری، آن اثر را در چارچوب‌های نخستین یک اثر استاندارد قرار می‌دهد و هرگاه خلاقیت وارد این عرصه شود، استانداردهای معمول شکسته شده استاندارد‌های جدیدی متولد می‌شوند.



نگاهی به جایگاه ساخت کتابخانه در سنت حسنه و وقف

گام‌های خیر برای دانایی



یکی از سنت‌های حسنه و خیر در کشور و فرهنگ ما، توجه به وقف و اهدای اماکن فرهنگی، آموزشی و درمانی برای استفاده عموم است.

سابقه حضور خیران در احداث کتابخانه عمومی به سال ۱۳۰۰ شمسی بازمی‌گردد. در این سال محمدعلی تربیت که ریاست اداره معارف آذربایجان شرقی را برعهده داشت، نخستین کتابخانه عمومی کشور را در یکی از اتاق‌های آن اداره تاسیس کرد. مجموعه کتاب‌های این کتابخانه سال ۱۳۰۱ بالغ بر دو هزار نسخه می‌شد که سال به سال افزایش می‌یافت. این کتابخانه در سال‌های نخست «کتابخانه و قرائتخانه عمومی معارف» خوانده می‌شد، اما بعدها به «کتابخانه و قرائتخانه دولتی تربیت» تغییر نام داد. می‌توان ردپای اهالی علم و دانش پژوهان را در تاسیس نخستین کتابخانه‌های ایران جست‌وجو کرد.

بحث کتابخانه‌سازی و واگذاری زمین و ساختمان برای توسعه و احداث کتابخانه‌های جدید، از زمان تاسیس نهاد کتابخانه‌های عمومی (سال ۱۳۸۳) بسیار بیشتر از قبل قوت گرفت. این نهاد با توجه به نیاز استان‌های مختلف به کتابخانه‌های استاندارد با برنامه‌های تبلیغاتی و انعقاد تفاهم‌نامه همکاری با موسسه‌های مختلف، بسترهای مناسب را برای فعال کردن حضور خیران در توسعه و احداث کتابخانه‌ها فراهم می‌کند.

از جمله خیرانی که در سال‌های اخیر در عرصه کتابخانه‌سازی فعالیت کرده‌اند، می‌توان به زنده‌یاد «شرفا شرفایی» مؤسس کتابخانه مرکزی جناح، محمدعلی کریم‌پور، خیر کتابخانه ساز در سجاده شهر بیرجند، حاج احمد مهدوی، مؤسس کتابخانه ۱۵۰۰ متر مربعی در شهرک آزادگان زنجان، دکتر مهین حبیبی، واقف کتابخانه در اراک، دکتر محمد جواد محمدآبادی، خیر کتابخانه ساز زدی، غلامرضا فرزین گل، مؤسس کتابخانه روستای گل از توابع دهستان براکوه، احمد بادغی، کتابخانه ساز اهری، زنده‌یاد رجب مصلحیان واقف کتابخانه در شهر بوشهر، زنده‌یاد سید موسی ابطنی پایه‌گذار کتابخانه مهدیه تنگستان، زنده‌یاد حاج شیخ محمد حسین سلیمانی، واقف کتابخانه امام صادق (ع) در دیلم، حاج مصطفی دشتی، مؤسس کتابخانه در باغک و سید عبدالله محمدی، پایه‌گذار کتابخانه در روستای بوالخیر اشاره کرد.

نهاد کتابخانه‌های عمومی برای گسترش هرچه بیشتر سنت وقف کتابخانه، تاسیس انجمن خیران کتابخانه ساز را در دست اقدام دارد که اکنون مراحل نهایی را سپری می‌کند.

علی غیثی، مدیرکل امور مشارکت‌ها و شهرداری‌های نهاد کتابخانه‌ها در این باره به کتاب هفته می‌گوید: «این انجمن با هدف ساماندهی فعالیت خیران در حوزه کتابخانه‌های کشور راه‌اندازی می‌شود و شعبه‌هایی نیز در استان‌های مختلف ایجاد می‌کند تا امکانات و ظرفیت‌های خیران در استان‌ها نیز به کار گرفته شود.

وی می‌افزاید: «خیران و شهرداری‌های کشور از سال ۸۶ تاکنون ۱۲۱ ساختمان را با زیربنای کلی ۵۵ هزار و ۲۶۱ مترمربع در قالب‌های اعطای مالکیت و اهدای حق انتفاع به نهاد کتابخانه‌ها واگذار کرده‌اند. در طول برنامه میان مدت (سال ۸۶ تاکنون) مالکیت ۵۱ ساختمان با زیربنای کلی ۲۳ هزار و ۲۰۴ مترمربع به نهاد کتابخانه‌ها واگذار شده است که از این تعداد، ۱۳ ساختمان با زیربنای ۴۲۳۷ مترمربع امسال واگذار شده‌اند.

به گفته وی، از ۱۲۱ ساختمان واگذار شده به نهاد کتابخانه‌ها در دو سال اخیر ۷۰ ساختمان به صورت واگذاری حق انتفاع بوده‌اند. از این میان، امسال حق انتفاع ۴۵ ساختمان برای راه‌اندازی کتابخانه به این نهاد واگذار شد. بیشترین ساختمان اهدا شده از نظر زیربنا به خیران و شهرداری‌های اصفهان (۱۰ هزار و ۵۳۷ مترمربع) و سپس خوزستانی‌ها (۷۰۴۸ مترمربع) و قم (۶۰۷۰ مترمربع) تعلق دارد. از سوی دیگر، بیشترین تعداد ساختمان‌های واگذار شده در این فاصله زمانی به خیران خوزستان (۱۹ باب) اختصاص یافته است. همچنین امسال ۱۰ ساختمان با زیربنای کلی ۲۶۲۱ مترمربع به اداره کل کتابخانه‌های خوزستان اهدا شد. سال ۸۶ در مجموعه ۲۳ ساختمان با زیربنای کلی ۱۱ هزار و ۴۱۷ مترمربع به نهاد کتابخانه‌ها واگذار شد که از این تعداد ۱۸ باب به صورت اهدای مالکیت بود. همچنین سال گذشته در مجموع ۴۰ ساختمان با زیربنای کلی ۱۸ هزار و ۲۵ مترمربع واگذار شد. از ابتدای سال جاری ۵۸ ساختمان با زیربنای کلی ۲۵ هزار و ۸۱۹ مترمربع برای راه‌اندازی کتابخانه واگذار شد. امسال بیشترین واگذاری ساختمان کتابخانه توسط خیران خوزستان (۱۰ باب با زیربنای کلی ۲۶۲۱ مترمربع) انجام گرفت. از سال ۸۶ تاکنون (برنامه

میان مدت نهاد) ۱۰۸ قطعه زمین با مساحت کلی یک میلیون و ۵۵ هزار و ۴۶۹ مترمربع توسط خیران اهدا شده است. از این تعداد، ۲۳ قطعه با مساحت ۱۵ هزار و ۴۹۷ مترمربع در سال جاری اهدا شدند. غیثی درباره نحوه اداره کتابخانه‌های خیر ساز پس از تاسیس، این گونه توضیح می‌دهد: «در مواردی که حق انتفاع کتابخانه توسط خیر واگذار می‌شود، نهاد کتابخانه‌ها تامین نیروی انسانی، تجهیزات و کتاب‌های کتابخانه را تا پایان مدت قرارداد حق انتفاع برعهده دارد. البته در بیشتر موارد، خیران ساختمان کتابخانه و قفسی خود را به نهاد کتابخانه‌ها واگذار می‌کنند و بسیار تجربه شده که خیران کتابخانه ساز پس از وقف، در تجهیز و تامین منابع کتابخانه حضور موثر و دائمی دارند. در عین حال، متولی اداره کتابخانه موقوفه، نهاد کتابخانه‌های عمومی است.»

وی تصریح می‌کند: «نهاد کتابخانه‌های عمومی بدون همکاری خیران نمی‌تواند وظیفه خود را در توسعه فضاهای مطالعاتی به انجام برساند. بنابراین از ساخت کتابخانه‌های مشارکتی و وقفی استقبال و حمایت می‌کند. بودجه اختصاص یافته به این نهاد بسیار محدود است و به عنوان نهاد مردمی و مرتبط با اقشار مختلف باید از حمایت مالی ایرانیان داخل و

کتابخانه‌ای برای آگاهی جوانان

۲۵ مهرماه ۱۳۸۶ همزمان با بهره‌برداری رسمی از مدرسه حاج عبدالله امری، کتابخانه ۷۵۰ مترمربعی صدیقه مستجاب‌الدعوه به عنوان نخستین کتابخانه عمومی محله کوت شیخدر خرمشهر افتتاح شد. این کتابخانه را عبدالله عامری، کارمند بازنشسته صنعت نفت، با سه میلیارد ریال هزینه شخصی ساخت و بنا نهاد.

این خیر کتابخانه ساز می‌گوید: «توان مالی اندکی داشتم و عشقی وافر به آینده سازان ایران. بنابراین با اعتقاد به این که با ساخته شدن هر مدرسه و مرکز علمی، جهشی تازه در مسیر پیشرفت و توسعه صورت می‌گیرد، یک دبیرستان ۱۲ کلاسه و نیز کتابخانه‌ای عمومی را در زادگاهم (محله کوت شیخ خرمشهر) ساختم.»

عامری می‌افزاید: «هدف اصلی من از ساخت دبیرستان پسرانه و کتابخانه عمومی در کوت شیخ، نجات دادن فرزندان این محله از تحمل رنج گذشتن از پل کارون برای استفاده از امکانات فرهنگی شمال خرمشهر بوده است. متأسفانه بیکاری و نبود امکانات معیشتی، جوانان و نوجوانان محله‌های محروم خرمشهر را به انفعال متمایل کرده و کتابخانه می‌تواند محلی مناسب برای پرکردن اوقات فراغت و بالابردن دانش و آگاهی جوانان باشد.»

به نظر می‌رسد نهاد کتابخانه‌های عمومی در سال‌های اخیر توانسته جهشی مثبت در حضور خیران استان‌های مختلف در راه مقدس کتابخانه‌سازی ایجاد کند. در عین حال، مسؤولان این نهاد معتقدند هنوز رسانه‌ها در تشویق خیران مدرسه و مسجد ساز به ساخت کتابخانه عمومی همکاری موثری ندارند.

مدیرکل کتابخانه‌های استان تهران در این باره می‌گوید: «استان تهران با مشکل کمبود محسوس کتابخانه‌های عمومی روبه‌روست. بالا بودن قیمت زمین، ساخت کتابخانه‌های استاندارد در پایتخت را دشوار کرده است.» اسفند یار مبتکر سرابی از خیران می‌خواهد به نهاد کتابخانه‌ها در توسعه فضای مطالعاتی اهالی پایتخت کمک کنند.

خارج کشور برخوردار باشد.

تحقق سند چشم‌انداز با همیاری خیران

اردبیل، از جمله استان‌هایی است که سنت حسنه وقف، به ویژه اهدا و ساخت کتابخانه در آن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. یکی از دلایل این امر پابندی فراوان مردم این خطه به سنت وقف و همچنین رویکرد مسؤولان دست‌اندرکار این استان درباره بهادادن به این سنت حسنه و تشویق مردم به ساخت کتابخانه است. در این راستا، مدیرکل کتابخانه‌های استان اردبیل نیز بر لزوم استفاده از ظرفیت‌های موجود در هر شهرستان برای کتابخانه‌سازی تأکید دارد. یاسر محمد پور در این باره به کتاب هفته می‌گوید: «با توجه به محدود بودن امکانات مالی نهاد کتابخانه‌ها برای رسیدن به اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله در توسعه کمی و کیفی کتابخانه‌ها باید از همکاری خیران استفاده کنیم.»

درخشش نام شهید همت بر تارک کتابخانه

شهید محمد ابراهیم همت؛ نامی که هرگز از پیکر تاریخ معاصر ایران اسلامی، به ویژه هشت سال دفاع مقدس پاک نخواهد شد، امروز این نام جاودانه، بر سر در ورودی کتابخانه‌ای موقوفی می‌درخشد. دو سال پیش، مجتمع فرهنگی و کتابخانه شهید محمد ابراهیم همت شهرضا با همت خانواده این شهید آغاز به کار کرد.

ولی الله همت، برادر شهید محمد ابراهیم همت نیز در این باره می‌گوید: «این مجتمع فرهنگی که طبقه اول آن با زیربنای ۴۰۰ مترمربع کتابخانه ویژه خواهران است، طی شش سال با هزینه‌ای بالغ بر یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال ساخته شد. اکنون ۱۴۰۰ خانم، عضو فعال این کتابخانه‌اند و هر روز به طور متوسط ۲۰۰ نفر به کتابخانه مراجعه می‌کنند.

وی می‌افزاید: «شهید همت، دبیر مدرسه راهنمایی بود و امیدواریم با ساخت این کتابخانه، گامی برای شادی روح این شهید و ادامه آرمان‌های مقدس وی برداشته باشیم.»

کتابخانه بافران

مهندس جمال بافرانی، از اهالی بافران و ساکن تهران است. وی که معاونت شهرداری منطقه ۱۲ تهران را عهده‌دار است، تعلق خاطر ویژه‌ای به بافران دارد. بافرانی با کمک خیری به نام حاج ابراهیم همت نیستانی، کتابخانه‌ای در زمینی به مساحت سه هزار مترمربع در روستای بافران تأمین ساخت که سال ۱۳۸۴ به بهره‌برداری رسید.

وی می‌گوید: پس از بررسی کامل برای مکان یابی ساخت این کتابخانه، هفت مکان و منزل قدیمی روستای بافران نابین را خریداری و تخریب کردیم. پس از تعریض معابر اطراف توانستیم کتابخانه روستا را در یک طبقه به مساحت ۳۲۵ مترمربع بسازیم.

این کتابخانه از نور طبیعی و سامانه سرمایش و گرمایش برخوردار است و از امکانات در نظر گرفته شده در آن می‌توان به سالن اجتماعات با زیربنای ۳۰۰ مترمربع و سالن‌های مطالعه مجزا برای خواهران و برادران اشاره کرد. مخزن کتابخانه گنجایش سی هزار نسخه را کتاب دارد و اکنون ۵۳۰ عضو فعال آن از ۷۰۰۰ نسخه کتاب استفاده می‌کنند. به گفته بافرانی، این کتابخانه با صرف یک میلیارد ریال اعتبار در مدت شش سال ساخته و با تمام تجهیزات از جمله میز، نیمکت و رایانه‌های مورد نیاز همچنین ۳۰۰۰ نسخه کتاب اولیه به نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور اهدا شد. کتابخانه روستای بافران، دارای شبکه اینترنت و مجهز به نرم‌افزار مدیریت اطلاعات کتابخانه (نمایه) است.



سایر محمدی

«هنر در گرماگرم انقلاب» عنوان کتابی پنج جلدی در قطع رحلی است به قلم مجید جعفری لاهیجانی که اکنون دو جلد آن از سوی پژوهشگاه فرهنگ و معارف چاپ و منتشر شده است. این کتاب بازگشت و تعمقی است به روزهای انقلاب و بنای آن دارد تا تاثیر رسانه‌ای هنر، نقش آن در ثبت وقایع و تاثیرپذیری آن از ارزش‌های انقلاب را بیان کند و در کنار آن مرجع جامعی برای معرفی آثار هنری به جا مانده از سال‌های نخست انقلاب نیز باشد. جعفری که هفت سال از وقت خود را صرف نوشتن این مجموعه ارزشمند کرده، تحصیلاتش را در رشته پژوهش هنر تا مقطع کارشناسی ارشد دنبال کرده است و اکنون مدت ۱۰ سال است که در زمینه تحقیق و پژوهش در پژوهشگاه فرهنگ و معارف فعال است. جلد اول و دوم این مجموعه در هفت فصل تالیف و تدوین شده و به موضوعاتی چون رادیو تلویزیون ملی ایران در مواجهه با انقلاب، مستندهای انقلاب، آوا-نما، تئاترهای تلویزیونی، فیلم‌های کوتاه داستانی، نقاشی متحرک (انیمیشن) و فیلم‌های بلند داستانی می‌پردازد. کتاب «هنر در گرماگرم انقلاب» با کاغذ گلاسه و به صورت مصور (رنگی) چاپ و منتشر شده است.

گفت و گو با مجید جعفری لاهیجانی

دشواری پژوهشگر بودن

هرگز گفته نشده این هنر خلق الساعه بوده و یکبارہ بوجود آمده است. من به فراخور مباحث کتاب و البته به طور غیر پیوسته ریشه‌های شکل‌گیری این هنر را به عنوان هنری معترض که به نابرابری‌های اجتماعی و مسایل سیاسی اشاره دارد، از دهه ۱۳۴۰ تا اعلنی شدن اعتراضات اجتماعی و آغاز تپیدن نبض انقلاب در پاییز و زمستان ۱۳۵۷ شرح داده‌ام. در مواردی نیز به تأثیرات بعدی و سرگذشت این آثار در سال‌های بعد نیز پرداخته‌ام.

امادریاره «اوج تکامل آثار انقلابی» نظر من همانست که گفته‌اید؛ یعنی بهترین و پرشورترین آثار در همان مقطعی که کتاب بر آن تمرکز کرده است آفریده شده است. چرایی این مسئله خود بحث مفصلی دارد که در مجال کوتاه این مصاحبه نیست.

فکر می‌کنید این کتاب چه کاستی‌هایی دارد؟

دوست داشتم با اشخاص بیشتری مصاحبه کنم، عکس‌ها و اسناد بیشتری را ارائه دهم و مواردی از این قبیل. به طور مسلم این کتاب در روایت تاریخی خود سهواً اشتباهاتی هم داشته است که من پیشاپیش از خوانندگان و مطلعان خواسته‌ام مرا نسبت به آن آگاه کنند تا در ویرایش بعد آنها را اصلاح کنم.

در تاریخنگاری خود تا چه اندازه بی‌طرف بوده‌اید؟
بی‌طرفی محض شدنی نیست؛ افکار و اندیشه‌ها و باورهای هر کس در روایت تاریخی اش تأثیر گذار است. اما من همه سعی‌ام را بکار بردم تا جانبداری نکنم. دلیل اصرار من بر روایت توصیفی و اسنادی همین مسئله بود. می‌خواستم خواننده تا حد امکان مستقل و بی‌واسطه، اصل اسناد را رویت کند یا توصیف جزء به جزء آن را بخواند و مشاهده کند.

در مقدمه کتاب نوشته‌اید «درباره چرایی وقوع این انقلاب و علل فروپاشی نظام شاهنشاهی تاکنون سخن‌ها و نظریه‌های گوناگونی گفته شده است؛ از نقش عوامل سیاسی، اقتصادی تا ساختار طبقاتی و مسائلی از این دست. بررسی‌های انجام شده بیانگر آن است که در نظریه‌ها و گفتارهای یادشده، به حضور مؤثر هنر به منزله یکی از اجزای مهم و تعیین‌کننده «فرهنگ انقلاب در ایران» اعتنای در خوری نشده است.» به نظر شما آیا تا کنون انقلاب از منظر فرهنگ و هنر تحلیل نشده است؟ دیدگاه‌های سیاسی که اشاره کرده‌اید بر مبنای چه آثاری است؟

کار شما بر اساس چه مؤلفه‌هایی بوده است؟
فرهنگ مقوله‌ای کلی است که هنر یکی از زیر مجموعه‌های آن است. بازگویی نقش هنر در شکل دادن و پیشبرد انقلاب ایران تا کنون به عنوان یک «نظریه» مدون نشده است، زیرا هر نظریه پشتوانه استنادی می‌خواهد و در مورد هنر انقلاب این کار هنوز صورت نپذیرفته است. جالب است که برخی اصلاً به وجود هنری مستقل و واجدهویت در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹ باور ندارند و ندانسته آن را هنری ایدئولوژی زده نامنسجم و غیرمؤثر می‌دانند! حال آنکه واقعیت امر نشان می‌دهد این هنر چه از حیث کمیت و چه از نظر کیفیت جایگاهی قابل قبول و در خط سیر هنر معاصر ایران جایگاه منحصر به فرد خود را دارد. آنچه در مجموعه «هنر در گرماگرم انقلاب» گردآمده خود مؤید این معنی است.
نظریه‌های شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران عمدتاً



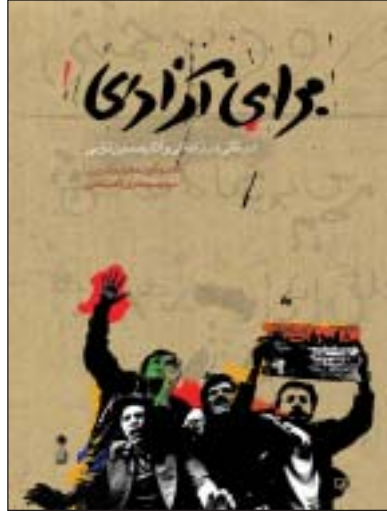
که بخش‌های متواتر و موثق آن استخراج، دسته‌بندی و سرانجام تحلیل شد.

درباره دشواری‌های این پژوهش بگویید.

زیستن در وادی تحقیق و پژوهش دشوار است و در کشور ما به سبب مشکلات عدیده‌ای که هست طاقت فرسا و چه بسا تحمل‌ناپذیر هم می‌شود. سرانه بودجه‌ای که برای پژوهش‌های علوم انسانی و هنر اختصاص می‌یابد اندک است. از همین اندک هم متأسفانه چیزی به ما نمی‌رسد. بخشی از این بودجه همه ساله صرف کارهای متفرقه و پژوهش‌های دست‌چند می‌شود. بنابراین با دست‌خالی باید در عرصه‌ای گام برداریم که به هر حال هزینه‌های بسیار دارد. کسی که با دست پر وارد این میدان می‌شود (مثلاً محقق‌ای که از سوی دانشگاه‌های اروپایی و امریکایی حمایت مالی و تدارکاتی می‌شود) می‌تواند دست کم برخی منابع مهم مثل دوره‌های نشریات را از کهنه‌فروشی‌ها خریداری کند؛ بجای اینکه هر روز با اتلاف وقت زیاد ناچار باشد به کتابخانه ملی و مجلس سرزند و برای دیدن هر دوره مجلد از نشریه مورد نظرش با کتابدار چک و چانه‌بزند! یا برای اسکن یا عکاسی از مندرجات نشریات و عکس‌ها در دسترسش بکشد، می‌تواند شمار زیادی عکس و اسناد مهم را از مجموعه‌های خصوصی خریداری کند. می‌تواند دوربین عکاسی و فیلمبرداری و ضبط دیجیتال مناسبی را برای ثبت مصاحبه‌ها در اختیار داشته‌باشد. می‌تواند برای تایپ، ویرایش تصاویر و ... از دیگران کمک بگیرد. می‌تواند از تجهیزات و تکنولوژی روزبهره‌ببرد؛ مثلاً کامپیوتر و اسکنر حرفه‌ای تهیه کند و هزاران مورد دیگر که برای ما جنبه رویایی پیدا کرده است.

نوشته‌اید: «آثار هنری انقلاب که برخاسته از بطن جامعه است، گویاتر و رساتر از هر رسانه‌ای رنج‌ها، رشادتها و آرزوهای ملتی را که به قیام و انقلاب برخاسته بود روایت می‌کند.» در این میان سهم سال‌های بعد چه می‌شود و هنر انقلاب در این سال‌ها چه جایگاهی دارد؟

آنچه نقل کردید نوشته‌ای است که تحت عنوان سخن پژوهشگاه در آغاز کتاب آمده است و در واقع نظر ناشر است. اما درباره شکل‌گیری هنر انقلاب اگر کتاب را به دقت خوانده باشید بی‌شک خواهید برد که



در گام بعد به پشتوانه منابعی که ذکر شد، به سراغ اشخاص رفته و مصاحبه‌های کتاب تحت عنوان «تاریخ شفاهی هنر انقلاب» شکل گرفت. به ضرورت مصاحبه با آنهایی که خارج از ایران زندگی می‌کردند از طریق مکاتبه الکترونیک و تلفن، ولی به طور مفصل انجام شد.

چنانکه ناشر در معرفی کتاب گفته است؛ یکی از اهداف کتاب «بیان تأثیرات رسانه‌ای هنر در جریان انقلاب» است؛ این تأثیرات چگونه بوجود آمد و در چه سطحی بود؟

این مسئله به تفصیل و با جزئیات بسیار در کتاب آمده است و تصور نمی‌کنم بازگویی مختصر آن برای خوانندگان این مصاحبه راضی‌کننده باشد. به اجمال بگویم که کتاب شبکه‌های ارتباطی مردمی و آثار هنری‌ای که از طریق این شبکه‌های اجتماعی پخش می‌شدند را شرح می‌دهد و تأثیرات آنها را - در موارد بسیاری به طور عینی و موردی - بازگو می‌کند. از دیوارنگاره‌ها و نوشته‌ها تا کاست‌های موسیقی و از سرودها تا پوسترها و نمایش فیلم در اماکن عمومی و از عکس‌ها و شمایل شخصیت‌ها و شهیدان انقلاب تا تئاترهای خیابانی.

بی‌تردید یکی از بارزترین تأثیرات در رادیو و تلویزیون آن دوره جلوه کرده است. کتاب شماری از گزارش‌ها و مستندهای خبری تلویزیون را از پائیز سال ۱۳۵۷ تا تابستان ۱۳۵۹ معرفی و تأثیرات اجتماعی و سیاسی آنها را برمی‌شمارد. در مواردی می‌بینیم که یک گزارش تلویزیونی چگونه توانسته است مسیر حرکت انقلاب را تشدید و تهییج کند و یا حتی تغییر دهد. اینها اغراق نیست و به طور مستند در کتاب آمده است. البته این تأثیرات دوسویه است و انقلاب نیز به عنوان یک رویداد مهم اجتماعی فضای هنری و رسانه‌ای را عمیقاً متأثر کرد.

گزارش‌های تلویزیونی را چطور بدست آوردید؟ آیا برنامه‌ها و زمان‌های پخش آنها در آرشیو تلویزیون موجود است؟

نه، متأسفانه کنداکتور (جدول پخش روزانه) آن سال‌ها در آرشیو وجود ندارد و علاوه بر آن بسیاری از فیلم‌های خبری یا گزارشی هم آنجا موجود نیست. آنچه بدست آمد حاصل جمع‌بندی چند منبع موازی بود

کتاب «هنر در گرماگرم انقلاب» چگونه و در چه اوضاعی شکل گرفت؟ با توجه به این که شما در زمان انقلاب کم سن و سال بودید، رویدادهای سیاسی و هنری را از چه منابعی دریافت کردید؟

کتاب «هنر در گرماگرم انقلاب» رسماً از سال ۱۳۸۱ آغاز شد؛ البته با پشتوانه‌ای که از دو - سه سال قبل فراهم کرده بودم. در این سال من در پژوهشگاه فرهنگ و معارف مشغول به کار شدم و در آغاز کارم طرحنامه هنر در گرماگرم انقلاب را به شورای پژوهشی دادم. این طرح تصویب شد، اما بدون بودجه مصوب! این مسئله دشواری کار را مضاعف می‌کرد. من در کنار کارهای روزمره اداری این طرح را - که با جان و دل به آن علاقمند بودم - پیش می‌بردم و کار به جایی رسید که تمام ساعات فراغت و تعطیلات و خلاصه همه زندگی‌ام را به خود اختصاص داد!

اینکه من در هنگام انقلاب خردسال بودم یک واقعیت ناخواسته یا جبری بود. مسئله‌ای که طبعاً بسیاری از مورخین با آن روبرو هستند؛ یعنی تاریخ‌نگاری دوره‌ای که خود در آن زیسته بودند. البته من این اقبال را داشتم که فاصله زمانی‌ام با سال‌های مورد نظر تنها دو - سه دهه بود. بسیاری از شاهدان و شکل‌دهندگان رویدادها و آثار آن روزها هنوز زنده بودند. مهمتر آنکه من راوی زمانه‌ای بودم که دوربین عکاسی، فیلمبرداری و ضبط صوت تصویر و صدای زنده و مستندی را از بطن حوادث ثبت کرده و به یادگار گذاشته بودند.

با این پشتوانه کار را آغاز و سعی کردم به عنوان مهمترین بخش تحقیق تجسم فضای آن سال‌ها را هر چه زنده‌تر عینیت ببخشم. در این راه از هر چه که می‌توانست کمکی باشد بهره بردم. از نقشه‌های جغرافیایی تا پوشش و لباس مردم و حتی مارک‌های تجاری و خلاصه هر چه را تداعی‌گر بود به کار گرفتم. هزاران تصویر گردآوری کردم. در واقع کتاب در کنار روایت مکتوب یک روایت تصویری را هم نمایش می‌داد، آن‌هم از فضاها و اشخاص و حوادثی که کمتر دیده شده‌اند. این روایت تصویری در مجلدات دیگر کتاب که آن‌ساله بزودی منتشر خواهد شد محسوس‌تر خواهد بود.

اما پرسیدید که منابع پژوهش را چگونه و از کجاها بدست آوردیم؟ این منابع با خون جگر خوردن! و به سختی و با هزار مکافات به دست آمد. آنها که کار پژوهش تاریخی کرده‌اند و به مراکز آرشیوی و کتابخانه‌ها و ... مراجعه کرده‌اند عمیقاً احساس می‌کنند و می‌دانند چه می‌گویم.

منابع اصلی من آثار هنری بود: فیلم‌ها (مستندهای خبری، گزارشی، محض و ... در قالب‌های گوناگون مثل: نگانو: ۱۶، ۳۵، ۸ میلی‌متری، ویدئوکاست: ۲ و اینچی، یوماتیک، بتاماکس، بتاکم و ...)، آثار تجسمی (نقاشی، پوستر، عکس و ...، موسیقی (سرود، تصنیف، ترانه، آثار کرال و سمفونیک و ...).

در مرتبه بعدی از این منابع استفاده کردم: جراید و نشریات ادواری آن روزگار (روزنامه‌ها، مجلات، بولتن‌ها و ...)، نامه‌های اداری و اسناد دولتی، مکاتبات شخصی، دست‌نوشته‌ها و خاطرات اشخاص، کتب گوناگون انتشار یافته در ایران و خارج از ایران، ویلاگ‌ها و مطالب موثق مندرج در پایگاه‌های اینترنتی و ...

مهمترین رویکردها در این نظریه‌ها نقش عوامل سیاسی، اقتصادی، ساختار طبقاتی و مسائلی از این دست است. البته در بررسی‌های اجتماعی به مقوله فرهنگ هم اشاره شده و در مواردی از هنر در حد اختصار و گذرا یاد شده است. اما هرگز در هیچ یک از نظریه‌پردازی‌های داخلی و خارجی «هنر» مبنای بحث نبوده است.

آثاری هست که نه نظریه‌پردازی که تحلیلی از هنر انقلاب در ایران بدست دهد؟

سال گذشته دو جلد کتاب از مرتضی گودرزی (دیباچ) منتشر شد که به ترتیب نقاشی و گرافیک انقلاب را از سال ۱۳۵۷ تا سال‌های اخیر به شیوه خود تحلیل کرده است. مهمترین ویژگی این کتاب‌ها - البته از دیدگاه من - آسیب‌شناسی مفهوم یا موضوعی بنام هنر انقلاب در یک خط سیر سی ساله است. این کتاب بنا به شیوه خود به جزئیات نپرداخته و به دلایلی که مؤلف در مقدمه ذکر کرده مصاحبه هم ندارد. اما به هر روی کتابی است ارزشمند و خواندنی، به خصوص مجلد نقاشی آن که نسبت به آن دیگری از انسجام و قوت بیشتری بهره‌مند است. یک فیلم مستند هم هست که نادر تکمیل همایون به سفارش شبکه آرته ساخته است. این فیلم «ایران یک انقلاب سینمایی» نام دارد و خط سیر انقلاب و در واقع اعتراضات اجتماعی و برخی از انگیزه‌هایی که منجر به پیاختن مردم در سینمای پیش از انقلاب دنبال می‌کند. فیلمی است دیدنی که البته نقدهایی هم به آن وارد است.

در خارج از ایران هم چند بررسی تحلیلی با این موضوع یا نزدیک به آن در قالب کتاب و مقاله عرضه شده است. در این نوشته‌ها عموماً هدف آن بوده که شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران و بنیان‌های آن از منظر آثار هنری عرضه شده توسط نهادهای انقلابی تحلیل شود. وجه مشترک این آثار برخورد قیاسی آنها و عمومیت دادن موارد جزئی است. در واقع نمونه‌هایی که آنها جمع‌آوری کرده‌اند اصلاً معرف هنر انقلاب در ایران نیست. در مواردی دیده‌ام که نویسنده تاریخ عرضه آثار، نام هنرمندان و حتی اشارات تاریخی آثار را نمیداند یا به اشتباه درباره‌شان می‌نویسد. گاه همین ندانسته‌ها یا پنداشته‌مبنای یک تحلیل مفصل می‌شود که از اساس اشتباه بوده و به بیراه رفته است.

در تألیف و تدوین مجموعه «هنر در ماکرم انقلاب» آیا نهادها و مؤسسه‌هایی که در جهت حفظ و حراست اسناد انقلاب فعالیت دارند کمکی کرده‌اند؟

مرکز اسناد انقلاب اسلامی مرکزی است که قاعدتاً باید به این امور بپردازد، اما من آرشو هنری در این مرکز ندیدم. و تا جایی که اطلاع دارم این مرکز بخش هنری ندارد. یک آرشو عکس دارد با عکس‌هایی که متأسفانه در شناسنامه شمار زیادی از آنها زمان و مکان و نام عکاس درج نشده است. دسترسی به آرشو اسناد مکتوب و نوارهای کاست مرکز اسناد هم آسان نیست و بخش مهمی از آنها هنوز محرمانه تلقی می‌شود و ظاهراً در این موارد پژوهشگران مرکز برای دسترسی به این اسناد الویت دارند. با این اوصاف، کتابخانه مرکز اسناد جزو معدود مراکزی است که با مراجعان - دست کم در دوره‌ای که من تجربه کردم - برخورد مناسبی دارد. معمولاً محدودیتی برای درخواست منابع مرجع وجود ندارد و دوره‌های نشریات معمولاً تمیز و کامل است. پیش از این مخزن کتابخانه باز بود و این مزیت بزرگی محسوب می‌شد، اما ظاهراً در سال‌های اخیر مخزن کتاب به روی مراجعان بسته شده است.

مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران هم یکی دیگر از مراکز آرشویی است که اغلب اسناد بدست آمده از صاحب‌منصبان رژیم پیشین در آنجا نگهداری می‌شود. گنجینه منحصر به فردی از عکس‌های تاریخ ایران معاصر در مؤسسه مذکور نگهداری می‌شود که دسترسی به آن آسان نیست و مستلزم نامه‌نگاری، صرف زمان و هزینه است.

آرشو فیلمخانه ملی ایران و آرشو مرکزی صدا و سیما هم دو مرکز منحصر به فرد و مهم آرشویی هستند که به علت کمبود اعتبارات و امکانات غالباً آنطور که باید قادر به پاسخگویی به مراجعان و درخواستهای بیشمار محققان نیستند.

جای کتاب‌های نقد نمایشی خالی است

سوسور، اشکولوفسکی و استروس از سرآمدان نقد نشانه‌شناسانه‌اند و من در این فصل به نمایش‌های «خانه برناردا آلبا» کار روبرتو چولی، «دندون طلا» کار داود میرباقری و «عشق و رستاخیز» حسین مسافر آستانه پرداخته‌ام.

نقد نشانه‌شناسانه چه تفاوتی با نقد مضمونی دارد؟

نقد مضمونی به تمثیل و استعاره در آثار ادبی و درام می‌پردازد، در این نوع آثار تلویح گفتن باب است و تمثیل نشانه عمودی است و نوعی نشانه‌شناسی شونده محسوب می‌شود که با نشانه‌ای که هم‌نشین شونده است، کاملاً فرق دارد. مضامین مفاهیمی هستند که به شکل ضمنی بیان می‌شوند و ممکن است قالبشان بیانی نشانه‌شناسانه داشته باشد.

نقد روان‌شناسانه ریشه در کجا دارد و به چه نکاتی می‌پردازد؟

در فصل هفتم درباره نقد روان‌شناسانه گفته‌ام که سرآغازش نظریات زیگموند فروید است و در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن بیستم مطرح شد. این نقد به روان‌انسان و تأثیراندیشه‌های روان‌شناسانه در پیدایی آثار ادبی و هنری دلالت می‌کند. منتقدان بر پایه همین اندیشه روان‌شناسان، آثار مختلف را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهند. شاهد مثال هایم نیز سه گانه و انیک اثر واتسلاو هاول به کارگردانی سهراب سلیمی، «گاهی برای زیستن باید مرد» نوشته و کار نصرالله قادری و پیش فرض‌های روان‌شناسانه «هملت» (تنها مطلبی که از خودم نیست) هستند.

درباره نقد ژورنالیستی یا توصیفی هم بگویید که چه کارکردی دارد؟

این نقد بیشترین کارکرد را در جوامع مختلف و به ویژه جامعه ایرانی دارد. روزنامه‌ها بیشترین و سریع‌ترین ارتباط را با عموم مردم برقرار می‌کنند و همچنین رسانه‌های گروهی که همین خاصیت را دارند و به راحتی می‌توانند همه را از برگزاری یک نمایش آگاه کنند. من در فصل هشتم به نمایش‌های «شمس» نصرالله قادری، «بنیویان» بهروز غریب پور، «صبرا و شتیلا» دکتر قطب‌الدین صادقی، «دادگاه نورنبرگ» منیژه محامدی، «دایره گچی قفقازی» حمید سمندریان، «شمس پرنده» پری صابری و همچنین به بررسی جشنواره‌های عروسکی دوره هفتم و هشتم پرداخته‌ام.

چرا به نمونه‌نقدهایی مثل نقد مارکسیستی یا نقد فمینیستی و از این دست نپرداخته‌اید؟

این موارد جزو خانواده نقد فلسفی به شمار می‌آیند که زیر مجموعه‌هایی هم دارد. اگر می‌خواستیم به آنها هم بپردازیم، مثنوی هفتاد من کاغذ می‌شد. البته قصد من این است که در کتابی جداگانه درباره گونه‌های نقد نیز بنویسم، اگر عمری باقی باشد. فعلاً این کتاب گام اولی است که یک منتقد در ایران برای معرفی نقد برداشته است که امیدوارم ادامه داشته باشد.

این روزها چه کاری را در دست انتشار دارید؟

ترجمه کتابی با عنوان «نقد کمندی‌های اولیه شکسپیر» را زیر چاپ دارم که تا پایان سال جاری منتشر شود. این کتاب نوشته درک تراورسی است که من به اتفاق همسرم لیلی عمرانی آن را از انگلیسی به فارسی برگردانده‌ام و قرار است توسط انتشارات سوره مهر به چاپ برسد. علاوه بر این در حال ترجمه کتاب دیگری با عنوان «زیبایی‌شناسی از منظر فرانکفورتی‌ها» هستم که شامل مجموعه مقالاتی از بنیامین، آدرنو و برشت می‌شود و تا نمایشگاه کتاب سال آینده آماده خواهد شد.



چرا فصل سوم را اینقدر مختصر نوشته‌اید؟
نقد کهن‌الگویی یا آرک‌تیپال که در این فصل به آن پرداخته‌ام، نوعی نقد اسطوره‌ای به شمار می‌آید و تنها شاهد مثالی در این بخش اپیزود اول شب هزار و یکم بهرام بیضایی بود. دلیل عمده‌اش هم نبودن مثال‌های بیشتر از این نوع نمایش در اجراهای ایرانی است.

«نقد مضمونی» چه نوع نقدی است؟

در فصل چهارم به نقد مضمونی می‌پردازم که بیشتر به مضامین و معانی توجه دارد و همین باعث می‌شود که بیشتر شکل شرقی به خود بگیرد، چون ادبیات شرق اصولاً صبغه مضمونی دارد و ادبیات غرب واقع‌گرایانه به حساب می‌آید. علتش این است که در ادبیات شرق، نکات در لایه‌های متعدد پنهان می‌شود و ادبیات شرق مملو از تمثیل و استعاره است. منتقد هم وظیفه‌اش این است که لایه‌ها را پس بزند و به معانی درونی برسد. در این فصل مثال‌هایی از «قبله عالم» اکبر رادی، «کریستال تاور» نصرالله قادری، «جان استپارت و درام ریاضی»، و «کلاوس پیمان» را آورده‌ام است. **ننه دلاور که نمایشنامه‌ای ایرانی نیست! خارجی است.**

درست است که کلاوس پیمان آلمانی است اما ما اجزایش را در تالار وحدت و در جریان جشنواره فجر دیده‌ایم، بنابراین این اجزاهم ضمیمه اجراهای ایرانی می‌شود. «ننه دلاور» اجرای بسیار زیبایی داشت؛ یک دایره مدور و صحنه گرد که اجرا را کهن‌الگویی می‌کرد. پیمان، جهانی را نشان می‌داد که امروز زیر سیطره امپریالیسم هاست. انسان‌ها به خاطر منافع‌شان می‌جنگند و در این مسیر ننه دلاور و بچه‌هایش را نابود می‌کنند.

نقد تکوینی چگونه نقدی است؟

بررسی تأثیرات مختلف بر نویسنده در هنگام خلق نمایشنامه و بررسی حوادث و رویدادهای اجتماعی و زندگی شخصی نویسنده است. تأثیر آنها بر پیدایی یک اثر مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این بخش به هانری چهارم، نوشته لوییجی پیراندللو و کلفت‌ها، نوشته ژان ژنه و کار علی رفیعی پرداخته‌ام.

نقد نشانه‌شناسانه دربرگیرنده فصل ششم است، چه کسانی بیشترین تأثیر را بر شکل‌گیری‌اش داشته‌اند و شاهد مثال‌هاییان را در این زمینه بگویید.

در نقد نشانه‌شناسانه منتقد باید کمک کند تا نشانه‌های یک اثر را برای فهم بیشتر مخاطبش باز کند. او باید به راز این نشانه پی‌برد. پیرس،

رضا آشفته: فرشید ابراهیمیان سال‌هاست که نقد می‌نویسد و در دانشگاه‌ها نقدنویسی تدریس می‌کند و علاوه بر این باید ترجمه را هم به فعالیت‌های او افزود. کتاب نقد تئاتر از نظر تا عمل تازه‌ترین کتاب اوست که انتشارات نمایش در ۳۲۶ صفحه آن را منتشر کرده است. ابراهیمیان سال ۱۳۲۸ در تهران متولد شده و تحصیلکرده تئاتر در دانشکده‌های هنرهای زیبا و فارابی سابق است. وی پس از ایفای نقش در بیش از بیست نمایش صحنه‌ای، تحقیق و پژوهش را در این عرصه آغاز کرد و تاکنون در تالیف و ترجمه چندین کتاب و مقاله کوشیده است. ابراهیمیان چند سال هم در مقام رییس کانون ملی منتقدان تئاتر فعالیت می‌کرد. با وی درباره آخرین کتابی که ترجمه کرده است گفت و گویی انجام داده‌ایم.

چرا در سرآغاز کتاب به سیر تحول نقد از یونان باستان تا قرن بیست و یکم پرداخته‌اید؟

از نقد کلاسیک شروع کرده‌ام تا به نقد پست مدرن در قرن بیست و یکم رسیده‌ام. عدم قطعیت و تعیین در نقد از دوره مدرن ادامه پیدا می‌کند تا امروز که دیگر با عدم قطعیتی در نقد روبه‌رو هستیم. این قطعیت تا سال ۱۹۲۰ وجود داشت و قبل از ورود به دنیای پست مدرن و نسبی شدن امور نقد از قطعیت پیشین می‌آید و به تبع شالوده شکنی‌های تئاتر، نقد هم شالوده‌های پیشین خود را می‌شکند و اصول نقد کلاسیک، نئو کلاسیک و مدرن را کاملاً در هم می‌شکند.

در فصل اول به نقد ساختارگرا پرداخته‌اید، چه نمونه‌هایی را در عمل برای این فصل در نظر گرفته‌اید؟

«آرامسایشگاه» بهمن فرسی، «کرگدن» اوژن یونسکو به کارگردانی حمید سمندریان، «مگس» ژان پل سارتر، «خشم و هیاهو» با اقتباس مهرداد رایانی مخصوص و «هنگامی که آسمان شکفت» نصرالله قادری، شاهد و مثال‌های من است.

بنابراین ریشه‌های این کتاب یا نقد نویسی شما به پیش از انقلاب برمی‌گردد؟

بله، اجرای «کرگدن» و «آرامسایشگاه» به پیش از انقلاب برمی‌گردد. البته عمده نقدهای این کتاب مربوط به هفده، هجده سال اخیر است.

دوست‌نداشتید به چهره‌های بارزی از نویسندگان مطرح ایرانی که در قید حیات نیستند بپردازید؟

دوست داشتم در کنار بهمن فرسی، یادی هم از عباس نعلبندیان بکنم که از او اجرا هم دیده بودم، متأسفانه او را از قلم انداخته‌ام.

«نقد تفسیری» همان نقد دانشگاهی است که فصل دوم را دربر گرفته است؟

بله، این نوع نقد به تمام جوانب نمایش و نمایشنامه می‌پردازد که برای اولین بار توسط رولان بارت مطرح شد. «نقد تفسیری» ناظر بر همه‌و‌جوه‌یک‌اثر است. در این فصل به نمایش‌های «لبخند آقای گیل» و «آمیرز قلمدون» اکبر رادی و کارهای مرزبان، «هرا» کار نصرالله قادری، «شازده احتجاب» اقتباس و کارگردانی علی رفیعی، «ریچارد دوم» به کارگردانی تاجبخش فناپیان، «چشم‌اندازی از پل» کار منیژه محامدی، «رمثو و ژولیت» کار علی رفیعی، و ادوارد آلبی و هارولد پینتر پرداخته‌ام و سعی کرده‌ام آنها را از جوانب مختلف مورد توجه قرار دهم.

شما درباره ادوارد آلبی و هارولد پینتر مطالبی به‌طور جداگانه کتاب درآورده‌اید چرا؟

بله، در اینجا به تازه‌ترین نمایشنامه‌های منتشر شده این دو نمایشنامه‌نویس می‌پردازم که در کتاب نیامده است و در ادامه آن محسوب می‌شود.

نشست های سرای اهل قلم از چهارشنبه تا سه شنبه

سیر و سلوک عرفانی و پرده برداری از رازهای نهان

سرای اهل قلم خانه کتاب با برگزاری نشست های نقد، بررسی و معرفی کتاب و همچنین ایجاد فضایی مناسب برای گفت و گو و تبادل نظر اهالی قلم، زمینه رشد و اعتلای فرهنگی کشور را مهیا کند. در نشست هایی که هفته گذشته در سرای اهل قلم برگزار شد، کارشناسان و منتقدان حوزه های «عرفان و ادبیات»، «ادبیات داستانی انقلاب اسلامی» و «اندیشه» در جلساتی جداگانه به بحث و گفت و گو نشستند.

پیروی آکوینی از فلسفه ابن سینا

نشست نقد و بررسی «اهمیت توماس آکوینی در فرهنگ دنیروز و امروز غرب» با حضور کارشناسان و نویسندگان حوزه اندیشه در سرای اهل قلم برگزار شد.

دکتر کریم مجتهدی، استاد فلسفه دانشگاه تهران؛ هیچ فعالیتتی مانند فلسفه اصیل جامعه را تعمیق نمی یخشد. در حقیقت، فلسفه در تمامی رشته ها تاثیرگذار است و جامعه بدون فلسفه دارای فضای سالم فکری نیست و هنوز جامعه بدون فلسفه دارای فضای سالم فکری نیست. متأسفانه جامعه ایرانی هنوز جامعه علمی و فرهنگی کامل خود را باز نیافته است. اسامی مختلفی که بر دوره های تاریخی گذاشته می شود، نظیر قرون وسطی؛ نباید عاملی در راستای زیر سوال رفتن ارزش های آن دوره باشد. بسیاری از مشکلاتی که امروزه در جوامع دیده می شوند، شباهت زیادی به دوران قرون وسطی دارند. بنابراین، نباید هیچ دوره ای را بی فایده و بی ارزش دانست. توماس آکوینی، مدرس دانشگاه پاریس و متولد

بگذاریم متن خودش سخن بگوید

نشست نقد و بررسی کتاب «خدا و انسان در قرآن» اثری از «توشیهیکو ایزوتسو» با حضور دکتر بخشعلی قنبری، استاد ادیان و تاریخ اسلام دانشگاه مذاهب اسلامی و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، دکتر محمودرضا اسفندیار، مدرس و نویسنده حوزه اندیشه و عده ای از علاقه مندان به این حوزه در سرای اهل قلم برگزار شد.

محمودرضا اسفندیار، مدرس و نویسنده حوزه اندیشه؛ درباره مطالعات دینی در حوزه پژوهش ادیان باید گفت از زمانی که در غرب روش های تازه ای برای پژوهش تمام موضوعات به ویژه در فلسفه دکارت و کانت در نظر گرفته شد، مفاهیمی به حوزه های روش شناسی راه یافت که بر این شیوه ها تاثیر بسیار زیادی گذاشت. تقسیم هر پدیده به دو بعد «ذات» و «پدیدار» از جمله این دستاوردها بود و این که در وادی نظر نمی توانیم به ذات یک مطلب پی ببریم. این مفاهیم پس از فلسفه در حوزه مطالعات دینی و فرهنگی راه یافتند.



سیر و سلوک عرفانی، مقام بردار نیست

نشست «عرفان در ادبیات معاصر» با حضور دکتر پرویز عباسی داکانی، نویسنده و کارشناس حوزه عرفان، دکتر بخشعلی قنبری، نویسنده و کارشناس ادیان و حمید کریمی، کارشناس ادبیات عرفانی، در سرای اهل قلم خانه کتاب برگزار شد. کارشناسان این نشست با بحث درباره تأثیرات «خیام» و «عطار» در رشد و توسعه عرفان در ادبیات و اشعار و همچنین بررسی منازل عرفانی، به این نتیجه رسیدند که سیر و سلوک عرفانی مقام بردار نیست. آنها از این جلسه تنها به عنوان پیش درآمدی برای ورود به مباحث اصلی این موضوع یاد کردند.

دکتر پرویز عباسی داکانی، نویسنده و کارشناس حوزه عرفان و ادبیات؛ «عبدالحسین زرین کوب» در کتاب «از کوچه زندان؛ درباره زندگی و اندیشه حافظ» مقدمه ای را نوشته است که با مطالعه آن به شناخت بهتری از عرفان در ادبیات می رسیم. این کتاب تنها منحصر به خیام و حافظ نمی شود، بلکه با خواندن آن می توان پیش درآمدی بر عرفان و خیام گرایی را فرض کرد. مرگ اندیشی، یکی از مهم ترین عناصری است که در اشعار این شاعر قرن ششم هجری شمسی به چشم می خورد. پرسش خیام، پرسش از مرگ است. او

پرده برداری از رازهای نهان انقلاب



نشست بررسی ادبیات داستانی انقلاب اسلامی با موضوع آسیب شناسی ادبیات داستانی این حوزه، با حضور نویسندگان و منتقدان؛ کامران پارسی نژاد، علی الله سلیمی، خسرو باباخانی و عزت الله الوندی در سرای اهل قلم برگزار شد.

کامران پارسی نژاد، منتقد، رمان تاریخی، رمانی است که با پژوهش های منسجم نویسندگان و نگاه خیرخواهانه و هدف آگاهی دادن به مخاطبان و متولیان فرهنگی، از رازهای نهفته و پنهان واقعیتی مانند انقلاب پرده برمی دارد.

علی الله سلیمی، دبیر برنامه؛ در سال های اخیر این ادبیات دارای هویتی شده که قابل انکار نیست. این در حالی است که به اعتقاد برخی کارشناسان، ادبیات جنگ با قدرت بیشتر، ادبیات انقلاب اسلامی را در سطره خود قرار داده و به اعتقاد عده ای دیگر، ادبیات دفاع مقدس بخشی از ادبیات انقلاب محسوب می شود. داستان، دارای قواعد و قوانین خاصی است که باید در چارچوب خود واقع شود. اما وقتی چاشنی



یونان مقابله کرد، بنابراین این فلسفه وارد غرب شد و توماس آکوینی سعی در هماهنگ ساختن عقل و ایمان در آن کرد. توماس آکوینی، عقل فعال را فراتر از ذهن انسان قرار می داد و این بخش از فلسفه آکوینی از ابن سینا دور و به فن فلسفه تبدیل و سپس وارد جامعه غربی شد.

پیش از قرن ۱۹ میلادی، توماس آکوینی برای مدتی از صحنه فلسفه کنار زده و پس از آن توسط کاتولیک ها نقش او دوباره پررنگ شد.

زندگی را انکار نمی کند و بیشتر در تردید در باب هستی به سر می برد. او به عناصر «خوش بودن» و «دم را غنیمت شمردن» اعتقاد فراوانی دارد. حمید کریمی: نمی توانیم از شعر عرفانی و شعر صوفیه تعریف دقیقی ارائه بدهیم، اما اگر بخواهیم نزدیک ترین تعریف را عنوان کنیم، باید گفت که تمامی اشعاری که جنبه تعلیمی دارند، در این قلمرو قرار می گیرند.

عطار در اصل شاعر نبود و همان گونه که در ابتدای مصیبت نامه نیز آورده است، اهل شعر و شاعری نبوده، بلکه چنین شیوه گفتاری را برای بیان مطالبش استفاده می کرد، چرا که مردمان آن دوره بیشتر این شیوه را می پسندیدند. عطار ساده سخن می گفت و توانست عرفان را از حلقه سلاطین بیرون بکشد و به دامن جامعه بیاورد. او شخصیتی کاملاً پیچیده داشت و به دلیل گوشه نشینی و تمایل نداشتن به شاگرددوری، برای تحلیل شخصیت او به هیچ فرد یا اثر دیگری دسترسی نداریم.

دکتر بخشعلی قنبری، نویسنده و کارشناس ادیان؛ زمانی که می گویم سخنی عارفانه است، باید حدود آن را مشخص کنیم. در این که چه سخنی عرفانی است، معیارهایی وجود دارد. ممکن است فردی عارف نباشد، اما سخنان عارفانه بگوید یا گزارشی از سیر و سلوک عارفانه ارائه دهد.

درباره جایگاه انقلاب اسلامی در ادبیات کشور نیز می توان گفت که با توجه به این که انقلاب اسلامی بر تمام حوادث پس از خود مانند واقعه طس و جنگ تاثیر گذاشته، بسیار مظلوم واقع شده است.

به نظر من، ضعف پژوهشی نویسندگان و نگاه ساده آنها به پدیده پیچیده انقلاب، عامل بی توجهی به موضوع انقلاب است. اغلب نویسندگان پدیده هایی مانند دیوار نوشته ها، اعلامیه ها، دستگیری ها و حتی ساواک را بسیار ساده در آثار خود ارائه می دهند. بر همین اساس تا به حال اثری در خور انقلاب منتشر نشده و تازمانی که نویسندگان از کنار جوانب انقلاب، آسان و بی توجه بگذرند، اصل و ذات انقلاب کوچک شمرده خواهد شد.

عزت الله الوندی؛ انقلاب اسلامی، ادبیات ایران را ارتقا داد و راه حضور نویسندگان تازه کار را گشود. البته زمان زیادی طول می کشد تا به جایگاه اصلی خود برسند. فقدان نقد ادبی موثر برای آسیب شناسی و کشف نقاط قوت و ضعف آثار، از نکات قابل توجه در زمینه ادبیات داستانی انقلاب اسلامی است.

ارواح مرطوب جنگلی

محسن حکیم معانی

انتشارات ققنوس / چاپ اول ۱۳۸۸ / ۹۶ صفحه / ۱۹۰۰ تومان



مجموعه داستان ارواح مرطوب جنگلی نخستین اثر محسن حکیم معانی، نویسنده و روزنامه‌نگار جوان است که سیزده داستان کوتاه او را دربرمی‌گیرد. حکیم معانی بانگ‌های تازه در ساخت داستانی و زبانی ساده و

سراسرت داستان‌های این مجموعه را نوشته است. همیشه سرباز، آگه صبح راه افتاده بودیم، عصا، دفتر جنگ، لطف بیدارم کن، خروس‌های گم شده بابا حبیب، قلعه، ابرهای صورتی بر زمینه سیاه، دیگر نمی‌خواهم روزنامه بخوانم، گاهی حتی یک اتفاق ساده، مرگ را بنگر، ارواح مرطوب جنگلی و مرگ مولف و مولفه و تالیف عناوین داستان‌های این مجموعه‌اند.

فضای داستان‌های این مجموعه متنوع و گاهی کاملاً با هم متفاوتند. از فضاهای شهری و پایتخت گرفته تا داستان‌هایی که در روستا اتفاق می‌افتند، شاکله اصلی قصه‌های این اثر به حساب می‌آیند. نویسنده داستان ارواح مرطوب جنگلی را که نام کتاب هم برگرفته از آن است چنین شروع می‌کند: شاید قبلاً هم به این فکر کرده بودم، حالا که نشسته‌ام و سرم دارد به دوران می‌افتد، دارد می‌چرخد و می‌چرخد و کوچک می‌شود، آنقدر که گمان می‌برم دارم با سر سقوط می‌کنم، فکر می‌کنم (یا دارد یاد می‌آید) آن سال‌ها را که در همین کلبه جنگلی سه ماه اول سال را می‌گذرانیدیم و حتی با پانته آگاهی در جنگل قدم می‌زدیم و آسمان پاره‌پاره جنگل را تماشا می‌کردیم یا از رودخانه ماهی می‌گرفتم و همان جا کباب می‌کردیم و زیر درختان کاج ...

عروس بید

یوسف علیخانی / نشر آموث / چاپ اول ۱۳۸۸

۱۹۲ صفحه / ۲۰۰۰ تومان



عروس بید مجموعه داستان یوسف علیخانی دربرگیرنده ۱۰ داستان کوتاه از اوست. علیخانی که پیش‌تر آثار موفقی چون قدم به خیر مادر بزرگم بود و اوژدها کشان را نوشته است و

برگزیده نخستین دوره جایزه ادبی جلال هم هست، در اثر جدیدش هم از همان زبان داستانی دو کتاب قبلی‌اش پیروی میکند و البته باید گفت تا اندازه‌ای دشواری‌های خواندن آثار قبلی به لحاظ زبان داستانی کاسته است. داستان‌های علیخانی تلفیقی از افسانه و خیال با واقعیت است که او عموماً در آثارش فضاهای روستایی را به تصویر می‌کشد و از حکایت‌ها و روایت‌هایی که دهان به دهان چرخیده و سینه به سینه نقل شده است بهره می‌برد. جدای از همه اینها زبان داستانی منحصر به فردی که در پس آن نویسنده و روزنامه‌نگار جوان - یوسف علیخانی - ایستاده است، کارش را از بخش اعظمی از نویسندگان هم نسلش جدا می‌کند. تعارف نیست اگر بگوییم علیخانی داستان‌نویسی سخت‌کوش، دقیق و هوشمند است که قصه و نوشتن را خوب می‌داند و روایتگری او خواننده را به دنبال خود می‌کشاند. بیشتر داستان‌های این مجموعه قابلیت چند بار خواندن را دارند و این ویژگی همان روایت قدرتمند آنهاست. پناه بر خدا، آقای غار، هراسانه، پنجه، رتیل، جان قربان، عروس بید، مرده گیر، بیل سراقا و پیر بی‌بی نام داستان‌های این مجموعه‌اند. داستان عروس بید چنین شروع می‌شود: یک آقای نورانی با موهای افشان بر دو شانه‌اش مثل شاخه‌های سبز درخت بید

و عبایی قهوه‌ای خاک خورده مثل تنه درخت بید عصازنان از قزوین راه افتاده بود به طرف کوهستان. به آبادی پای کوه که رسید، پیرزنی، گردن بزی را کشیده بود و می‌رفت. آقای نورانی تکیه داد به عصایش. پیرزن گردن بزی را رها کرد و ماند به تماشایش ...

کتاب گورستان

«نیل گی من» / ترجمه: کیوان عیبدی آشتیانی

نشر افق / چاپ اول ۱۳۸۸ / ۴۲۰ صفحه / ۵۰۰۰ تومان



نیل گی من به عنوان یکی از ۱۰ داستان‌نویس معاصر پست مدرن شناخته شده است. او متولد و بزرگ شده انگلستان است. ولی در حال حاضر در آمریکا زندگی می‌کند. مجموعه مرد شنی، برنده جایزه «ویل اینسر

کامیک این داستری» شد و جایزه جهانی فانتزی را نیز به خاطر بهترین داستان کوتاه به خود اختصاص داد. داستان اونزهای خوب به مدت ۱۷ هفته در فهرست پر فروش ترین کتاب‌های لندن بود. علاوه بر آن، داستان‌های بلند سرزمین ناشناخته و گرد و غبار ستاره‌ای در سال ۱۹۹۹ به عنوان بهترین رمان بزرگسالان جایزه «میث اوپیک» را دریافت کردند. در سال ۲۰۰۱ کتاب اسطوره‌های آمریکایی در فهرست پر فروش ترین داستان‌های بلند آمریکا قرار گرفت و توجه داوران جوایزی چون «هوگو»، «نیولا»، «استورگر» و «لوکاس» را نیز به خود جلب کرد. کتاب «پسرهای آنسانی» در سال ۲۰۰۵ در فهرست پر فروش ترین کتاب‌های سال در نیویورک تایمز مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

گی من، فیلمنامه‌نویس «بی‌ولف» را برای رابرت زمکس، کارگردان معروف نوشت و کتاب کرالین او نیز به کارگردانی هنری سلیک تبدیل به فیلم شد. این کتاب که برنده مدال نیوبری در سال ۲۰۰۹ هم شد، ترکیبی خیره‌کننده از ادبیات ترسناک، فانتزی و طنز برای نوجوانان است. افراد خانواده پسری هجده ماهه به قتل می‌رسند و او تاتی کنان سر از قبر متروک درمی‌آورد. پسرک در میان ارواح گورستان بزرگ می‌شود و مهارت‌های عجیبی کسب می‌کند. اما حالا خطر واقعی نه در دنیای مردگان، که در میان زنده‌ها در کمین اوست.

روح بی‌سر

آر. ال استاین / ترجمه ناصر زاهدی

انتشارات پیدایش / چاپ اول ۱۳۸۸ / ۱۷۲ صفحه / ۲۰۰۰ تومان



آر. ال استاین سال ۱۹۴۳ در حومه شهر کولومبوس در ایالت اوهایو آمریکا به دنیا آمد. ۹ سالش بود که نویسنده‌گی را کشف کرد. او از سال ۱۹۶۵ تاکنون در نیویورک زندگی می‌کند.

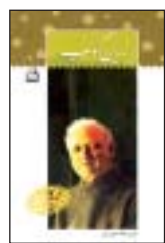
اولین کتاب هایش فکاهی بودند. آر. ال استاین که در دفتر کارش یک اسکلت و ماسک‌های آفریقایی نگهداری می‌کند، از سال ۱۹۸۶ خود را وقف ادبیات وحشت کرد و سال ۱۹۹۲ با چاپ مجموعه «موی سیخ شده به تن» موفقیتی جهانی به دست آورد. مجموعه «ترس و لرز» که «روح بی‌سر» بخشی از آن است تاکنون به ۱۶ زبان ترجمه شده است. این مجموعه یکی از محبوب‌ترین کتاب‌های نوجوانان در دنیا است. روزنامه «یواس‌ا تودی» در سال ۱۹۹۹ اعلام کرد که آر. ال استاین موفق‌ترین موفقیت‌دلیلی بسیار ساده دارد: آر. ال استاین نه فقط قصه‌ای وحشتناک تعریف می‌کند، بلکه خواننده‌هایش را هم می‌خنداند. با این آمیزه، او توانسته است خیلی از بچه‌هایی را که اهل کتاب خواندن نبودند کتابخوان کند. این نامه‌های بی‌شماری که به نشانی نویسنده فرستاده می‌شود ثابت می‌کند. در «روح بی‌سر» دنی و استفانی می‌خواهند سر

از خانه ترسناک بالای تپه در بیاورند و راز روح بی سر را کشف کنند. اما روح بی سر بسیار پیچیده عمل می‌کند ...

زرین کوب

عزت‌الله الوندی / انتشارات مدرسه

چاپ اول ۱۳۸۸ / ۱۸۴ صفحه / ۲۰۰۰ تومان



زرین کوب در ادامه سلسله آثاری که انتشارات مدرسه درباره چهره‌های درخشان معاصر منتشر می‌کند چاپ شده است. این اثر از عزت‌الله الوندی نویسنده و روزنامه‌نگار به صورت روایت داستانی نوشته که نثر و زبان اثر، کتاب را خواندنی و جذاب کرده است.

دکتر عبدالحسین زرین کوب در سال ۱۳۰۱ هجری شمسی در روبرو در دیده‌به‌جهان گشود. وی تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خویش به پایان برد. سپس در کنار تحصیل در دوره متوسطه به تشویق و ترغیب پدر که مردی متشخص و دین‌دار بود، اوقات فراغت را صرف فراگیری علوم دینی و حوزه‌ای کرد و ضمن تحصیل فقه و تفسیر و ادبیات عرب، به شعر عربی هم علاقه‌مند شد. گرچه تا پایان سال پنجم متوسطه در رشته علمی تحصیل می‌کرد، با این حال کمتر کتاب تاریخ و فلسفه و ادبیاتی بود که به زبان فارسی منتشر شده باشد و او آن را مطالعه نکرده باشد. به دنبال تعطیلی کلاس ششم متوسطه در تنها دبیرستان شهر برای ادامه تحصیل به تهران رفت. اما این بار رشته ادبی را برگزید و در سال ۱۳۱۹ تحصیلات دبیرستانی را به پایان برد و با وجود آن که کتاب‌های سال‌های چهارم و پنجم متوسطه ادبی را قبلاً نخوانده بود در میان دانش‌آموزان رشته ادبی سراسر کشور، رتبه دوم را به دست آورد.

با بازگشایی دوباره دانشگاه‌ها در سال ۱۳۲۰، عبدالحسین زرین کوب در امتحان ورودی دانشکده حقوق شرکت کرد. با آن که پس از کسب رتبه اول، در دانشکده ثبت نام هم کرده بود، اما به الزام پدر، ناچار به ترک تهران شد. در همان ایام، علی‌اکبر دهخدا که ریاست دانشکده حقوق را به عهده داشت، از این که چنین دانشجوی فاضلی را از دست می‌داد، اظهار تاسف کرده بود. سرانجام اشتیاق به تحصیل بار دیگر او را به دانشگاه کشاند. در سال ۱۳۲۴، پس از آن که در امتحان ورودی دانشکده علوم معقول و منقول و دانشکده ادبیات حایز رتبه اول شده بود، وارد رشته ادبیات فارسی دانشگاه تهران شد. به هر تقدیر، عبدالحسین زرین کوب در سال ۱۳۲۷ به عنوان دانشجوی رتبه اول از دانشگاه فارغ‌التحصیل شد و سال بعد وارد دوره دکترای رشته ادبیات دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۳۴ از رساله دکترای خود با عنوان «نقد الشعر، تاریخ و اصول آن» که زیر نظر بدیع الزمان فروزانفر تألیف شده بود با موفقیت دفاع کرد.

دکتر زرین کوب در سال ۱۳۳۰ در کنار عده‌ای از فضلالی عصر همچون عباس اقبال آشتیانی، سعید نفیسی، محمد معین، پرویز ناتل خانلری، غلامحسین صدیقی و عباس زریاب، برای مشارکت در طرح ترجمه مقالات دایره المعارف اسلام دعوت شد. دکتر زرین کوب پس از آن که به الزام پدر دانشکده حقوق را ترک گفت، به زادگاه خود بازگشت و در خرم‌آباد و بعد در بروجرد به کار معلمی پرداخت، کاری که به تدریج علاقه جدی بدان پیدا کرد. در دوران معلمی، از تاریخ و جغرافیا و ادبیات فارسی گرفته تا عربی و فلسفه و زبان خارجی و حتی ریاضی و فیزیک و علم الهیات، همه را تدریس کرد. وی پس از اخذ درجه دکترا، از سوی استاد فروزانفر، برای تدریس در دانشکده علوم معقول و منقول دعوت شد و در سال ۱۳۳۵ یا رتبه دانشیاری، کار خود را در دانشگاه تهران آغاز کرد و به تدریس تاریخ اسلام، تاریخ ادیان، تاریخ کلام و مجادلات فرق، تاریخ تصوف اسلامی و تاریخ علوم پرداخت. پس از دریافت رتبه استادی دانشگاه تهران (۱۳۳۹ ش) دکتر زرین کوب چندی نیز در دانشسرای عالی تهران و

دوره دکترای ادبیات فارسی دانشگاه تهران و در دانشکده هنرهای دراماتیک به افاضه پرداخت. در سال‌های ۱۳۴۷ تا سال ۱۳۴۹ در آمریکا به عنوان استاد میهمان در دانشگاه‌های کالیفرنیا و پرینستون به تدریس علوم انسانی پرداخت و بعدها به دانشگاه تهران انتقال یافت و در دو گروه تاریخ و ادبیات مشغول به کار شد. دکتر زرین کوب در ۲۴ شهریور ۱۳۷۸ به دلیل بیماری‌های قلب و چشم و پروستات درگذشت.

تجارت آزاد و فرهنگ

اصول و الزامات سازمان‌های تجاری

در زمینه سیاست فرهنگ ملی

پیتر فان دن بوشه / ترجمه دکتر علی صباغیان

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

چاپ اول ۱۳۸۸ / ۲۱۸ صفحه / ۳۰۰۰ تومان



مترجم در مقدمه کتاب تصریح کرده، عضویت یک کشور در سازمان جهانی تجارت از زوایای مختلف کالاهای فرهنگی، آزادسازی تجارت خدمات فرهنگی و نیز جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری بر عرصه فرهنگ و سیاستگذاری فرهنگی ملی تأثیرگذار است.

به دلیل ماهیت خاص محصولات فرهنگی که علاوه بر بعد اقتصادی و تجاری، دربردارنده ابعاد هنری و ارزش‌های بومی و ملی کشور نیز هست، شناخت بسیار دقیق ابعاد این موضوع در فرایند الحاق و نیز پس از عضویت در سازمان جهانی تجارت ضروری است. برای نیل به این مقصود، شناخت زوایای پیچیده قواعد و مقررات مختلف حوزه‌های تجارت کالا، تجارت خدمات و جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری، الزامات ناشی از آن برای کشورهای عضو در حوزه فرهنگ و نیز استثنائات موجود در این عرصه، کاری بسیار ضروری است. این کتاب تا حد زیادی به نیل این مقصود کمک می‌کند. کتاب حاضر در واقع یک کار پژوهشی است که توسط «پیتر فان دن بوشه» (Bossche Peter van den) در دانشکده حقوق دانشگاه ماستریخت هلند در سال ۲۰۰۷ انجام شده است. پروفیسور بوشه که استاد اقتصاد بین‌الملل و رییس بخش حقوق بین‌الملل و اروپایی دانشکده حقوق دانشگاه ماستریخت هلند و نیز از قضات رکن استیناف و رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت است با دقت بسیار زیاد تمام قواعد، اصول و مقررات سازمان جهانی تجارت در حوزه‌های تجارت کالا، تجارت خدمات و جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری مؤثر بر حوزه فرهنگ و نیز استثنائات موجود در این زمینه را که به اعضا اجازه اقدامات یک‌جانبه را برای حفظ و حمایت از فرهنگ ملی می‌دهد بررسی کرده است.

در بخشی از مقدمه نویسنده آمده است: «از چند سال پیش به این طرف، بسیاری از فرهنگ‌های ملی در سراسر جهان در معرض تهاجم کالاهای خدمات فرهنگی انگلیسی - آمریکایی شامل فیلم، کتاب، برنامه‌های سینمایی، آثار موسیقی و اخبار آنلاین قرار گرفته‌اند. بسیاری از هنرمندان، سیاستگذاران فرهنگی، مسوولان صنایع فرهنگی و سایر نمایندگان بخش فرهنگ معتقدند که فرهنگ ملی آنها و تنوع فرهنگی جهان - در نتیجه جهانی شدن اقتصاد و آزادسازی تجاری - مورد تهدید قرار گرفته و نیاز شدیدی به حفاظت و حمایت دارد.

فرهنگ و حمایتگرایی فرهنگی، بررسی کلی حقوق سازمان جهانی تجارت، تعهدات مرتبط طبق موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) ۱۹۹۴، استثنائات مرتبط در گات ۱۹۹۴، تعهدات و استثنائات مربوطه در موافقتنامه‌های چندجانبه تجارت کالا، تعهدات مربوطه طبق موافقتنامه عمومی تجارت خدمات (گاتس)، استثنائات مرتبط در گاتس، الزامات و استثنائات مرتبط در موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (موافقتنامه تریپس) و نتیجه‌گیری، بخش‌های دیگر کتاب است.



مکمل یا مخرب آموزش؟

در حوزه نشر بالاترین آمار تولید کتاب ها را بخش آموزشی و کمک درسی کسب کرده و این امر ناشی از وجود نداشتن رابطه مناسب آموزش و پرورش با کتاب درسی است. در این موقعیت، ناکارآمدی نهادهای وابسته که رنگ و بوی دلالتی دارند، فاصله موجود را پر کرده اند.

بسیاری از صاحب نظران عرصه آموزش و پرورش اعتقاد دارند که کتاب های کمک درسی تسهیل کننده آموزش اند.

نظری در این باره می گوید: «با تالیف بسیاری از این کتاب ها شاهد گردش پولی و مالی بسیار سنگینی در این موسسات هستیم. بسیاری از این ناشران کلاس های جانبی برگزار می کنند. این که یک عده با تالیف کتاب های کمک درسی به سودهای هنگفتی دست می یابند، نقص نظام آموزشی را نشان می دهد.» امروزه یکی از مشکلات کتاب های آموزشی، فاصله موجود میان کتاب ها درسی، خانواده ها و نیازهای دانش آموزان است و خانواده ها اغلب احساس می کنند که فرزندشان از کتاب فاصله دارند. نظری در این باره معتقد است: «این مساله بار مالی بسیاری بر دوش خانواده های ما گذارد. برخی معلمان دروس پایه نظیر شیمی و فیزیک، خارج از کلاس درس به حل تمرینات کتاب های کمک درسی می پردازند. این موضوع در نگاه نخست، مثبت است، اما در واقع ضعف سیستم آموزشی، مولفان و مسوولان را می رساند.»



یکی از ابتکارات مثبت سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی تلاش برای جهت دهی به تولید آثار کمک آموزشی است. اکنون موسسات زیادی هستند که زمینه تولید کتاب های مهارتی نظیر رایانه، کمک درسی و دروس علوم انسانی را ایجاد کرده اند. بر اساس قانون، وزارت آموزش و پرورش مسوول و متصدی سیستم درسی ایران است و نباید اجازه بدهد که این فضا از کنترلش خارج شود، بنابراین باید این جهت دهی مثبت و خط و مشی نظام آموزشی در کتاب ها مشخص شود.

معلمان، همگام با کتاب های کمک درسی
مژگان اسدی، مادر یکی از دانش آموزان، با اشاره به این که برخی از معلمان برای دروسی نظیر علوم، عربی، ریاضی و فیزیک، کتاب کمک درسی پیشنهاد می کنند، می گوید: «این راهنمایی ها نباید به گونه ای ارائه شوند برای دانش آموزان اضطراب ایجاد کنند، بلکه باید همگام و در جهت مثبت یادگیری دانش آموزان پیش بروند. متأسفانه برخی ناشران با هدف سود بیشتر و با تولید محتوای نامناسب، به سیستم آموزش ضربه وارد می کنند.»

با توجه به تمام موارد مطرح شده درباره کتاب های کمک درسی، به نظر می رسد این که نظام آموزش و پرورش کشور، وضعیت کتاب های کمک درسی را در دست بگیرد و مجموعه ای از کتاب های تایید شده را به دانش آموزان و معلمان پیشنهاد کند، راه حل بسیاری از مشکلات کنونی خواهد بود. مسوولان نظام آموزشی باید برای آشناسازی دانش آموزان، اولیا و معلمان با انتخاب و نحوه استفاده از کتاب های کمک آموزشی اطلاع رسانی، اطلاع رسانی کنند و این امر نیز با برگزاری جلسات آسیب شناسی در مدارس ممکن خواهد شد.



و کمک درسی به صورت اجباری تجویز می شود و با رشد پدیده کنکور، سیل عظیمی از کتاب های کمک درسی به سمت مدارس روانه می شود، در حالی که بسیاری از این کتاب ها کارشناسی نشده و تنها به جنبه حافظه گرایی می پردازد. والی با تأکید بر این که استفاده از کتاب های کمک آموزشی نباید در مدارس اجباری شود، توضیح می دهد: «اگر کتاب های درسی و کمک آموزشی پیشنهادی معلمان جذاب باشند و به سمت حل المسائل بودن هم نروند، می توانند تأثیر سازنده ای برای دانش آموزان داشته باشند، اما در صورتی که این آثار تنها برای ورود به کنکور تجویز شود، نه تنها علم دانش آموزان را افزایش نمی دهد، بلکه انگیزه افراد به مطالعه را هم با گذشت زمان کاهش می دهند.»

تجارت از طریق کتاب های کمک درسی
اسفندیار معتمدی، مولف کتاب درسی، با تأکید بر این که بیشتر کتاب های کمک درسی با هدف سوددهی منتشر شده اند. می گوید: «این کتاب ها برای دانش آموزان مطلوب نیستند و کمتر انتقال دهنده دانش اند و تنها برای عبور از سد کنکور و حفظ مطالب مورد استفاده قرار می گیرند.» به گفته وی، برخی از کتاب های کمک درسی نیز مکمل آموزشی اند و چون از لحاظ صفحه محدودیتی ندارند، می توانند مطالب متفاوت را مطرح کرده، دانش آموزان را به تفکر وادارند. بسیاری از این کتاب ها پاسخ پرسش هایی را می دهند که در کتاب درسی موجود است.

کمک درسی ها و حرکت به موازات ضعف ها و کاستی ها
مرتضی نظری، کارشناس و مولف حوزه آموزش و پرورش، کتاب های کمک درسی را حرکتی به موازات ضعف ها و کاستی های نظام آموزشی کشور می داند و در این باره می گوید: «بر این اساس که کتاب های درسی آموزش و پرورش تأکید زیادی بر حافظه محوری دارند، کتاب های کمک درسی نیز بر اساس این ضعف، تولید و رشد کرده اند. امروزه

در خود مدارس، از نظر سمعی - بصری و سایر تجهیزات مورد نیاز، بازار کاذب بسیاری از این کتاب ها از میان خواهد رفت.»

کتاب های درسی و امکان تمرین ناکافی
«حمید والی» کارشناس انتشارات مدرسه، وابسته به سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، با اشاره به این که نویسندگان کتاب های کمک آموزشی همان مولفان آثار درسی اند توضیح می دهد: «در حالی که بسیاری از کتاب های درسی به علت ارائه راه حل، امکان تمرین کردن را به دانش آموزان نمی دهند، کتاب های کار» که توسط نظام آموزشی کشور تهیه می شوند، این امکان را فراهم می کند. بنابراین کتاب های کمک درسی انتشارات مدرسه و تمامی ناشران وابسته به سیستم «آموزشی کشور، با هدف فعال سازی دانش آموزان تهیه می شوند.»

وی ماهیت اصلی کتاب های کمک درسی را تمرین و تکرار دروس می داند و می افزاید: «سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی به ناشران وابسته به خود اجازه تالیف کتابی با محوریت حل المسائل را نمی دهد. بسیاری از ناشرانی که امروزه اسم و رسمی کسب کرده اند، کتاب های حل المسائل تالیف می کنند، در حالی که این امر از سوی نظام آموزشی تایید شده نیست.»

امروزه در بسیاری از مدارس کتاب های آموزشی

کتاب های آموزشی باید مکمل کتاب های درسی باشند، اما کتاب ها حالت تکمیلی ندارند و دانش آموزان را از تفکر درباره مباحث درسی و حضور فعال در کلاس بازمی دارند

پیشرفت های تکنولوژی در دنیای امروز تمامی بخش های فرهنگی را متحول ساخته است. کتاب ها یکی از اقسام فرهنگ اند که مدام تغییر و تحول می یابند. بخشی از کتاب ها شامل آثار کمک درسی و آموزشی اند که امروزه با سرعت در حال پیشرفت و تکثیرند.

با شروع تب و تاب کنکور ورودی دانشگاه ها و تغییرات عمده ای که در سال های اخیر در کتاب های درسی صورت گرفته است، نگرانی هایی در میان اقشار مختلف جامعه نظیر معلمان، مربیان، اولیا و دانش آموزان ایجاد و در نتیجه نیاز به استفاده از کتاب های کمک آموزشی برای عقب نماندن از قافله اطلاعات و آموزش احساس شد.

کتاب های کمک آموزشی در جامعه ما با اهداف و انگیزه های مختلف تالیف می شوند. بخشی از این کتاب ها از سوی سیستم آموزشی کشور، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش و بخشی به صورت خصوصی توسط ناشران و آموزشگاه های مختلف به دانش آموزان تجویز می شوند. همچنین قسمتی از این آثار به صورت بازاری و بخشی توسط افراد دلسوز، با تجربه و کارشناسان حوزه کمک آموزشی تالیف شده اند.

درباره میزان اثرگذاری و تأثیر مثبت یا منفی این کتاب ها کارشناسان، مولفان، معلمان و اولیای دانش آموزان نظرات گوناگونی دارند که آگاهی از این نظرات در نحوه انتخاب کتاب ها و استفاده از آنها تأثیر زیادی خواهد داشت. این گزارش به بررسی چنین نظراتی می پردازد.

دانش آموزان از خلاقیت دور نشوند!



حسینعلی پورمدنی، کارشناس ارشد آموزش و پرورش و دبیر رشته ادبیات فارسی درباره مفید یا مضر بودن کتاب های درسی می گوید: «کتاب های کمک درسی می توانند راهنمای خوبی برای

دانش آموزان باشد، البته به شرط دانش آموزان از فعالیت سازنده و خلاقانه دور نشوند. با توجه به این که دانش آموزان باید مطالعه و تعمیق بیشتری در زمینه های درسی داشته باشند، این آثار می توانند مفید و موثر باشند، اما نباید افراد را از خلاقیت بازدارند و در امر آموزش خلل ایجاد کنند.»

وی در این باره توضیح می دهد: «کتاب های آموزشی باید مکمل کتاب های درسی باشند، اما متأسفانه بسیاری از این کتاب ها حالت تکمیلی ندارند و دانش آموزان را از تفکر درباره مباحث درسی و حضور فعال در کلاس بازمی دارند. در این میان، کتاب هایی که از سوی خود معلمان پیشنهاد می شوند، تأثیر مثبت بیشتری بر روند آموزشی خواهند داشت.»

پورمدنی می افزاید: «تولید برخی از کتاب های کمک درسی نشان دهنده نقص سیستم آموزشی کشور است. اگر آموزش در تمام مقاطع پاسخگویی نیازها باشد و امکانات کافی برای تحصیل فراهم کند، نیازی به کتاب های کمک آموزشی احساس نمی شود و بسیاری از کتاب هایی که تنها در راستای تأمین اهداف اقتصادی صاحبان تالیف می شوند، از رونق خواهند افتاد. بنابراین با فعال شدن نظام آموزشی در کشور و استفاده از وسایل کمک آموزشی



گزارشی کتابی به مناسبت فرارسیدن هفته وحدت

ندای وحدت؛ از نخستین سوره تا آخرین آیه قرآن

اومی گوید: برای ورود قرآن به حوزه های مطالعاتی افراد و اقشار گوناگون اجتماع، تالیف کتاب و تولید نرم افزارهای قرآنی، یکی از راهکارهاست. یکی از مباحث مهمی که در این راستا باید مورد توجه خاص تولیدگران و کارشناسان قرار گیرد، توجه به محتوای این آثار محسوب می شود.

حجت الاسلام خیرالله زاده می افزاید: علاوه بر اینکه در این گونه تولیدات فرهنگی باید از آخرین دستاوردها و تکنولوژی های روز کمک بگیریم، باید بر این نکته نیز تمرکز داشت که این آثار انطباق کاملی با قرآن کریم داشته باشند و بتوانند در برابر تهاجمات فرهنگی دشمن ما را مصون نگاهدارند. اگر در این زمینه رشد مناسبی داشته باشیم، از برنامه های سخت افزاری بی نیاز می شویم.

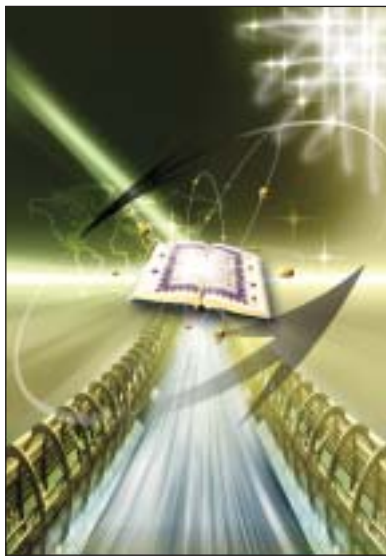
این قرآن پژوه به تاکید بر اینکه قرآن، عامل وحدت میان مسلمانان جهان است، عنوان می دارد: قرآن کریم یکی از یادگارهای پیامبر اکرم (ص) برای مسلمانان است که از آن به عنوان ثقل اکبر یاد می شود. در این راستا فارغ از اینکه چه مذهبی داریم، باید از این ثقل اکبر به درستی استفاده کنیم. اگر هم می خواهیم پیامبر (ص)، اهل بیت (ع) و حتی قرآن را به درستی بشناسیم، باید از خود قرآن استفاده کنیم. همان گونه که در آیه ۱۰۳ از سوره مبارک آل عمران آمده است: همگی به ریسمان الهی بیاویزید و پراکنده نشوید.

حجت الاسلام عبدالحسین برهانیان، مترجم قرآنی و عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع)، شخصیت والای رسول اکرم (ص) به همراه قرآن کریم رادو عنصر اصلی وحدت میان مسلمانان جهان می داند و معتقد است: علاوه بر تالیف و تدوین آثار قرآنی، باید با استفاده از برنامه های منسجم، استفاده از آموزه ها و مفاهیم قرآن کریم را به شکل کاربردی برای تمامی اقشار جامعه ملموس کنیم.

نویسنده کتاب، کلیدهای آموزش ترجمه قرآن توجه پژوهشگران و مولفان به نکات علمی و معجزات قرآن کریم، به ویژه در محافل قرآنی را از دیگر راهبردهای توسل به ریسمان الهی و ایجاد وحدت می داند و می گوید: برپایی کنفرانس هایی در ابعاد بین المللی درباره زبان قرآن (که همان زبان عربی است) و اکاوی مسائل مرتبط با ترجمه این آثار به عنوان کانال هایی برای ارتباط با دیگر سرزمین های مسلمان نشین و اصل قرارداد زبان عربی به عنوان زبانی قرآنی برای رسیدن به دریافت ها و گفتمانی مشترک، از دیگر راهکارهای عملی رسیدن به وحدت بین المللی اند.

مترجم قرآنی، حضور مستقیم اقشار گوناگون جامعه در محافل قرآنی را در کنار نیازسنجی های گسترده و استخراج راهکارهای قرآنی، از جمله راه های بازگشت به تعالیم این پیام آسمانی می داند و می گوید: شناخت نیازهای روز مسلمانان و دیگر جهانیان و استفاده از آیات و مضامین قرآنی برای یافتن راهبردهای عملی برای رسیدگی به این نیازها، قبل از آن که برای آنها جایگزین نادرستی اختیار کنیم، تاثیر بسزایی دارد. باید حلقه های قرآنی را به مسائل روز جامعه پیوند بزنیم.

حجت الاسلام برهانیان با تاکید بر اینکه در جامعه کنونی علاقه مردم به قرآن کم نشده است می گوید: نوع بیان و قالب ارائه مطالب ما باید تغییر کند و متناسب با نیازهای کنونی جامعه باشد. به طور مثال، درباره عرفان های نوظهور که یکی از مشکلات نوپدید جوامع به حساب می آیند، بزرگان و علمای دین باید با زبانی ساده و عامه فهم، مطالب قرآن را برای مخاطبان استخراج و همراه با نمونه های عینی، آنها را بیان کنند.



قرآن از ما انسان ها می خواهد در دنیا نیز زندگی و جامعه ای بهشتی درست کنیم، به دلیل این که در بهشت هیچ اختلافی نیست و بهشتیان زمانی که به یکدیگر می رسند به یکدیگر سلام می کنند، در حالی که جهنمیان در چیزهایی که ندارند، با هم اختلاف پیدا می کنند. قرآن، کتاب وحدت است و استفاده درست از آن می تواند عامل وحدت مسلمانان شود. در این راه نباید به ظاهر آیات اکتفا و به خواندن و تحقیقات توصیفی قرآن بسنده کنیم. به تعبیر دیگر، بهتر است سراغ پدیدارشناسی آیات برویم و معناشناسانه، آن را درک کنیم.

البته در این راه از تمامی مردم نمی توانیم انتظار داشته باشیم که با چنین نگاهی به مطالعه قرآن بپردازند، اما از اهل پژوهش می توانیم انتظار داشته باشیم که از دیدگاه های خاصی به مطالعه این کتاب بپردازند. از آنجایی که در جامعه ما اغلب مردم به کسب اطلاعات از راه های شفاهی علاقه بیشتری نسبت به مطالعه دارند و در عین حال تابع خواص اند. متولیان فرهنگ شفاهی جامعه باید اطلاعات را به شکل درستی در اختیار مخاطبان قرار دهند و آنها را به استفاده از ادبیات مکتوب ترغیب سازند.

این پژوهشگر ادیان می گوید: از آنجایی که نیاز، عامل حرکت است، انسان نیازمند سعی دارد نیازهای خود را به هر شکل ممکن برطرف کند و گاهی انسان در این راه به اشتباه می رود. برای مثال، می توان به عرفان های نوظهور اشاره کرد. مگر مانمی گوئیم که قرآن نجاتبخش است؟ پس چرا نگاه های عرفانی قرآن را استخراج نمی کنیم؟

وی عنوان می کند: باید مفاهیم عرفانی قرآن کریم را استخراج کنیم و به اشکال گوناگون در اختیار اقشار جامعه قرار دهیم. چرا نباید رمان های عرفانی براساس قرآن بنویسیم. در حالی که بسیاری از آثار و کتاب هایی که هر یک نوعی از نگرش های غیر قرآنی را ترویج می کنند، در جامعه وجود دارند؟ متأسفانه آثار متعددی را می بینیم که در خلال آنها، عرفان های غیراسلامی به طور ضمنی جای گرفته اند و اکنون در بخش هایی جامعه نقل مجالس اند.

انسان نیازمند همیشگی ثقل اکبر

درباره کاربردی تر ساختن استفاده از قرآن کریم، آرای گوناگونی وجود دارد که از آن میان می توان به اندیشه های حجت الاسلام شمس الدین خیرالله زاده، استاد و پژوهشگر قرآن کریم اشاره کرد. به اعتقاد او، تالیف کتاب و تولید نرم افزارهای گوناگون قرآنی در راستای کاربردی تر کردن استفاده از این کتاب آسمانی، در زندگی های کنونی بسیار موثر است.

شناسایی دردهای جامعه، آلام را به دردمندان بشناساند و با طرح سوالاتی عمیق، مخاطبانی را به سفر وجودی شان ترغیب سازند تا آنها با آگاهی کامل از نیازهایشان و هنگام دریافت پاسخ این دردها از دل مفاهیم قرآنی، ارزش استفاده از این کتاب آسمانی را با تمام وجود دریابند.

بسیاری از کارشناسان معتقدند که جامعه جهانی از جمله ایران، با بحران های گوناگونی مواجه شده است. اگرچه عاقلانه و منصفانه به نظر می رسد که در چنین شرایطی، نویسنده به دنبال حل این مشکلات باشد، اما باید فرصتی نیز فراهم شود تا نویسنده به مسائلی بپردازد که به آنها علاقه مند است. در این میان، به یقین وظیفه اصلی یک نویسنده معتقد به دین، این است که همواره مذهبش را زنده، پویا و جاری نگاهدارد و از این طریق جوابگوی سوالات انسان سرگردان قرن بیست و یکم باشد. در این رهگذر باید تحقیق کرد که قرآن چگونه می تواند عامل وحدت میان مسلمانان جهان باشد؟

نویسنده کتاب راهنمای پژوهش در نهج البلاغه در پاسخ به این سوال عنوان می کند: قرآن از دوزاویه می تواند این وحدت را توسعه و انسجام بخشد. نخست آنکه این کتاب آسمانی مورد قبول تمامی مسلمانان است و کسی نمی گوید که بخشی از آن را می پذیریم، اما بخش دیگر را قبول ندارم و تمامی مسلمانان جهان در حیاتی بودن آن اتفاق نظر و در عصمت پیامبر (ص) برای انتقال پیام خداوند به انسان و عدم تحریف لفظی آن با یکدیگر اشتراک عقیده دارند.

نویسنده در «مصاف تندباد» با تاکید بر اینکه از نخستین تا آخرین سوره قرآن کریم، ندای وحدت به گوش می رسد، اظهار می کند: روش وحدت آفرین قرآن تنها این گونه نیست که در مقابله با دشمن، مسلمانان را به اتحاد فراخواند، بلکه وحدت قرآن، موضوعی مبنایی است و اشاره دارد بر این که وقتی وحدت نداشته باشید، دشمنی وجود داشته باشد، یا خیر. نمی توانید کاری از پیش ببرید و اگر اختلافی دارید، تا زمانی جایز است که موجب عقب ماندگی شما نشود.

به عقیده این نویسنده، قرآن به ما نمی گوید که همگی عقیده یکسانی داشته باشید، اما در آیات متعدد همه را از پراکندگی برحذر می دارد. قرآن مسلمانان را واحد محسوب و این واحد بودن را به بهترین شیوه بیان می کند و به امر به معروف و نهی از منکر تسری می دهد؛ همچنان که در آیه ای از سوره آل عمران می خوانیم. شما برترین و بهترین امتی هستید که به نفع و صلاح مردم برانگیخته شدید. امر به معروف می کنید و نهی از منکر می کنید.

طبق تعالیم دین مبین اسلام، انسان فرصت حضور در کره خاکی را یافته است تا به کمال برسد و در سرای جاویدان دنیای آخرت نیز در بهشت ابدی ساکن شود. قنبری با تایید این موضوع می گوید:

حجت الاسلام شمس الدین خیرالله زاده: تالیف کتاب و تولید نرم افزارهای گوناگون قرآنی در راستای کاربردی تر کردن استفاده از این کتاب آسمانی، در زندگی های کنونی بسیار موثر است

همزمان با نزدیک شدن به سالروزی که خداوند برگزیده مخلوقات خود، حضرت محمد (ص) را به زمین هدیه کرد، ناخودآگاه به یاد بزرگ ترین معجزه پیام آور اسلام، یعنی قرآن کریم می افتیم، کتابی که برای همه انسان ها و همه زمان ها بهترین راه و الگوهای زندگی سعادت مندان را ترسیم کرده است. هفته وحدت، هفته ای است که مسلمانان شیعه و سنی، میلاد پیامبر اسلام را در ابتدا یا انتهای آن می دانند و در این دوره برای تقریب به آموزه های اسلام ناب در سایه اتحاد با یکدیگر فعالیت می کنند. کتاب آسمانی مسلمانان، بهترین عمل همبستگی مسلمانان است، کتابی تحریف ناپذیر که تا ابد جاویدان خواهد بود.

مسئولیتی به بزرگی قرآن

دکتر بخشعلی قنبری متخصص حوزه عرفان و مطالعات تطبیقی و استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، درباره کاربردی تر ساختن موضوعات قرآنی، رسایت نویسندگان را به دلیل مسؤلیت اجتماعی بزرگی که برعهده دارند، بررسی علاقی، توانمندی و امکانات و توجه به کاربردی بودن موضوعات می داند و می گوید: تنها انتخاب یک موضوع خوب برای نوشتن و تحقیق مناسب نیست، باید تاثیر آن اثر و پژوهش و اینکه کدامیک از مشکلات جامعه و افراد آن را برطرف خواهد کرد، از نخستین مسائلی باشد که پژوهشگران و نویسندگان در تالیفات خود توجه خاصی به آن می کنند.

نویسنده حوزه عرفان، یکی از راه های انتقال آموزه های قرآنی به زندگی فردی و اجتماعی افراد برای اتحاد بیشتر را مسأله محوری در مراجعه به این کتاب آسمانی می داند و توضیح می دهد: به این معنا که وقتی مسأله ای برایمان پیش می آید، به قرآن کریم مراجعه کنیم؛ زمانی که واقعا احساس دردمندی می کنیم و به سراغ سرمنشأ نیازهایمان برویم یا به عنوان یک پژوهشگر سوالمان



را به قرآن عرضه کنیم. در این هنگام جوابی که از قرآن درمی یابیم یا استخراج می کنیم، تاثیر مضاعفی در گرایش ما به این کتاب جاویدان و استفاده از آموزه های آن خواهد داشت.

وی از وجود فاصله ای به نسبت زیاد، بین مطالعات قرآنی کنونی و مسائل عصر جدید سخن می گوید و این فاصله را به عنوان حلقه مفقوده تعبیر می کند. قنبری در این باره معتقد است: با وجود اینکه پژوهش ها و مطالعات گسترده ای براساس این کتاب آسمانی انجام می شود، اما تحقیقات ما با آموزه ها و مفاهیم قرآن در یک جهت نیست. این پژوهش ها با آنچه در جامعه کنونی در حال به وقوع پیوسته است، انطباقی ندارند، در صورتی که اگر مطالعات قرآنی مان را براساس مسأله تنظیم کنیم و مسأله شناسانه سراغ مطالعه برویم، دانش و پژوهش ما کاربردی می شود، ضمن آنکه مخاطبان زیادی نیز پیدا می کنیم.

اما آیا عامه مردم از این توانایی برخوردارند که برای بهره گیری از قرآن با نگاهی مسأله محور سراغ کتاب آسمانی بروند؟

متخصص رشته ادیان، عرفان و حوزه مطالعات تطبیقی در این باره می گوید: سنگینی این وظیفه برعهده سخنوران، پژوهشگران، مولفان و کارشناسان این حوزه است تا با شناخت صحیح از مسائل و توانایی طرح آن در حوزه های کاری خود، انگیزه مخاطبان را برای گام نهادن به این قلمرو و استفاده از آموزه های قرآنی در حل مسائلشان ترغیب کنند. آنها باید با

درنگی بر «سلام آقای ونسان» اثر رضا خاکی نژاد

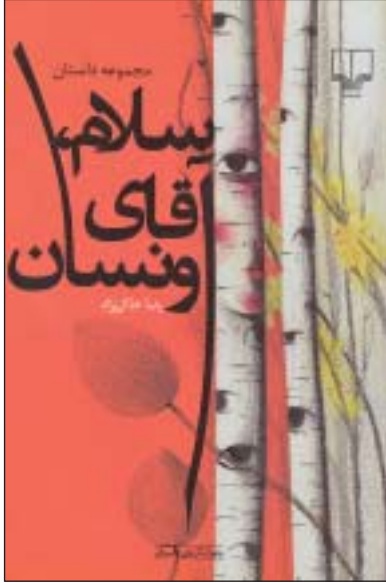
حضور سایه وار مرگ در زندگی

نویسندگان شاید بسیار تحت تاثیر تصویر کلیشه ای از زن قرار گرفته اند که نه انسانی است و نه مطابق با واقعیت جامعه امروز. البته رضا خاکی نژاد در این نوع نگاه تنها نیست و بسیاری از نویسندگان که اصلا نمی توانند سه شخصیت زن را در داستان نشان واقعی نشان دهند.

فضای عاطفی ساخته شده در داستان های «چهارشنبه سوری»، «هندوانه» و «به چشمان ترم بنگر»، توجه نویسنده به فرم داستان را نشان می دهد؛ فرمی که مطابق محتوای نازک و احساسی آنهاست.

در «شیوه عاشق کشی» نویسنده عشق را دور از دسترس و جانکاه می نمایاند. دکتر «ن» به دیدار دکتر «میم» می آید، آن هم بابال پرواز، آن هم به طوری که همه حاضران در مطب می بینندش. اما اگر اشاره به بال اشاره به روح دکتر میم است پس چگونه است که همگی متوجهش هستند و اگر او زنده است چه لزومی داشت نویسنده وجودش را این گونه مرموز نشان دهد و تا پایان هم توجه مناسبی برای خلق آن نیاورد.

به طور کلی مجموعه داستان «سلام آقای ونسان» خواندنی است و می توان گفت خواننده را خسته نمی کند. منتظریم تا در آینده داستان های بهتری را از رضا خاکی نژاد ببخوانیم و لذت ببریم. «خیال بازی» نام کتابی از ساناز سید اصفهانی است که حاوی دو داستان کوتاه است و با وجود کوتاه بودنش خوانندش برای بسیاری ممکن است چندین روز وقت ببرد؛ نه به لحاظ سختی و دشواری متن بلکه به علت خسته کننده بودن آن.



بیشتر داستان های این دوره با تصویری محور روبه روییم که پیچیده در کلیشه های تلویزیونی و نگاه مرد سالارانه رایج است. شخصیت داستانی زن مستقیماً در داستان نیست اما وجودش به عنوان یک عامل فشار، یک عنصر زیاده خواه و نادان (که از شوهرش می خواهد سه شیفته در روز کار کند) مرد را با رضایت به آستانه طلاق می کشاند. به جز چیزهای دیگری مثل کار روزمره اداری و انتظارات دیگران که مرد را «اسیر» کرده، زنش هم مزید بر علت و شاید مهم ترین علت باشد. متأسفانه برخی

مسائلی را به احتمال زیاد در زندگی اش، در کارش، در روابط فامیلی اش و یا حوادث روزنامه ها دیده و تجربه کرده است. داستان ها بر ایمان آشنا هستند و توی ذوق نمی زند به جز یکی دو داستان مثل داستان اصلی که نام کتاب هم از آن گرفته شده و به طور استثنای باید گفت دچار توصیفات بیپوده و زیاده روی نویسنده در تشریح چیزی است که بود و نبودش ربطی به ساختار اصلی داستان ندارد.

به لحاظ ایجاد تعلیق و حس کنجکاوی در خواننده برای ادامه داستان، نویسنده در «لبه تاریکی»، «مراقبت...» و «توی تراس...» بسیار موفق عمل کرده است. ممکن است مخاطب از این داستان ها خوشش هم نیاید اما عامل تعلیق و همچنین کوتاهی داستان مخاطب را تا آخر پا برجا نگه می دارد. مثلاً «مراقبت...» که کل آن از نامه های اداری تشکیل شده خواننده را وامی دارد تا نتیجه این نامه های پشت سرهم و بیپوده و حتی طنز آمیز را دریابد.

گفت و گو های این مجموعه با این که با خط تیره از نثر نوشتاری جدا شده اند اما گاه بسیار گیج کننده و درهم اند و اصلاً معلوم نیست گوینده کیست. آیا دارد با کسی حرف می زند یا فقط گفت و گوی درونی اش است و اصلاً مخاطبش کیست. در واقع حریم گفت و گو هادر برخی داستان ها رعایت نشده و البته یک دلیل آن جدانشدن دقیق زبان نوشتاری از زبان محاوره است. یعنی گفت و گو های روزمره آدم های داستان به زبان محاوره نیست و حتی به آن نزدیک هم نیست و این مسأله به باور پذیری داستان هم ضربه می زند. در داستان «آخر هفته رویایی» باز طبق معمول

رضا خاکی نژاد قبل از این که داستان نویس باشد یک روزنامه نگار است. حتی اگر این را ندانیم، آنقدر با قلم آشنا هست که پختگی نثرش به ما بفهماند که او با نوشتن عجیب است و برای آفرینش اثرش شاید مدت ها زحمت کشیده باشد و ذوق و اندیشه خرجش کرده باشد. اما اصلاً به خودش فشار نیاورده است!

مجموعه داستان «سلام آقای ونسان» که چندی است از سوی نشر چشمه منتشر شده است شامل ۱۱ داستان کوتاه است که در اینجا به برخی از آنها نگاهی می اندازیم.

کتاب با داستانی درباره مرگ آغاز می شود و با چنین داستانی نیز پایان می یابد. مرگ، عنصری اساسی در بیشتر داستان هاست و حضوری گاه پررنگ و گاه سایه وار دارد. با این وجود فضای داستان ها آدم را دلمرده نمی کند. نثر روان و زیبایی خاکی نژاد اثر را سرزنده کرده است. حتی آنجا که روح مرده ای سخن می گوید و یا آنجا که جدی از کفنش برمی خیزد، زندگی است که بیشتر توجه خواننده را جلب می کند و نه مرگ. خلاقیت و اشتیاقی که در توصیف مراسم عزاداری و حضور افراد فامیل کنار هم هست و طنز روان راوی که لابه لای سطور، پنهانی، لبخندی به لبمان می آورد و نیز ریتم مناسب و خودداری نویسنده از توصیفات زائد از «چه بهانه ای...» داستانی ساخته که حتماً تا به آخر خوانده می شود و می توان آن را بهترین داستان مجموعه دانست.

آنچه تقریباً درباره همه داستان های این مجموعه می توان گفت این است که ایرانی امروز چنین

تاملی بر کتاب «خبرنگار کتاب»

من خبرنگارم؛ خبرنگار کتاب

می گوید: «نشریات تخصصی در سه لایه بر نشریات عمومی می تواند تاثیر بگذارد. در صفحات داخلی، صفحات خبری و صفحه اول یا تیتراژ روزنامه. تا امروز، مطبوعات تخصصی توانسته اند تنها بر صفحات داخلی روزنامه های عمومی تاثیر بگذارند.»

در پیچ و خم های نشر ایران

در این بخش، داستان تولید کتاب از ابتدا تا انتها با اشاراتی به پیشینه و برخی قوانین مرتبط نقل شده است. بنا بر نوشته باباوند، صنعت نشر از یک سو با پدید آمدن آژانس ها و تولید کنندگان محتوایی درگیر است و از سوی دیگر با قوانین و مقرراتی روبه رو است که توسط مجاری قانونی دنبال می شود و همچنین با بازاری که در آن نیازهای افراد تعریف دقیق و درستی ندارد که بتوان آن را با عدد و رقم مشخص کرد. کاغذ فروشان در گذشته اعتقاد داشتند کاغذ تا زمانی که سفید است، حکم طلای نابی را دارد که هر کس خریدارش است اما وقتی مرکب چاپ بر آن نشست از قیمت می افتد و ناشر باید منتظر بنشیند تا مشتری کتاب از راه برسد و کتاب چاپ شده را با خود ببرد. اگر در گذشته کاغذ سفید بهای بیشتری نسبت به کتاب چاپ شده داشت، این نگاه اکنون با حضور ناشران موفق کم رنگ یا ناپدید شده است. امروزه اطلاع رسانی در صنعت نشر ایران نقش مضاعفی بر عهده دارد. فرسوده بودن مجاری پخش در ایران و محدودیت های فضای نمایشی کتاب ها موجب می شود خواننده کمتر بتواند از طریق فروشگاه های کتاب از انتشار کتاب های

دکتر یونس شکر خواه، استاد رشته ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی در پاسخ به این پرسش باباوند که چرا همواره بر نوشتن مرور کتاب تاکید داشته اید، می گوید: «مرور کتاب، نوعی گزارش نهفته درباره کتاب است و مرور گر در این فرآیند به تلخیص محتوای یک اثر می پردازد. مرور کتاب می تواند بر انتخاب و اشتیاق خوانندگان در خرید و مطالعه بیشتر کتاب تاثیر بگذارد. ضمن این که مرور برای خوانندگان با هر سطح تحصیلی مفید است، اما نقد کتاب بیشتر به کار خوانندگان حرفه ای و با سطح تحصیلات بالاتر می آید.»

شرایط بهبود خبرنگاری و گزارشگری حوزه کتاب با دکتر کاظم معتمد نژاد، بنیان گذار رشته ارتباطات در دانشگاه های ایران، در میان گذاشته شده است. به باور او «نبودن مبانی مدون برای خبرنگاری تخصصی در حوزه کتاب موجب اظهار نظر های پراکنده و بیشتر غیر کارشناسی می شود». از دیدگاه معتمد نژاد باید چارچوبی برای معرفی، بررسی و ارزیابی کتاب ها از طریق وسایل ارتباط جمعی ایجاد شود و شرایط کنونی با شرایط موجود در کشور های دیگر مقایسه شود.

گفت و گوی مفصل باباوند با مجید رضائیان، مدرس روزنامه نگاری در دانشکده خبر، به فرصت ها و محدودیت های خبرنگاران کتاب، گونه های مختلف خبری در حوزه کتاب و تحصیلات تخصصی خبرنگار کتاب اختصاص دارد. رضائیان در مورد تاثیر نشریات تخصصی حوزه کتاب بر دیگر رسانه ها

نسترن صادقی: «من خبرنگارم؛ خبرنگار کتاب! این عنوان هم حکایتی شده است. انگار که هیچ نبوده و از آسمان به یک باره رفته و رسته ای خلق شده است به نام خبرنگاری کتاب که انگار هیچ احدی نمی داند و نمی دانسته و حالا گروهی جوانک از راه رسیده اند و برای خودشان دار و دسته و دفتر و دستک راه انداخته اند که الا یا ایها الناس ما میم آنهاهی که برای کتاب می نویسند.» اینها جمله هایی اند که حمید باباوند، روزنامه نگار حوزه کتاب، «خبرنگار کتاب» را با آنها آغاز کرده است. او بعد از اینها و در ادامه تجربیات خودش را در حوزه روزنامه نگاری و کتاب و مشکلات این عرصه و بیماری هایی که گریبان این حوزه را می گیرد، بیان می کند.

گزارش و گفت و گو، پیکره اصلی این کتاب را می سازد. گفت و گو با استادان روزنامه نگاری و افرادی چون کاظم معتمد نژاد، یونس شکر خواه و مجید رضائیان و در بخش گزارش ها، گزارشی از صنعت نشر در ایران و فرانسه و همچنین از نمایشگاه کتاب فرانکفورت ارائه شده است. این کتاب در مجموع به بررسی مشکلات خبرنگاری کتاب و مشکلات صنعت چاپ و نشر در ایران در مقایسه با صنعت چاپ و نشر فرانسه می پردازد.

از ویژگی های این کتاب زبان ساده نویسنده در گزارش ها و گفت و گو هاست و در کنار بحث های فنی و اشاره به مشکلات و برخی نابسامانی ها، رگه های طنز نیز در نوشته ها به چشم می خورد. از جمله در مقدمه، یکی از گفت و گو ها چنین آمده است: «آنکه یگانه بود به جمع یاران و بی خبر از زمان، دوکتور یونس شکر خواه بود اینترنت مکان. و گویند در جزیره خلوت نیز از باریتعالی خط اینترنت خواستی. کیهان را خانه پنداشتی و به صنعت چاپ عشق ورزیدی...»

پای صحبت بزرگان روزنامه نگاری

دلخواهش مطلع شود. بنابراین اطلاع رسانی رسانه ها باید خلا موجود در پخش و توزیع را هم پوشش دهد.

دنیای نشر فرانسه

نتیجه سفر نویسنده به فرانسه به دعوت اتحادیه ناشران فرانسه شالوده گزارش این فصل از کتاب باباوند است. این فصل کتاب خود به چهار بخش تقسیم شده است: سازماندهی زنجیره کتاب، دیدار با اعضای اتحادیه نویسندگان، آشنایی با مرکز ملی کتاب و گزارشی از مرکز توزیع سوریس وابسته به نشر گالیلیماری یکی از بزرگ ترین ناشران فرانسه. این بخش هادر کنار یکدیگر دید و سبعی از صنعت چاپ، نحوه انتشار، توزیع و فروش کتاب ها در فرانسه را به دست می دهد. این گزارش فرصتی برای خواننده ایجاد می کند تا به مقایسه این صنعت در فرانسه و ایران بپردازد و چه بسا راه حل هایی برای مشکلات و نارسایی های چاپ در ایران پیش رو قرار دهد.

سیری در نمایشگاه کتاب فرانکفورت

بخش پایانی کتاب به گزارش روزانه نویسنده از نمایشگاه کتاب فرانکفورت اختصاص دارد. «نمایشگاه کتاب فرانکفورت، بزرگ ترین نمایشگاه کتاب دنیاست و آنقدر بزرگش می کنند که کاملاً از دسترس ما دور باشد. سال ۲۰۰۷ فرصتی دست داد تا به این نمایشگاه بروم. فضای واقعی نمایشگاه با موهوماتی که از نوشته ها و گفته های دیگران در ذهن ساخته بودم، بسیار فاصله داشت. همین فاصله توهم آمیز باعث شد تا نمایشگاه را برخلاف بسیاری از دوستانم از زاویه نقد و با هویتی در مقایسه با توانایی های خودمان ببینم.»

«خبرنگار کتاب» امسال توسط موسسه خانه کتاب در شمارگان هزار نسخه و با بهای ۳۵۰۰ تومان در اختیار علاقه مندان قرار گرفته است.



تشنگان علم و کتاب‌هایی لبریز از دانش

ترجمه شده‌ای که حاصل تالیف و تحقیق در یک کشور خارجی اند چاپ کنند. تعداد این کتاب‌ها که بسیار هم پرفروش اند، کم نیست و هر روز نیز افزایش می‌یابند. اسدی علت اصلی این مشکل را در عدم تولید علمی کشور می‌داند و در این باره می‌گوید: «سهم تولید ما در تولید علم جهانی خیلی کم است و به همین دلیل کمتر شاهد انتشار کتاب‌هایی هستیم که حاصل مطالعه علمی در کشورمان باشد. همچنین معمولاً یک کتاب علمی حاصل تحقیق روی یک مطلب تخصصی است که به دلیل گستردگی دامنه علوم از عهده یک نفر خارج است.»

بعضی کتاب‌های ترجمه‌شده، کیفیت مناسبی ندارند و به نظر نمی‌رسد در پیشرفت علمی کشور موثر باشند. اسدی در این باره می‌گوید: «کتاب‌های دانشگاهی توسط مدرسان و اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها ترجمه می‌شوند و آنها کتاب‌هایی را از ناشران و نویسندگان معتبر در دنیا انتخاب می‌کنند. اگر چه ممکن است این افراد متخصص در علوم پایه یا فنی - مهندسی، با برگردان زبان مبدا به فارسی خیلی آشنا نباشند، اما کیفیت کتاب‌های آنها از متن ترجمه شده افراد غیر متخصص که محصولات فرهنگی بازاری منتشر می‌کنند بهتر است.» البته تنها منابع درسی دانشگاهی نیستند که ترجمه می‌شوند بلکه کتاب‌های علمی دیگری نیز وجود دارند که مخاطبان آنها عموم مردم‌اند و به فارسی برگردانده می‌شوند. این کتاب‌ها را دانشجویان در کنار کتاب‌های درسی می‌خوانند تا از همه حوزه‌های تخصصی آگاه شوند و عموم مردم نیز آنها را برای افزایش سطح سواد علمی شان مطالعه می‌کنند. بررسی که مطرح این است که کمیت و کیفیت این کتاب‌ها در جامعه ما چگونه است؟ صاحب نظران حوزه کتاب‌های علمی از پاسخ این پرسش مطلع‌اند. بهرام معلمی، یکی از این کارشناسان و ویراستار ارشد کتابهای علمی مرکز نشر دانشگاهی ابتدا از ضرورت تولید کتاب‌های علمی برای همگان می‌گوید: «از بعد از انقلاب و در سال‌های اخیر، جوانان ما برای پاسخگویی به نیازهای علمی شان به اینترنت مراجعه می‌کنند و آنچه را می‌خواهند، نمی‌یابند یا با اطلاعاتی غلط مواجه می‌شوند. سپس برای حل این معضل به کتاب‌های درسی بسنده می‌کنند که آنها هم حاوی اطلاعات علمی خشک و تک بعدی در باره یک موضوع تخصصی است، در حالی که بهترین راه حل، مطالعه کتاب‌های علمی عمومی است که با ارائه اطلاعات صحیح، جوانان را از سردرگمی نجات می‌دهد.»

معلمی که تا امروز حدود ۲۸ سال سابقه ترجمه و ویرایش کتاب‌های علمی دارد، در ادامه می‌گوید: «کتاب‌های علمی بسیاری برای همگان ترجمه کرده‌ام که همه آنها علت پدیده‌های علمی را به زبان ساده بیان می‌کنند. مثلاً در کتابی با عنوان «انجمنین به آرایشگرش چه گفت؟» علت پخش یک قطره قهوه به صورتی خاص روی میز کاملاً تشریح شده که برای عموم مردم قابل فهم است یا مثال‌های دیگری که اگر عموم مردم با آن آشنا باشند با آگاهی و فهم بیشتر نسبت به موضوعات پیرامونشان زندگی می‌کنند.» وی تصریح می‌کند: «قبل از انقلاب انتشارات فراکلین کتاب‌های خوبی مثل «یک، دو، سه، بی نهایت»، «شگفتی‌های آسمان شب» و منابع دیگری که به کتاب‌های جیبی معروف بودند منتشر کرد، اما اکنون اگر چه از این کتاب‌ها بسیار استقبال می‌شود، اما ناشرانی که به چاپ آن نوع کتاب‌ها بپردازند، تعدادشان بسیار محدود است البته بیشتر این آثار ترجمه‌اند. تعداد محدودی از آنها هم تالیف می‌شوند که درباره مسائل علوم کاربردی مثل کشاورزی و محیط زیست صحبت می‌کنند.»



ارشد و چهار هزار نفر در مقطع دکتر تحصیل می‌کنند. این ارقام می‌گویند تعداد دانشجویان ما نسبت به سال‌های گذشته، افزوده شده است که همه آنها به کتاب درسی و منابع آموزشی نیاز دارند.

از آنجا که تامین کتاب برای همه دانشجویان کشور در گرو صرف انرژی و هزینه گزاف است، بنابراین تعداد زیادی از انتشارات کشور به تولید کتاب‌های درسی دانشگاهی پرداخته‌اند و در هر رشته تخصصی با کتاب‌های متنوع و متعددی مواجهیم. من به عنوان مدرس رشته کتابداری و اطلاع رسانی، عنوان‌های متعددی از کتابهای تخصصی این رشته دانشگاهی را به دانشجویانم معرفی می‌کنم که نسبت به سال‌های گذشته از نظر کیفی و کمی متنی‌ترند.»

دکتر اسدی در ادامه، از علت اصلی مراجعه کم دانشجویان به کتاب‌های درسی بر خلاف تعداد فراوانشان یاد می‌کند و می‌گوید: «یک فاصله عمیق علمی میان مدرسان با دانشجویان مشاهده می‌شود. از آنجا که استادان دانش آموخته یک دوره خاص زمانی در قدیم‌اند از دسته آموزش‌های آموزشی و محتوای علمی پیش می‌روند که اکنون برای دانشجویان ما جذابیتی ندارد. دانشجویان به واسطه تکنولوژی‌های امروزی با دانش جدیدتری آشنا می‌شوند که در قالب کتاب‌های درسی تالیف شده استادان نمی‌گنجد. به همین دلیل، دانشجویان از این نوع کتاب‌ها فاصله می‌گیرند و به مقالات علمی مراجعه می‌کنند که محتوای آنها می‌تواند عطش علمی شان را سیراب کند.»

قدیمی بودن محتوای کتاب‌ها نیز علت‌های مختلف دارد که اسدی در این باره می‌افزاید: «مقالات خیلی راحت و در فاصله زمانی محدود به روز می‌شوند که محتوای آنها همیشه پاسخگوی نیازهای علمی دانشجویان خواهد بود، اما کتاب‌ها با محدودیت فضا مواجه‌اند و همه مطالب علمی روز در آنها نمی‌گنجد. همچنین به دلیل طولانی بودن مراحل اداری، با گذشت زمان طولانی تجدید چاپ می‌شوند، لذا مطالب آنها خیلی دیر تغییر می‌کنند و معمولاً قدیمی‌اند. البته پایین بودن کیفیت کتاب‌های تالیفی دانشگاهی تنها به این عوامل بستگی ندارند. به طور مثال، در حوزه علوم مختلف از جمله کتابداری و اطلاع رسانی با انبوهی از کتاب‌ها برخورد می‌کنیم که محتوای علمی پایین و مشابهی دارند. همه این موارد سبب شده‌اند دانشجویان کتاب‌های درسی را برای مطالعه برگزینند که محتوای آنها تالیف یک نویسنده خارجی است.»

فقدان کتاب‌های تالیف شده دانشگاهی با محتوای علمی روز باعث شده است ناشران ما کتاب‌های

بنابراین با این نظر موافقم که مراجعه مداوم دانشجویان به مقالات پژوهشی، آنها را به موضوعات خاص محدود کرده، سبب تک بعدی شدن آنان در مسائل علمی روز می‌شود. من معتقدم اکنون با تعداد بسیاری از کتاب‌های درسی در جامعه دانشگاهی مواجهیم که دانشجویان نباید آنها را فراموش کنند.»

به نظر می‌رسد پدیده فاصله گرفتن دانشجویان از کتاب‌های درسی آنچنان عمیق است که نه تنها دانشجویان ماتن‌ها مقالات را مطالعه می‌کنند که بسیاری آنان حتی در مقطع کارشناسی، مقاله نویسی را - آن هم به زبان انگلیسی و برای مجامع بین‌المللی مثل ISI - امری ضروری می‌دانند. بعضی کارشناسان علت این امر را کمبود کتاب‌های درسی دانشگاهی می‌دانند، اما دکتر اسدی نظریه دیگری دارد. او می‌گوید: «فکر نمی‌کنم ما با کمبود کتاب‌های دانشگاهی مواجه باشیم، زیرا کمیت این نوع منابع علمی نسبت به چند سال گذشته نه تنها در ایران که در دنیا بسیار افزایش یافته است. بررسی‌ها نشان می‌دهند در آمریکا و کشورهای توسعه یافته دیگر، کتاب‌های دانشگاهی از آن چنان جایگاه ویژه‌ای برخوردارند که تعداد قابل توجهی از انتشاراتی‌ها به چاپ این نوع منابع پرداخته‌اند و هر روز نیز بر تعدادشان افزوده می‌شود.»

دکتر اسدی با اشاره به آمارهای منتشر شده در این باره، می‌گوید: «در سال ۲۰۰۱ میلادی ۱۳۵ هزار عنوان کتاب در آمریکا چاپ شدند که ۲۰ درصد آنها یعنی حدود ۳۰ هزار عنوان، مربوط به کتاب‌های دانشگاهی بودند. آمارها در ایران نشان می‌دهند ما نیز از این قاعده کلی مستثنی نیستیم و به تولید کتاب‌های علمی - دانشگاهی توجه ویژه‌ای داشته‌ایم. همین آمارها می‌گویند اکنون ۲۵ درصد انتشارات ایرانی، کتاب‌های درسی دانشگاه‌ها را تولید می‌کنند، یعنی از هر چهار کتاب منتشر شده در کشور، یکی از آنها کتاب دانشگاهی است. همان‌طور که این روند در دنیا رو به افزایش است، در کشور ما نیز هر روز به تعداد کتاب‌های دانشگاهی افزوده می‌شود. افزایش تعداد دانشجویان دانشگاه‌ها، یکی از عوامل اصلی تولید کتاب‌های دانشگاهی است که نسبت به سال‌های قبل از انقلاب رشد چشمگیری داشته است. قبل از انقلاب تعداد دانشجویان ما ۱۵۰ هزار نفر بود که در سال ۸۸ این آمار به سه میلیون و هفتصد هزار نفر رسیده است. همچنین آن زمان از هر ۱۰۰ هزار نفر ایرانی، ۱۴۰ نفر دانشجوی بودند که الان این رقم به سه هزار و ۷۰۰ نفر رسیده است. به طور متوسط هر سال یک میلیون و ۱۰۰ هزار دانشجو به دانشگاه‌های ایران وارد می‌شوند که ۴۴ هزار نفر دانشجویان کارشناسی

دانشجویان و پژوهشگران برای انجام مطالعات و تحقیقات پژوهشی به منابع علمی بسیار متنوع نیاز دارند. در کتابخانه‌های تخصصی، انواع منابع اطلاعاتی از جمله کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و نقشه‌ها به چشم می‌خورند، اما این که دانشجویان کدام یک از این نوع اطلاعات مستند را جست‌وجو می‌کنند، بحثی است که در میان کتابداران و اطلاع رسانی کتابخانه‌ها نیز بسیار مطرح می‌شود.

در این گزارش به آسیب‌شناسی روند تحقیقاتی دانشجویان بر مبنای آثار مکتوب پرداخته می‌شود. کارشناسان معتقدند دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد و دکترای رشته‌های فنی - مهندسی، آن دشته از مقالات علمی را در کتابخانه‌ها جست‌وجو می‌کنند که پاسخگوی نیازهای اطلاعاتی پایان‌نامه‌های دانشگاهی آنها باشند، در حالی که دانشجویان مقطع کارشناسی به کتاب‌های درسی خود بسنده و کمتر از مقالات تخصصی استفاده می‌کنند.

اگر چه چنین روندی سالیان دراز در میان دانشجویان حاکم بوده است، اما امروز شاهدیم دانشجویان کارشناسی هم تمایل پیدا کرده‌اند به مقالات علمی مراجعه کنند و محتوای آنها را مطالعه کنند. بسیاری از استادان دانشگاه‌ها، فاصله گرفتن دانشجویان از کتاب‌های درسی و مقاله محور شدن آنها را پدیده‌ای جدید می‌دانند که باید بررسی شود.

دکتر سعید اسدی، یکی از این کارشناسان و عضو هیات علمی دانشگاه شاهد، در این باره می‌گوید: «میزان تمایل دانشجویان رشته‌ها و مقاطع مختلف دانشگاهی به کتاب، متفاوت است و علت این اختلاف به چند عامل مهم بستگی دارد. کتاب، محوری‌ترین عنصر آموزشی است که در میان رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی جایگاه ویژه‌ای دارد، در حالی که دانشجویان فنی - مهندسی که بیشتر به منابع علمی - پژوهشی نیاز دارند، کمتر به کتاب‌های درسی توجه می‌کنند. تنها دانشجویان کارشناسی رشته‌های فنی در بدو ورودشان به دانشگاه، کتاب‌های درسی را مطالعه می‌کنند، اما در مقاطع بالاتر تحصیلی، با مباحث تخصصی و محدودتر مواجه می‌شوند که به مقالات علمی نیاز دارند.»

دکتر اسدی که در حوزه فناوری اطلاعات و اطلاع رسانی در دانشگاه شاهد تدریس می‌کند، کتاب را یکی از ابزارهای ارتباطی می‌داند و می‌افزاید: «در دانشگاه‌ها از ابزارهای ارتباطی مختلف استفاده می‌شود که کتاب یکی از آنهاست. کتاب در میان دانشجویان کارشناسی تا مقاطع عالی تحصیلی رشته علوم انسانی که طی زمان تغییر چندانی ندارد، جایگاه والا می‌دارد؛ اما در میان دانشجویان رشته‌های مهندسی به ویژه حوزه کامپیوتر که هر روز بر حجم اطلاعاتش افزوده می‌شود، اهمیت خاصی ندارد. این قشر دانشگاهی مرتب به مقالات، مباحث علمی سمینارها و کنفرانس‌های تخصصی مراجعه می‌کنند تا بتوانند از تازه‌ترین اطلاعات روز دنیا مطلع شوند.»

وی در پاسخ به این سوال که «آیا فاصله گرفتن دانشجویان رشته‌های فنی - مهندسی از کتاب و محدود شدن آنها به مقالات، سبب تک بعدی شدن آنها می‌شود؟» می‌گوید: «مقالاتی که در دانشگاه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند، به دو دسته ترویجی و پژوهشی تقسیم می‌شوند. مقالات ترویجی مانند کتاب‌های آموزشی و مرجع‌های دانشگاهی، که موضوعات تخصصی را با نگاهی محدود آموزش می‌دهند و در مجلات عمومی تری مثل nature یا مجلات علمی خودمان مشاهده می‌شوند، اما دانشجویان بیشتر برای انجام تحقیقات علمی به مقالات پژوهشی مراجعه می‌کنند که در آنها مطالب تخصصی بسیار عمیق بررسی می‌شوند و جنبه آموزشی ندارند.



گزارشی از نمایشگاه استانی کتاب زاهدان

رویش گل سرسبد فعالیت‌های فرهنگی در مرزهای شرقی

نمایشگاه‌ها با وجود هزاران عنوان کتاب با موضوعات مختلف با توجه به همین نگاه برگزار شود.

گل سرسبد فعالیت‌های فرهنگی

در بخش دیگری از این مراسم، نورالله برشان، مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان، با اشاره به این که برگزاری نمایشگاه کتاب در سیستان و بلوچستان همواره با استقبال مواجه شده است، گفت: «استقبال پرشور مردم از نمایشگاه باعث شد تا راه‌اندازی نمایشگاه به یک تکلیف فرهنگی تبدیل شود و ما موظف باشیم از دو ماه قبل سازوکار و مقدمات لازم برای برگزاری آن را فراهم کنیم.»

وی در ادامه سخنانش با اشاره به اینکه برگزاری نمایشگاه کتاب، گل سرسبد فعالیت‌های فرهنگی استان است، اظهار داشت: «این نمایشگاه برگزار نشده است، مگر با پشتیبانی مادی و معنوی مسؤولان ملی و استانی.»

برشان همچنین گفت: «برگزاری نمایشگاه‌های استانی کتاب، اهداف مهمی را مدنظر دارد که مهم‌ترین آنها معرفی تازه‌های نشر، توسعه و ترویج فرهنگ کتابخوانی، دسترسی آسان و ارزان به منابع مطالعاتی و تحقیقاتی با پیش‌بینی ۴۰ درصد تخفیف، حمایت از نویسندگان، مترجمان و تمامی دست‌اندرکاران چاپ و نشر کتاب و بالاخره تعامل با اصحاب نشر است.»

وی در ادامه به شاخص‌های مهم آماری در بحث کتاب و کتابخوانی استان اشاره کرد و گفت: «مبلغ ۲ میلیارد و هشتصد میلیون ریال در سال ۸۷ و مبلغ دو میلیارد و پنجاه میلیون ریال در بخش خرید و اهدای کتاب در سال ۸۸ هزینه شده است که به این دو مورد باید تعداد ۲۵ هزار جلد کتاب آماده اهدایی را نیز اضافه کرد. البته تاکنون تعداد ۱۵۸ هزار جلد کتاب به مراکز فرهنگی کتابخانه‌ها، مدارس، مساجد و ... اهدا شده است، چهارده عنوان کتاب خرید حمایتی از مولفان استان صورت گرفته، ۳۷ کتابخانه باز از ابتدای هفته کتاب احداث شده و امسال چهار عنوان کتاب هم توسط این اداره کل، چاپ و منتشر شده‌اند.»

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان سیستان و بلوچستان در ادامه به برگزاری نمایشگاه‌های استانی کتاب پرداخت و گفت: امسال در نمایشگاه کتاب از بن کارت‌های الکترونیکی به جای بن‌های کاغذی استفاده خواهد شد و برای نخستین بار کارت‌های هوشمند وارد چرخه خرید کتاب استان ما شده‌اند. در نمایشگاه کتاب استان زاهدان ۴۰۰ ناشر در ۲۵۰ غرفه حضور داشتند و ۴۰ هزار عنوان کتاب را در معرض نمایش و فروش قرار دادند.



معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اظهار داشت: «با برگزاری این گونه نمایشگاه‌ها شاهد پاسخگویی به نیاز جوانان و نوجوانان خواهیم بود. ما آماده‌ایم اگر دوستانمان در هر استان نیمی از مسیر این راه را طی کنند، طی کردن نیم دیگر را ما برعهده بگیریم و البته اولویت ما استان‌هایی نظیر سیستان و بلوچستانند.»

ضرورت توجه به حساسیت‌ها

در این مراسم همچنین آیت‌الله عباسعلی سلیمانی گفت: «اگر بنا باشد جامعه‌ای ارزیابی شود باید دید کتابخانه‌ها، انتشارات، نویسندگان و مولفان آن جامعه در چه پایگاه و جایگاهی‌اند.»

وی با اشاره به برگزاری مناسب دوازدهمین نمایشگاه کتاب در استان سیستان و بلوچستان گفت: «کتاب‌ها باید با توجه به حساسیت موجود عرضه شوند و این نوع عملکرد، کار آسانی نیست. ممکن است چنین حساسیتی در برخی از استان‌ها وجود نداشته باشد، اما در سیستان و بلوچستان به دلیل وجود افکار و مذاهب متفاوت و مرزی بودن استان، می‌بایست توجه ویژه‌ای به این موضوع وجود داشته باشد و

نویسندگان و شاعران داشتیم، وقتی وارد کتابخانه شدیم برای همه ما بسیار عجیب بود، چرا که جمعیت زیادی در کتابخانه حضور داشتند و اساساً قابل تصور نبود که کتابخانه‌ای تازه تأسیس در قرائتخانه‌اش حتی یک جای خالی هم وجود نداشته باشد.»

دکتر پرویز ادامه داد: «چنین رویکردی از برکات بعضی از مناطق است و دلایل مختلفی دارد، از جمله رویکرد به کتاب و علاقه‌مندی به مطالعه و شرایط ویژه‌ای که در استان برقرار است. اگر امکانات فرهنگی برای جوانان ایجاد شود، آنها علاقه خودشان را بروز می‌دهند، این موضوع وظیفه ما را سنگین می‌کند.»

وی همچنین اظهار داشت: «ما آمادگی همکاری برای برگزاری همایش‌های مختلف فرهنگی در استان را داریم. البته این کار مستلزم برنامه‌ریزی و کمک مسؤولان استان است.» پرویز افزود: «اجازه ندهیم فعالیت‌های فرهنگی تحت تأثیر مسائل غیرفرهنگی تعطیل و جوانان از آنها محروم شوند. ما آمادگی داریم از برگزاری نمایشگاه یاد یار مهربان برای تجهیز کتابخانه‌های مدارس استان‌های مختلف حمایت کنیم.»

تقویم سال ۱۳۸۸ به آخرین برگ‌های خود نزدیک می‌شود و این روزها فرصتی است برای بررسی عملکرد ماه‌های گذشته و برنامه‌ریزی برای سال آینده. موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران نیز در چنین حال و هوایی است. البته مسؤولان از همین مدت کوتاه نیز براساس برنامه‌ریزی‌های از قبل مشخص شده، استفاده می‌کنند تا بتوانند نمایشگاه‌های دیگر کتاب‌رادر اسفندماه برگزار کنند: نمایشگاه‌هایی در قزوین و اصفهان.

قبل از این دو استان، که فاصله نزدیکی با تهران دارند، زاهدان؛ مرکز استان سیستان و بلوچستان میزبان دوازدهمین نمایشگاه استانی کتاب شد تا تعداد این نوع نمایشگاه شکل گرفته توسط موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران به عدد ۱۶۰ برسد.

نکته قابل توجه درباره نمایشگاه‌های برگزار شده کتاب در زاهدان این است که این خطه از کشور بیش از دیگر استان‌ها شاهد شکل‌گیری این رویداد بوده است. حضور حداکثری ناشران در این نمایشگاه و پرمخاطب بودن نمایشگاه کتاب زاهدان نیز از دیگر نکاتی‌اند که آن را با برخی از دیگر نمایشگاه‌های استانی کتاب متمایز می‌کند.

دوازدهمین نمایشگاه کتاب استان سیستان و بلوچستان مانند دوره‌های قبل. این بار نیز در محل نمایشگاه‌های استان برگزار شد و در مراسم افتتاحیه نمایشگاه علاوه بر دکتر محسن پرویز، معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و احسان‌الله حاجتی، مدیرعامل موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران، اغلب مسؤولان استان نیز حضور داشتند.

وظیفه مضاعف در قبال رویکرد مناسب

در این مراسم دکتر محسن پرویز، معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: نمایشگاه کتاب در استان سیستان و بلوچستان به صورت سالانه برگزار می‌شود و استقبال خوبی هم از آن صورت می‌گیرد، با وجود اینکه مردم استان سیستان و بلوچستان از نظر مالی جزو افراد متمکن مردم جامعه ما نیستند و شاید در مقایسه با بسیاری از نواحی دیگر از امکانات کمتری برخوردار باشند. این موضوع وظیفه ما را دوچندان می‌کند.

وی در ادامه گفت: «طی سال‌های برگزاری، نمایشگاه کتاب در استان‌های مختلف در استان سیستان و بلوچستان تنها به جز یکی دو سال و بنا به دلایل غیر فرهنگی، هر سال نمایشگاه برپا شد.» معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در ادامه سخنانش گفت: «حدود هفت، هشت سال قبل در یکی از شهرهای کوچک استان کتابخانه‌ای افتتاح شد و طی بازدیدی که از کتابخانه همراه تعدادی از

نمایشگاه‌های استانی را ترجیح می‌دهیم

باشد. وی گفت: البته این توقع وجود دارد با توجه به بعد مسافت زاهدان تا تهران و کمبودهایی که وجود دارد شاهد شکل‌گیری نمایشگاهی پربارتر و با حضور ناشران مطرح کشور باشیم. رخشانی گفت: وقتی هزینه‌زایدی صرف می‌شود تا چنین نمایشگاهی برگزار شود چه خوب است در خصوص حضور ناشران مطرح و پرکار کشور نظارت و تأکید بیشتری وجود داشته باشد.

وی افزود: متأسفانه برخی از ناشران از فرصت نمایشگاه‌های استانی استفاده می‌کنند تا کتاب‌های به فروش نرفته خود را عرضه کنند. مسئول نشر تفتان در ادامه سخنانش گفت: «برگزاری نمایشگاه برای ناشران بسیار مفید است چرا که با حجم قابل توجه مخاطبین مواجه می‌شوند و می‌توانند کتاب‌های خود را معرفی و عرضه کنند.»

وی در مقایسه نمایشگاه‌های استانی با نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران گفت: «حضور در تهران همراه با هزینه‌های متعدد است که

برگزاری نمایشگاه‌های استانی کتاب نتایج و فواید متعددی دارد که اغلب آنها متوجه مخاطبان است. استفاده از حضور چند صد ناشر در کنار هم، خرید کتاب با تخفیف ۴۰ درصدی، آشنایی با هزاران عنوان کتاب و ... از جمله این نتایج است. اما هم‌زمان با برگزاری نمایشگاه‌های استانی، ناشران محلی و بومی که طی ۳ سال اخیر بیش از ۵۰ عنوان کتاب منتشر کرده باشند نیز از فرصت فراهم شده استفاده می‌کنند و برگزاری نمایشگاه را امکانی برای ادامه فعالیت خود معرفی می‌کنند. برگزاری نمایشگاه کتاب در زاهدان بهانه‌ای شد تا گفت و گویی با دو ناشر از این دیار در خصوص نمایشگاه کتاب و نشر داشته باشیم. محمدتقی رخشانی مسئول نشر تفتان که در زاهدان فعال است برگزاری نمایشگاه کتاب در زاهدان را یکی از مهم‌ترین اتفاقات فرهنگی استان معرفی می‌کند و می‌گوید: نمایشگاه کتاب در تمام این سال‌ها توانسته برطرف کننده نیاز دانشجویان و طلبه‌های علوم دینی و مردم عادی

گاهی می‌بایست ضرر هم بدهیم اما در نمایشگاه استانی با فروش بالای کتاب مواجه می‌شویم که مطلوب نظر ناشران استانی است.»

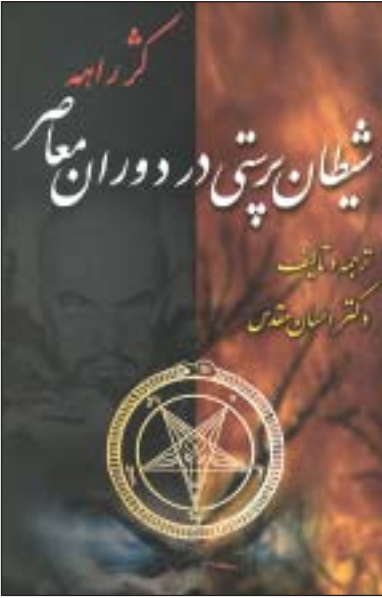
تخفیف، مردم را جذب می‌کند.

صدیقی یکی دیگر از انتشاراتی‌های معروف استان است که در اکثر نمایشگاه‌های استان و حتی نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران حضور داشته است. فقیر محمد نهانی مدیر اجرایی این نشر ضمن اشاره به فعالیت نشر صدیقی از سال ۷۲ در خصوص نمایشگاه کتاب گفت: نمایشگاه‌های کتاب استانی با توجه به تخفیفی که دارند بسیار مورد توجه و علاقه مردم است.

وی گفت: «دانشجویان و طلبه‌های علوم دینی بخش عمده‌ای از مخاطبان نمایشگاه هستند که از چند ماه قبل منتظر برگزاری آن هستند و از این فرصت اغلب کتاب‌های خود را تهیه می‌کنند. نهانی افزود: برگزاری این نمایشگاه آفت‌دهنده مهم است که از تمام شهرهای استان برای خرید کتاب به زاهدان می‌آیند. وی برپایی نمایشگاه را فرصت خوبی برای ناشران معرفی کرد تا کتاب‌های خود را عرضه کنند و با دیگر ناشران کشور نیز تعامل داشته باشند.»

نگاهی به کتاب «کژراهه شیطان پرستی در دوران معاصر»

پرده برداری از چهره مخوف ابلیس



چه آغازی نیکوتر از آن که کتابی با یک آیه شریفه قرآن کریم آغاز شود، آنگاه که خداوند در آیه ۶۰ سوره مبارکه «یس» می فرماید: «ای آدمزادگان! آیا با شما عهد نیستم که شیطان را نپرستید، او دشمن بزرگ شماست؟» به ویژه اگر قرار باشد این کتاب از چهره مخوف شیطان پرستی و شیطان پرستان پرده بردارد.

دکتر احسان مقدم، نویسنده کتاب «کژراهه شیطان پرستی در دوران معاصر» مقدمه اثرش را با آیه بالا شروع می کند و سپس در جملاتی صریح، پرده از ضرورتی برمی دارد که شناخت دقیق شیطان پرستی و شیطان پرستان است و اگر این شناخت دقیق حاصل نشود، احتمال گرفتار آمدن در دام عنکبوتی این گروه ضاله وجود خواهد داشت و توانایی مقابله صحیح و کارآمد با ترغدها و ادله آنان کاهش می یابد.

دکتر مقدم در مقدمه اش می نویسد: «شاید بسیاری در برهه اول گمان کنند، شیطان پرستان، گروهی اند که هیچ تکیه گاه فکری و عقیدتی نداشته و تنها در لذت ها و شهوات دنیوی غرق شده و در عالم بی خبری به سر می برند، اما واقعیت این گونه نیست. زیرا که این گروه دارای اصول عقاید، آیین، اعیاد، آداب و رسوم مذهبی و کتاب مخصوص خود هستند و معابد آنان در آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی و آفریقایی فعالیت می کنند و ساختار پیچیده ای نظیر ساختار مافیا و فراماسونری دارند.»

دکتر مقدم در تلاش است با نگارش این کتاب، مخاطبانش را هر چند اجمالی، با دیدگاه های فکری، فلسفی و عقیدتی این جماعت آشنا کند.

همان طور که انتظار می رود، نگارنده در گام نخست به این پرسش که «شیطان کیست؟» پاسخ می دهد و پس از آن به بررسی پیشینه شیطان پرستی در تاریخ بشر می پردازد.

نکته جالب این که برخلاف برخی تصورها، شیطان پرستی هرگز محصول دنیای مدرنیته نیست،

بلکه این پرستش منحوس، ریشه در مصر باستان و حتی منطقه بین النهرین در دوران بسیار دور دارد. شیطان پرستی در آیین هندوها، گنوسی ها و دنیای غرب، تاریخچه به نسبت کاملی به دست می دهد. اما ریشه های عقیدتی شیطان پرستان کدامند؟ شاید بیان وجه اشتراک گروه های شیطان پرست، تا حدی به این پرسش، جواب بدهد.

دکتر مقدم در این باره می نویسد: «ریشه عقاید آنان را باید در فرهنگ های قدیم دوگانه پرستی (ثنویت)، ادیان اولیه و پرستش رب النوع جست و جو کرد. لذا بسیاری از آداب و رسوم، اعیاد و سمبل های گذشته مورد استفاده این گروه ها قرار گرفته اند... در بررسی دقیق عقاید شیطان پرستان درمی یابیم که این عقاید همچنین در بردارنده رگه هایی از آیین های کهن اقوام آرتک، مایا و برخی از اعتقادات قدیمی سایر اقوام سرخ پوست آمریکایی و همچنین عقاید از بردگان سیاه پوست آفریقایی یورباست که در قرن شانزدهم، هفدهم و هجدهم به عنوان پرده، برای کار در مزارع به ایالات متحده آمریکا و سایر مناطق جهان برده شدند.»

گروه های چهارگانه شیطان پرستان، یک دسته بندی کلی از افراد این گروه هاست که نگارنده بیشتر سعی دارد به دلیل تشابه رفتاری و عقیدتی، آنها را در یک گروه خاص قرار دهد؛ گروه هایی که از نوجوانان تحت تأثیر روش زندگی شیطان پرستان آغاز می شود و با معرفی خطرناک ترین آنها پایان می یابد. دسته ای که ساختاری شبیه ساختار مافیا دارند و ضمن فعالیت در اغلب نقاط دنیا، در کار قتل و آدم ربایی تخصص کافی کسب کرده اند.

آنتوان شنزداز لاوی؛ فردی است که طبق شواهد ارائه شده توسط دکتر مقدم در سال ۱۹۶۶ میلادی، نخستین معبد رسمی شیطان پرستان را در آمریکا تاسیس کرد. نگارنده کتاب بعد از این که از مواردی نظیر پلاک، گردن بند، برچسب پیراهن، گوشواره و حتی مدل لباس و مو به عنوان سمبل های اعتقادی

شیطان پرستان نام می برد، در جملاتی قابل تأمل، می نویسد: «پوشیدن لباس های بلند چرمی به رنگ مشکی که اخیراً در بین جوانان شایع شده است و همچنین اصلاح موی سر به شکل افشان و ژولیده در بین پسران جوان و نیز استفاده از رژ لب یا لاک مشکی بین دختران جوان، همه و همه سمبل های شیطان پرستی در جهان غرب به شمار می رود.»

فصل نخست کتاب با نگارش چنین جملاتی به پایان می رسد و فصل دوم کتاب که سه چهارم اثر را به خود اختصاص می دهد، با معرفی گسترده آنتوان شنزداز لاوی از ابتدای تولد تا مرگ و همچنین شرح تمامی زندگانی، عقاید و فعالیت های وی، شروع می شود و سپس به بیان اصول عقاید شیطان پرستان، قوانین آنها و فلسفه شیطان پرستی می پردازد.

این کتاب را می توان در زمره کتاب های حوزه اطلاع رسانی و نه تحلیلی، دسته بندی کرد که البته این موضوع، نقطه ضعفی برای آن به شمار نمی رود، بلکه مخاطب را تشنه مطالعه هرچه بیشتر برای آشنایی و در نهایت پرهیز از این گروه های ضاله می کند.

دکتر مقدم در بخشی با عنوان نحوه تبلیغ و عضوگیری در آیین شیطان پرستی، دو مرحله «آشنایی» و «دعوت» را تشریح می کند.

پاراگرافی از مرحله «دعوت» به این سوال اساسی پاسخ می دهد که چرا شیطان پرستان به ندرت در بحث های مستدل عقیدتی شرکت می کنند.

نگارنده در این پاراگراف می نویسد: «از موارد جالب و قابل تأمل در این روش این است که رهبران و پیروان این آیین به هیچ وجه حاضر به مناظره یا گفت و گو نبوده و معتقدند که شیطان در ماهیت فردی خودرأی بوده و حاضر نشده برای کسی سر خم کند. از این رو، پیروان وی نیز باید افرادی خودرأی و مستبد باشند و اجازه ندارند که درباره حقانیت و یا باطل بودن آیین خود با دیگران بحث و جدل نمایند.»

با دکتر مقدم درباره «کژراهه: شیطان پرستی در دنیای معاصر»

تجلیات بیرونی، گام نخست در جاده انحراف

مهرداد مهاجری

وی به تشریح دلایل رشد آیین در غرب اشاره می کند و می گوید: «یکی از دلایل، ضعف مدیریت مذهبی جامعه توسط آیین کاتولیک است. این شاخه از مسیحیت دیدگاه ها و آموزه هایی سودجویانه و غیرالهی نظیر خرید و فروش بهشت و جهنم و تسلیم محض ایشان در برابر دین و رهبران آن را ترویج می کرد که البته سبب شکل گیری مذهب پروتستان شد. انحرافات کشیشان و ناتوانی آنان در پاسخ به نیازهای جوانان در سال های دور، زمینه ساز رشد و پرورش چنین نحله های فکری شد.»

مقدس ادامه می دهد: «به اعتقاد آنان زندگی در همین دنیا خلاصه می شود و بهشت و جهنم برای فریب مردم از سوی رهبران کلیسا ابداع شده اند. هرچه هست همین دنیاست، بنابراین انسان تا زنده است، باید لذت های آن را به خود بچشاند. پیروان این آیین به شدت به انتقام معتقدند و بر این عقیده اند



که اگر کسی به تو ضربه زد، پاسخش را با ضربه ای محکم تر بده؛ درست برخلاف نظر مسیح (ع) که معتقد بود «اگر کسی به صورت تو سیلی زد، روی دیگر را پیش آور.» بنابراین مفهومی به نام بخشش به هیچ عنوان در مرام آنها راه ندارد.

مقدس یکی از انگیزه های تألیف این اثر اطلاع رسانی به جامعه به ویژه جوانان می داند و می گوید: «متأسفانه ظهور آیین انحرافی در جوامع اسلامی نظیر ترکیه، مصر و ایران در سال های اخیر مشاهده شده است. به همین دلیل هدف این کتاب آگاه ساختن

جامعه و هشدار به آنان درباره گسترش این فرقه است. یکی از دلایل گسترش آیین را می توان مقلد بیگانه بودن برخی از جوانان دانست. این قشر بدون توجه به ریشه ها و نحله های فکری برخی رفتارها و مدها، اقدام به تبعیت از آنها می کنند. برخی مدل های لباس یا آرایش مو که نادانسته از سوی آنان استفاده می شود،

ریشه در عقاید انحرافی نظیر آیین شیطان پرستی دارد. همین روش یکی از راه های جذب افراد جدید به پیروان این فرقه است. به این ترتیب که ابتدا به ظواهر و تجلیات بیرونی تفکر آنان نظیر آرایش و نحوه لباس پوشیدن شان جذب و سپس به آشنایی با عقاید و جهان بینی آنها علاقه مند می شوند.»

وی همچنین به شیوه های پیشنهادی این اثر برای پیشگیری از گسترش آیین در ایران اشاره می کند و می گوید: «اطلاع رسانی شفاف و آگاه کردن قشر جوان، کمترین کاری است که می توان در این زمینه انجام داد. اشاره به مضرات این انحرافات در سخنرانی های مذهبی ویژه دانش آموزان و دانشجویان، نگارش کتاب های متعدد تحلیلی و تخصصی درباره ریشه های فکری آیین، ساختن برنامه های تلویزیونی و رادیویی، تحلیل این دیدگاه ها در نشریات و فیلتر کردن سایت های آیین به زبان های غیرفارسی (البته برای پژوهشگران باید در استفاده از سایت های آنان تسهیلاتی در نظر گرفته شود) برخی از راهکارهای پیشگیری از گسترش آیین گونه فرقه های انحرافی است.»

مقدم در پایان می گوید: «این انحرافات در جامعه ما در حال پیشروی، به ویژه در میان نسل جوان است و اگر چاره ای برای آن اندیشیده نشود، نسل آینده ما را نخواهند بخشید. این کتاب نیز می کوشد تا این هدف را محقق سازد.»



یگانه وصالی

گفت و گو با دارن شان

برای پول نمی نویسم

«دارن شان» نویسنده پر فروش ژانر وحشت برای نوجوانان، با نام واقعی «دارن اوشانسی»، نویسنده محبوب مجموعه‌های «افسانه‌های دارن شان» و «دموناتا» است. او در کتاب‌هایش خون آشام‌ها و شیاطین را به تصویر می‌کشد و آثار او با استقبال خوبی از سوی نوجوانان رو به رو شده است. همچنین این نویسنده سی و هفت ساله، به تازگی فیلمی به نام «کریک دو فریک: دستیار خون آشام» را روی پرده سینما برده است که آن هم با استقبال خوبی رو به رو شد. «دارن شان» در لندن به دنیا آمده و در سه سالگی به ایرلند نقل مکان کرده است. نخستین رمانش را در هفده سالگی نوشت و حالا در سی و هفت سالگی، دهمین و آخرین کتاب از مجموعه «دموناتا»، «قهرمانان جهنم» را منتشر کرده است. مایکل مریلو که یکی از طرفداران آثار اوست به پرسش و پاسخی با او نشست و بعد پرسیدن یک سری سوالات شخصی، درباره اینکه چرا داستان خون آشام‌ها هنوز هم محبوب است. این گفت و گو در وبلاگ شخصی دارن شان آمده است.

با ارزش ترین و مهمترین دستاورد شما چه بوده است؟

جان سالم به در بردنم از خطرات، علاوه بر پر کار بودن و سخت کوش بودنم.

داستان‌های شما آنقدر تاثیر گذار هستند که به گفته بعضی بعد از خواندنشان ممکن است به خوانندگان هم بیایند. شما خودتان این موضوع را قبول دارید؟

اگر داستانی تا خواب دنبال شما بیاید، پس باید داستان خیلی خوبی باشد. من واقعا خوشحالم که کتاب‌هایم مثل کابوس پا به خانه و خواب‌های خوانندگان کتاب‌هایم می‌گذارند. این قسمتی از آن انگیزه‌ای است که شما به خاطرش کتاب‌های وحشت‌انگیز می‌خوانید، این طور نیست؟ می‌خواهید حسابی خودتان را بترسانید. من در نوجوانی‌ام به ندرت کابوس می‌دیدم، اما وقتی کودک خردسالی بودم خیلی کابوس می‌دیدم و به جرات می‌توانم بگویم که خیلی از دیدن آنها هم خوشحال می‌شدم. گاهی اوقات که کابوسی در خواب می‌دیدم و ناگهان از خواب می‌پریدم، سعی می‌کردم دوباره بخوابم تا بقیه‌اش را ببینم و بفهمم آخرش چه می‌شود.

خودتان چطور؟ وقتی در حال نوشتن یکی از داستان‌های وحشتناک‌تان هستید، نمی‌ترسید؟ بعد از آن چطور؟ به آن زیاد فکر می‌کنید؟

نه من خودم اصلا از آنها نمی‌ترسم. گاهی وقت‌ها می‌شود که شدیداً سرگرم نوشتن ترسناک‌ترین قسمت داستان و تصویر کردن بخشی به واقع وحشت‌انگیز باشم و ممکن است تادم دم‌های صبح هم برای نوشتن وقت بگذارم، اما به محض تمام شدنش، آن قسمت از سرم بیرون می‌رود و من هم می‌روم و برای خودم کارتون نگاه می‌کنم.

می‌دانید که مخاطبان از هر گروه سنی علاقه شدیدی به داستان خون آشام‌ها دارند و همه مردم چه پیر، چه جوان و چه کودک آنها را جذاب توصیف می‌کنند. به عقیده شما، این چه نوع از کاراکترهای خون‌آشامی است که چنین بازتابی در میان مخاطبان را موجب می‌شود؟

خون‌آشام‌ها خیلی جالب هستند، یا به گمانم به زبان عامیانه تر خیلی «باحال» هستند. می‌شد خیلی پیچیده تر و با اطناب بیشتر آنها را توصیف کرد و درباره شان حرف زد، ولی دست آخر به این جمله می‌رسیم که «همین طور که هستند، خیلی جالبند، نه؟» ببینید، ما هم از آنها می‌ترسیم و هم به آنها حسودی می‌کنیم. در دنیای تخیلات ما جهانی بسیار جذاب‌تر و هیجان‌انگیز است، در واقع جهانی پر از زندگی شبانه، خون میکیدن و خون آشام‌های انسان‌نما.

بسیاری بر این باورند که دراکولا «برام استوکر» سنگ بنای تصویر یا شاکله خون‌آشام معاصر است، و من معتقدم که این به خاطر محبوبیت آثار استوکر

است، چرا که خون‌آشام‌های دیگری نیز قبلاً خلق شده بودند و ما از خیلی پیشتر داستان دراکولا را داشتیم، اما محبوبیتی آن‌چنانی در مقایسه با خون‌آشام استوکر ندارند. می‌خواستیم بدانم که در آثار خود شما و در خلق آثار خون‌آشام از کدام یک از این خون‌آشام‌های نام برده تاثیر بیشتری گرفته‌اید و چرا این گونه بوده است؟

به نظر من هر کتاب خون‌آشامی مدرن (که عبارت است از هر اثر این چنینی که از اوایل قرن بیستم به این طرف نوشته شده است) از دراکولایی که «استوکر» خالق آن است، سرچشمه گرفته و تاثیر پذیرفته است. در صورتی که خون‌آشام‌ها به هیچ وجه کاراکترهای تازه خلق شده توسط خود استوکر نبودند. اما گونه‌ای از خون‌آشام که او در آثارش خلق کرده، تخیل خواننده را به کار گرفته و به خوبی در میان مردم جا باز کرده است. بسیاری از نویسندگان تا به حال، از قوانین موجود در کتاب استوکر تخطی کرده‌اند، و از قرار دادن آنان در آثار خود سر باز زده‌اند، (به‌ویژه قانون نور آفتاب و تاثیرش بر خون‌آشام، که خودتان می‌دانید بر اساس آن خون‌آشام‌ها به محض اینکه در معرض آن قرار بگیرند می‌میرند). اما قوانین اساسی دیگری هم هستند که به جرات می‌توان گفت در همه آثار مدرن نفوذ کرده‌اند و بی‌توجهی و کنار زدن آنان تقریباً امکان‌ناپذیر است. حتی اگر نویسنده‌ای بخواهد به طریق دیگری، به پردازش خون‌آشامش بپردازد، همانطور که من پرداخته‌ام، یا اینکه بخواهد کاراکترهای خون‌آشامی را به وضعیتشان پیش از خلق دراکولای «استوکر» بازگرداند، همان طور که «مارگوس سرجویک» در کتابش با عنوان «دست خنجرین من آواز می‌خواند» کرد. باید بگویم که همه ما به عنوان نویسندگان این ژانر بر اهمیت اثر استوکر صحنه می‌گذاریم. اما گاهی خودخواسته مسیر کارهایمان را نسبت به او تغییر می‌دهیم. در حقیقت به نوعی خون‌آشام‌هایمان را خودمان هر طور که بخواهیم، ساخته و پرداخته می‌کنیم.

آیا معتقدید که خواندن و واقف بودن بر ریشه‌های ادبیات خون‌آشامی مانند «دراکولا» برای مخاطبان قرن بیستم و یکم، بدین گونه در داستان‌ها حائز اهمیت زیادی است یا اینکه فکر می‌کنید که سبب و تصویر خون‌آشام آنقدر در این سال‌های متمادی دستخوش تغییر شده که نیازی به بازخوانی آثار کلاسیک خون‌آشامی نیست و مخاطبان امروزی باید با خواندن ادبیات معاصر خون‌آشامی، مثل آثار شما، به دانشی از کاراکتر خون‌آشام برسند؟

خون‌آشام‌ها مخلوقاتی و برای فیلم‌های دنباله دار «گرگ و میش» هستند. آنها حتی و برای کتاب‌های من هستند. حتی گاهی فکر می‌کنم که آنها در حصار شخصیت دراکولا نمی‌گنجند و از عظمتی بیشتر برخوردارند. من گمان می‌کنم هیچ نویسنده‌ای از این



قدرت برخوردار نیست و نمی‌تواند باز تعریفی از خون‌آشام‌ها ارائه کند که جامعه و مخاطبان مفاهیم ذهنی قبلی‌شان را به کناری بگذارد و تعریف جدیدی را در دست و بدون چون و چرا قبول کنند. ببینید در حقیقت، شما به عنوان یک نویسنده در جستجوی راه تازه‌ای هستید که خون‌آشامان را جدید، قابل باور و زنده خلق کنید، و اگر خیلی از دیگر نویسندگان هم ژانرتان خوش شانس تر باشید، مخاطبان کار شما را جذاب و خواندنی تر خواهند یافت. ولی در آخر کار این خون‌آشام‌ها هستند که از همه ما موفق ترند. اخیراً یکی از کتاب‌های خون‌آشامی شما، اگر چه به صورت اقتباس آزاد، به صورت یک فیلم سینمایی روی پرده سینماها رفته است. معتقدید که ساختن فیلم یا اقتباس از یک اثر ادبی راه موثری برای تبلیغ داستان‌های بلندتان به مخاطب فرارگیر است؟ و اینکه آیا دلیل خاصی وجود داشته که شما اجازه اقتباس سینمایی از اثرتان را داده‌اید؟

به نظر من فیلم‌های سینمایی واژگان و الفاظ را در سطحی وسیع تر پراکنده می‌کنند. در واقع مخاطبانی را فراهم می‌کنند که شما به عنوان یک نویسنده به آنان دسترسی ندارید. حتی فیلمی که از لحاظ تجاری موفقیت چندانی کسب نمی‌کند در مقایسه با کتابی که بسیار هم پر فروش و موفق به لحاظ تجاری است، مخاطبان بسیار بیشتری هم دارد. فیلم‌های سینمایی نقش بسیار مهمی در زنده نگه داشتن خون‌آشام‌ها و تثبیت آنها در ذهن رسانه‌ها و جامعه دارند. می‌توان این گونه بحث را ادامه داد که نویسندگان سهم مهمتری در خلق و جوه جذاب خون‌آشام‌ها در مقایسه با فیلمسازان داشته‌اند. اما نمی‌توان این واقعیت را کتمان کرد که اگر جذابیت ایجاد شده توسط این فیلمسازان نبود، قاعدتاً ناشران هم علاقه‌ای به دادن پول به ما نویسندگان، برای کار و پردازش خون‌آشام‌های متفاوت نمی‌داشتند. معتقدم که یک اقتباس سینمایی تبلیغ بسیار موثری برای یک نویسنده به حساب می‌آید، و به همین دلیل است که اجازه دادم کتاب‌هایم به صورت آثار سینمایی دربیانند؛ چرا که می‌خواستم مخاطبان بیشتری را به داستان‌هایم و خواندن کتاب‌هایم علاقه مند کنم.

موقع نوشتن به درآمدی که از این کار عایدتان می‌شود فکر می‌کنید و اینکه آیا این فکر باعث ایجاد انگیزه در شما برای نوشتن می‌شود؟

پول نمی‌تواند عاملی انگیزه دهنده باشد، بلکه هدف شما باید نوشتن بهترین کتاب ممکن باشد. به هر حال، چیزی که من در خودم به آن اطمینان دارم این است که من از آن دسته نویسندگانی نیستم که وقت را به بطالت بگذرانم و به چیزهایی فکر کنم که واقعا ارزش اندیشیدن ندارند و همیشه نگران این باشم که در آینده چه کار باید بکنم

خون آشام‌های مهربان برای بچه‌های امروزی

از پا درآمده و دارن موفق به نجات او (دوست دارن در «دستیار یک شیخ») می‌شود.

آداب خون آشام

«کوهستان شیخ»، «آزمون‌های مرگ» و «شاهزاده اشباح» داستان‌های سه‌گانه دوم از مجموعه «قصه‌های سرزمین اشباح» را تشکیل می‌دهند. در سه‌گانه دوم خواننده به کلی از زندگی معمولی رها شده و وارد دنیای خون آشام‌ها می‌شود. با پرداخت عمیق‌تر داستان‌ها به ویژگی‌های متضاد درونی و شخصیتی هر یک از خون آشام‌ها، اعتقادات و باورهای آنها درباره مسائل مهمی چون مرگ، زندگی و معیارهای تمایز شان بین نیکی و شر بازگو می‌شود. «دین» موضوع اصلی این سه‌گانه است و در مقایسه با سه‌گانه قبلی نویسنده سعی می‌کند در این مجموعه نگاه تازه‌ای به زندگی خون آشام‌ها ارائه داده و مخاطب را با چهره مهربان و لطیف خون آشام‌ها آشنا کند. دارن شان نیز در این سه‌گانه نسبت به گذشته تعارضاتش با زندگی گذشته را کاملاً پشت سر گذاشته است و با شرایط نفرت‌انگیز زندگی خون آشامی کاملاً راحت کنار می‌آید.

در جلد نخست سه‌گانه که «کوهستان شیخ» نام دارد، دارن و کرپسلی از کوهی بالا رفته و پس از طی مسیری صعب‌العبور به خرسی آلوده به خون و امپانزی برخورد می‌کنند و سرانجام با همراهی تعدادی گرگ که از دوستان خون آشام‌ها به حساب می‌آیند موفق به کشتن خرس عظیم‌الجثه می‌شوند. پس از رسیدن به کوه خون آشام‌ها دارن با آرا سیلز (همسر پیشین کرپسلی)، وانز بلین، سبا نیل و کوردا سمالت آشنا می‌شود. در «آزمون‌های مرگ» دارن شان باید با طی کردن چهار مرحله، شامل آب، نيزه، آتش و گرازهای وحشی، توانایی خود را برای تبدیل به خون آشام شدن به اثبات برساند. سرانجام پس از ناکام ماندن شان در مرحله چهارم به کمک کوردا و گاورن موفق به فرار از مرگ می‌شود، اما در ادامه ماجرا به خیانت کوردا و همدستی او با امپانزی‌ها پی می‌برد و در «شاهزاده اشباح» همراه با دو گرگ نگهبان به نام رودی و استیک به سوی کوه خون آشام‌ها باز می‌گردد تا با آگاه‌ساختن شاهزادگان از خیانت کوردا از شاهزاده شدن او جلوگیری کند.

در این دو مجموعه قهرمان داستان همراه با مرشدی به نام کرپسلی مسیری می‌پیماید که شخصیت‌های اکثر داستان‌های تخیلی آن را طی کرده‌اند. به‌طور خلاصه او با یک راهنما (کرپسلی) آشنا شده، وارد دنیای جدیدی می‌شود و به رازی پی می‌برد.

نبرد خون آشام

«شکارچیان غروب»، «همدستان شب» و «قاتلان سحر» سه داستان سه‌گانه سوم «قصه‌های سرزمین اشباح» را تشکیل می‌دهند. سه‌گانه سوم درباره جنگ بین خون آشام‌ها و امپانزی‌هاست. در داستان «شکارچیان غروب» دارن شان همراه با کرپسلی و خون آشام جدیدی به نام وانچا مارچ برای نجات خون آشام‌ها مأموریت می‌یابند ارباب و امپانزی‌ها را بکشند، آنها پس از عملیاتی سری حمله‌ای را آغاز می‌کنند، اما وانچا پس از پی بردن به آن که یکی از امپانزی‌ها برادرش است، او را همراه با خدمتکارش فراری می‌دهد. اما سپس می‌فهمند خدمتکار قلابی در واقع ارباب و امپانزی‌ها بوده است.

دارن در داستان «همدستان شب» برخی از دوستان قدیمی خود در داستان‌های پیشین را بازیافته، اما سرانجام درمی‌یابد که دوست قدیمی او استیو لئونارد همدست و امپانزی‌هاست و بالاخره در «قاتلان سحر» دارن درمی‌یابد استیو نه تنها یک نیمه امپانزی نیست، بلکه خود ارباب و امپانزی‌هاست و برای نجات خون آشام‌ها تنها باید او را از بین ببرد.



داستان، دارن همواره به سوی آینده‌ای نامعلوم قدم برمی‌دارد که شیوه‌ای نامتعارف از تکوین فیزیکی و روانی یک انسان معمولی را برای او رقم می‌زند.

او دستیار خون آشامی به نام لارتن کرپسلی می‌شود و کرپسلی او را به یک نیمه خون آشام مبدل می‌کند. در داستان نخست سه‌گانه دارن در برابر نجات جان بهترین دوستش، استیو لئونارد، حاضر می‌شود تا کرپسلی او را به یک نیمه خون آشام بدل کند. اما کرپسلی در «دستیار یک شیخ» متوجه تنهایی دارن شده و او را دستیار خود می‌کند. دارن به‌رغم کسب توانایی‌هایی بالاتر از یک انسان معمولی، همچنان از آشامیدن خون انسان خودداری می‌کند، ولی در پایان داستان با آشامیدن خون پسرپی به نام سم گرسنت تبدیل به دوست و همراه لارتن کرپسلی می‌شود. با سفر کرپسلی و دارن شان به شهر زادگاه کرپسلی در داستان «دخمه خونینی»، دارن با یک «امپانزی» به نام مورلف برخورد می‌کند که تاکنون پس از کشتن بسیاری از انسان‌ها اجساد آنها را در اطراف شهر رها کرده است. و امپانزی‌ها و وحشیانی هستند که از دشمنان خون آشام‌ها به‌شمار می‌آیند. در این مبارزه تازه که منجر به رویارویی کرپسلی و مورف می‌شود، مورف

چرا خون آشام‌های مهربان؟

خون آشام‌های داستان‌های شان با خون آشام‌هایی که در فرهنگ عامه از آنها یاد می‌شود متفاوتند. آنها مثل مردم عادی زندگی می‌کنند و لزوماً هم موجودات بدی نیستند. در داستان‌های خون آشامی معمولاً خون آشام‌ها خون را از گردن قربانیانشان می‌گیرند اما در داستان‌های شان آنها بخشی از بدن قربانی را زخمی کرده کمی از خون او را می‌مکنند و بعد با بزاق خود زخم را ترمیم می‌کنند. دشمنان آنها که امپانزی‌ها نام دارند خون آشام‌هایی هستند که قربانیان خود را کشته و تمام خون آنها را می‌خورند. خون آشام‌ها با خوردن خون قربانیان بخشی از خاطرات آنها را نیز از آنها گرفته و به خود منتقل می‌کنند. برخلاف داستان‌های قدیمی، خون آشام‌های «دارن شان» دندان‌های نیش بزرگی ندارند و برای زخمی کردن قربانیانشان از ناخن‌های تیزشان استفاده می‌کنند، ناخن‌هایی که به آنها کمک می‌کند مثل عنکبوت به دیوارها چسبیده و از آنها بالا بروند. برخلاف خون آشام‌های داستان‌های قدیمی، آنها با قرار گرفتن در نور خورشید از بین نمی‌روند هرچند قرار گرفتن زیاد در معرض نور مستقیم خورشید می‌تواند آنها را آزار دهد. سیر، اشیا فقرای، کتاب مقدس و صلیب نیز باعث ترس آنها نمی‌شود و تنها با تماس خون نوک انگشت یک خون آشام با یک فرد عادی است که آن فرد به خون آشام تبدیل می‌شود.

خون آشام‌های شان نامیرا نیستند، بلکه سرعت پیرشدنشان از سرعت پیر شدن آدم‌های عادی کمتر است. بازتاب تصویر خون آشام‌ها در آینه دیده می‌شود و آنها سایه هم دارند، اما تصاویرشان در عکس‌ها دیده نمی‌شود. دنیای خون آشام‌های «شان» نیز دنیای جالبی است که در آن افراد با احترام، غرور و پایبندی به سنت با یکدیگر تعامل می‌کنند.

در دنیای خون آشام‌ها سلسله مراتب با سختگیری زیادی رعایت می‌شود و خون آشام‌های قدرتمندتر کاملاً بر ضعیف‌ترها مسلطند، هرچند قوی‌ترها همیشه با احترام با بقیه رفتار می‌کنند. آنها به سبک قدیمی زندگی می‌کنند و انسان‌ها را نژاد پست‌تری می‌دانند اما به زندگی آنها احترام گذاشته و گاهی نیز با آنها دوست می‌شوند.

اسمیت، جایزه ادبیات کودکان انجمن خوانندگان آمریکا، جایزه کتاب منتخب والدین در آمریکا و جایزه ادبی وایومینگ را از آن خود کند. کتاب دوم و هشتم حماسه دارن شان نیز موفق به ثبت چنین موفقیت قابل توجهی شوند. «حماسه دارن شان» در ایران توسط انتشارات قدیانی در مجموعه کتاب‌های بنفشه این انتشارات به نام «قصه‌های سرزمین اشباح» منتشر شده است و پس از انتشار سلسله داستان‌های این مجموعه، طرفداران دارن شان در ایران سایتی به زبان فارسی در فضای مجازی به راه انداختند و به تبادل تازه‌ترین اخبار، مقالات و گفت‌وگو درباره آثار دارن شان می‌پردازند. جست‌وجوی نام «دارن شان» به فارسی در فضای اینترنت نشان می‌دهد که نوجوانان فارسی زبان علاوه بر این سایت، در وبلاگ‌ها و وب‌سایت‌های مختلفی به تبادل نظر درباره داستان‌های این نویسنده می‌پردازند و حتی برخی از آثار او را می‌توان از اینترنت دریافت کرد که این نشان از اقبال این نویسنده در میان کودکان و نوجوانان ایرانی دارد. قصه قهرمان حماسه دارن شان و تبدیل او از کودکی معمولی به قهرمانی مبارزه‌بار ارباب سایه‌ها در ۱۲ داستان «قصه‌های سرزمین اشباح» دنبال می‌شود. چهار سه‌گانه «خون آشام»، «آداب خون آشام»، «نبرد خون آشام» و «سرنوشت خون آشام» این مجموعه دوازده‌گانه را تشکیل می‌دهند.

«خون خون آشام»

نخستین جلد این سه‌گانه به نام «سیرک عجایب» در ژانویه ۲۰۰۰ به بازار آمد و با انتشار «دستیار یک شیخ» و «دخمه خونین» سه‌گانه اول به پایان رسید. در جلد نخست این مجموعه پسر بچه‌ای به نام دارن شان به تدریج از زندگی معمولی جدا شده و سعی می‌کند خود را با زندگی تازه‌ای در دنیای خون آشام‌ها تطبیق دهد. در این اثر ضمن معرفی ویژگی‌های شخصیتی قهرمان داستان به سوالاتی از قبیل این که چرا دارن شان تبدیل به یک نیمه خون آشام شده، یا آن که برای حفظ دوستان خوب گذشته‌اش مجبور به ترک چه چیزهایی است، پاسخ داده می‌شود. در دو جلد بعدی با پرداخت عمیق‌تر به جزئیات داستانی، قصه مبارزه دارن شان با دنیای گذشته و چگونگی رهایی از آن بازگو می‌شود. در این راه دارن شان مجبور به پذیرفتن اوضاعی می‌شود که هر یک از دوستان یا اطرافیان او هرگز زیر بار چنین چیزی نمی‌روند اما با پیشروی

با انتشار مجموعه ۱۲ جلدی «قصه‌های سرزمین اشباح» نویسنده‌ای انگلیسی به نام دارن شان قصه‌ای تازه و پرطرفدار به گنجینه جذاب ادبیات پریان و اشباح اضافه کرد و تبدیل به یکی از پرطرفدارترین نویسندگان معاصر جهان شد. اما به‌رغم همان بودن نویسنده و قهرمان خون آشام قصه، نویسنده چنین شباهتی را تنها یک شباهت اسمی قلمداد می‌کند و در گوشه و کنار همواره تأکید بر آن دارد که او در عالم واقع هرگز یک خون آشام نیست! پس دارن شان واقعی کیست؟

دارن اوشانزی، نویسنده انگلیسی متولد ۱۹۷۲ در لندن، از سن ۶ سالگی همراه با خانواده به ایرلند نقل مکان می‌کند و امروز در همه جای دنیا به عنوان نویسنده‌ای ایرلندی شناخته می‌شود. شهرت دارن شان، و امدار انتشار دو مجموعه داستان به نام «حماسه دارن شان» (در ایران «قصه‌های سرزمین اشباح») و «دموناتا» در حوزه ادبیات کودک و نوجوان است. آثار این نویسنده تاکنون با سه نام مختلف اما کمابیش مشابه به امضا رسیده‌اند. نخستین رمان او «آیومارکا» سال ۱۹۹۹ میلادی با نام دارن اوشانزی و نه با نام مستعار «دارن شان» و به وسیله نشر «اوربون» به بازار آمد، اما موفقیت چندانی کسب نکرد. «افق‌های جهنم» اثر بعدی این نویسنده به‌رغم آن که از سوی منتقدان بیش از رمان اول مورد استقبال قرار گرفت اما فروش قابل قبولی را در بازار تجربه نکرد.

اما این نویسنده صبور انگلیسی بار دیگر توانست در فوریه سال ۲۰۰۰ داستانی به نام «سیرک عجایب» روانه بازار کند. او این بار برای کودکان و نوجوانان قلم زد و کتابش با استقبال انبوهی از سوی نوجوانان مواجه شد. این داستان گام نخست انتشار مجموعه‌ای از ۱۲ داستان به نام «حماسه دارن شان» بود که تا سال ۲۰۰۶، یکی پس از دیگری قصه‌های دارن شان در مبارزه با امپانزی‌ها و ارباب سایه‌ها را روایت می‌کردند.

«حماسه دارن شان» مجموعه‌ای ۱۲ جلدی است که از چهار سه‌گانه به نام‌های «خون آشام»، «آداب خون آشام»، «نبرد خون آشام» و «سرنوشت خون آشام» تشکیل شده است. نویسنده در هر یک از مجموعه‌های داستانی‌اش مرحله‌ای از رشد و تکوین درونی و بیرونی خون آشامی به نام دارن شان را دنبال می‌کند.

پس از موفقیت خیره‌کننده «حماسه دارن شان» و ترجمه آن به ده‌ها زبان در دنیا، در ماه مارس ۲۰۰۸ دارن شان رمان‌های ناموفق گذشته را بازنویسی کلی در قالب سه‌گانه‌ای به نام «سه‌گانه شهر» با نام دیگری به نام دی.بی.بی. شان در دسترس خوانندگان بزرگسال قرار داد. او پس از بازنویسی «آیومارکا» آن را با نام تازه «تشیب مرده» منتشر کرد و «افق‌های جهنم» را در ادامه رمان قبلی در مارس ۲۰۰۹ به چاپ رساند. سومین رمان «سه‌گانه شهر» مارس ۲۰۱۰ به نام «شهر مارها» به بازار خواهد آمد. موفقیت «حماسه دارن شان» از مرزهای ادبیات فراتر رفته و به سینما نیز راه پیدا کرد. استودیو فیلمسازی «یونیورسال» حقوق «خون آشام» (سه‌گانه اول حماسه دارن شان) را خریداری کرد و فیلمی به نام «دستیار یک شیخ» را ماه اکتبر ۲۰۰۹ به اکران گذاشت. پل وایتز، کارگردان فیلم است و به گفته او در صورت موفقیت فیلم، سه فیلم از سه‌گانه دیگر دارن شان نیز ساخته خواهند شد.

آثار دارن شان موفق به دریافت جوایز ادبی متعددی در انگلستان و آمریکا شده‌اند. داستان‌های مجموعه «دموناتا» جوایزی چون برکشایر، لنکشایر، جایزه ادبی لیدز و جایزه ادبیات کودک ایرلند را به خود اختصاص دادند و داستان «سیرک عجایب» (جلد نخست حماسه دارن شان) از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ به تنهایی موفق به دریافت پنج جایزه ادبی شد. این کتاب توانست جایزه ادبیات کودک شفیلد، جایزه کتاب کودکان دبلیو.اچ.



به عقیده بسیاری از کارشناسان و منتقدان هنر، کتاب ماه هنر در طول حدود ۱۴۰ شماره‌ای که توسط مؤسسه خانه کتاب ایران منتشر شده، همواره روند رو به رشدی را طی کرده است، به گونه‌ای که بسیاری از مراکز علمی دانشگاهی، از این نشریه به عنوان یک منبع و مرجع در این عرصه بهره می‌برند. این روند رو به جلو، در طول چهار سالی که دکتر محمد خزایی، سردبیر کتاب ماه هنر بوده همچنان حفظ شده و حتی به گونه‌ای تخصصی تر هم شده است. خزایی که استاد دانشگاه تربیت مدرس است در متنی که پیش روی شماست، درباره خط مشی، دستاوردها و اهداف نشریه سخن گفته است. او یکی از دستاوردهای کتاب ماه هنر را در توجه قشر دانشگاهی به آن می‌داند.

کتاب ماه هنر در گفت و گو با دکتر محمد خزایی

به همه هنرها توجه می‌کنیم

دریافت مطلب به سختی انجام می‌شود. البته به طور کلی من این نقیصه را قبول دارم و امیدوارم که بتوانیم آن را به زودی مرتفع کنیم. البته ما برای سال آینده برنامه‌ریزی‌هایی کرده‌ایم تا این مساله اتفاق بیفتد. استفاده از چهره‌های دانشگاهی بهره‌های فراوانی برای یک نشریه تخصصی دارد. اما به هر حال روزنامه‌نگاری کاری است که تخصص‌های ویژه خود را می‌طلبد. شما برای آنکه از مطالب دانشگاهیان بهره ببرید، از چه تمهیداتی استفاده می‌کنید؟

مادر ابتدای نشریه، شیوه‌نامه‌ای داریم که خودمان را ملزم به اجرای آن می‌بینیم. از نویسندگان و پژوهشگران نیز خواسته‌ایم تا این شیوه‌نامه را مورد توجه قرار دهند و بر اساس آن بنویسند. با این همه گاه مقالاتی به دست ما می‌رسد که از نظر علمی بسیار حائز اهمیت است، اما از نظر اجرایی مطابق با شیوه‌نامه ما پیش نرفته است. در این موارد که البته تعدادشان بسیار اندک است، گاه از اصول خود عدول می‌کنیم.

البته در اینجا باید نکته‌ای دیگر را هم توضیح بدهم. نشریه کتاب ماه هنر دارای دو بخش است. بخشی از نشریه به معرفی و نقد کتاب می‌پردازد و بخش دیگر آن به مقالات اختصاص یافته است. مقالاتی که برای ما ارسال می‌شوند، اغلب توسط دانشگاهیان نوشته می‌شوند و از همین رو معیارهای یک مقاله علمی را که در نشریه ما مورد توجه است، رعایت می‌کنند. نویسندگان خیلی از این مقالات می‌خواهند با درج آنها در یک نشریه تخصصی، از امتیاز آن در دانشگاه استفاده کنند، چرا که انتشار مقاله در یک نشریه علمی، یکی از نکات بسیار مهم در تحصیلات تکمیلی به حساب می‌آید. حتی اساتید نیز برای آنکه ارتقا پیدا کنند، باید مقالات چاپ شده داشته باشند و انتشار هر مقاله‌ای، برای دانشگاه نکته مثبتی نخواهد داشت. از این رو باید مقالاتی دقیق و علمی منتشر شود و اصول و قواعدی را رعایت کند. اگر دوستی نیز این اصول را رعایت نکند ما از او می‌خواهیم که چنین کند. به همین دلیل ما عملاً با مشکلی مواجه نمی‌شویم و دوستان هر چند که روزنامه‌نگار نیستند، اما به دلیل رعایت کردن اصول مقاله‌نویسی دانشگاهی، آثار قابل انتشار برای ما ارسال می‌کنند.

از برنامه‌های سال آینده کتاب ماه هنر بگویید. ما حدود چهار سال است که کتاب ماه هنر را منتشر می‌کنیم و این فعالیت در ادامه انتشار این نشریه است که دوستان در گذشته روی آن کار می‌کردند. این نکته سبب شد تا رویه‌ای ثابت را در نشریه رعایت کنیم. از همین رو همیشه مسوولیت بزرگی را در قبال جامعه فرهنگی بر دوش خود احساس می‌کنیم. به همین دلیل، برای سال آینده برنامه‌های زیاد و البته منسجمی داریم. تلاش ما این است که به صورت مرحله به مرحله پیش برویم، چون معتقدیم مخاطبی که همواره همراه نشریه بوده، تغییرات زیاد و بنیادین را نخواهد پذیرفت. ممکن است در این صورت ما برخی از مخاطبانمان را از دست بدهیم. از جمله برنامه‌هایی که برای سال آینده داریم، این است که در تلاشیم تا به حوزه‌های مختلف هنری توجه داشته باشیم. البته می‌کشیم که توجه به رشته‌های مختلف هنری، سبب پایین آمدن مسائل علمی نشود.



از سویی دیگر، ترجمه کتاب‌های هنری بسیار مورد توجه است و همین نکته موجب شده تا تالیف کمی در سایه قرار بگیرد. بخش مهمی از کتاب‌های هنری به ترجمه اختصاص دارد و نکته نه چندان خوشایند ماجرا آن جاست که بسیاری از این کتاب‌ها قدیمی‌اند. شاید بد نباشد که در این جا نام کتابی را ببرم. مثلاً کتاب «بررسی هنر ایران» نوشته آرتور پوپ را در نظر بگیرید. این کتاب حدود ۸۰-۹۰ سال پیش نوشته شده است. من برای نوشتن پایان‌نامه دوره دکتری‌ام با این کتاب سر و کار داشته‌ام و می‌دانم که چه موردی است. مخاطب این کتاب، اروپایی‌ها هستند و نه ایرانی‌ها.

یعنی علاوه بر قدیمی بودن، ما مخاطب آن نیستیم؟
بله، یعنی این کتاب برای ما نوشته نشده است. از سویی، نثر کتاب نیز انگلیسی کلاسیک است و از همین رو ترجمه‌اش دشواری‌های زیادی دارد و کار هر کسی نیست که آن را به فارسی ترجمه کند. از همین رو، انتشار آثاری از این دست خیلی به درد مخاطب فارسی زبان نمی‌خورد.

در بیشتر شماره‌هایی که از کتاب ماه هنر دیده‌ایم، توجه شما معطوف به هنرهای تجسمی است و هنرهایی همچون سینما و تئاتر که در عرصه کتاب هم فعالند کمتر مورد توجه شما هستند. علت این مساله چیست؟
البته نه چندان کمتر...
در مقایسه با آثار مربوط به هنرهای تجسمی...
ما در حوزه معماری، هنرهای تجسمی و دستی، به صورت متمرکزتری کار کرده‌ایم، اما این نکته به آن معنا نبوده که در عرصه‌های دیگر نخواهیم یا نتوانیم به خوبی کار کنیم. شاید توجه بیشتر به هنرهای تجسمی و دستی از آن رو باشد که خود من به این عرصه علاقه و توجه بیشتری دارم. من در حوزه تجسمی کار می‌کنم و بالطبع با افرادی که در این حوزه کار می‌کنند، آشنایی بیشتری دارم. اما با این همه، یکی از دلایلی که توجه ما در این عرصه کمتر است، مقالات کمتری است که با موضوعات تخصصی سینما و تئاتر به دست ما می‌رسد. حتی در مواردی که سفارش نقد کتاب سینمایی هم داده می‌شود،

در بسیاری از مراکز دانشگاهی دیده‌ایم که به کتاب ماه هنر ارجاع می‌دهند. اگر شما پایان‌نامه‌های بسیاری از دانشجویان را ملاحظه کنید، خواهید دید که به کتاب ماه هنر خیلی ارجاع داده می‌شود، چرا که ما در مقالاتمان به مسائلی توجه می‌کنیم که شاید در نشریات دیگر به آنها کمتر توجه شود. دومین علت آن است که مخاطبان نشریه، بیشتر به دنبال مطالب مقاله‌ای‌اند تا مباحثی که در قالب‌های دیگر ممکن است مطرح شوند.

از سوی دیگر، کتاب‌های قابل اعتنای کمی در طول سال در مباحث هنری منتشر می‌شوند. برخی از آثار منتشر شده در عرصه هنری، به کتاب‌های کمک آموزشی اختصاص دارند که جای کار ندارند... به هر حال کتاب‌هایی که دارای ارزش علمی باشند، کم تعدادند. همین تعداد کم کتاب‌ها سبب می‌شود تا دست ما در حیطه نقد کتاب چندان باز نباشد. اما اگر به طور مثال در هر ماه ۱۰ کتاب مرتبط منتشر شود، ما می‌توانیم ۳-۴ عنوان از آنها را برای نقد در نشریه کتاب ماه هنر مورد توجه قرار دهیم. در صورتی که که آثار منتشر شده چندان قابل اعتنا نیست.

به نظر شما، به عنوان سردبیر یک نشریه تخصصی، چرا ما در این زمینه کمبود داریم؟
دلایل مختلفی را می‌توان در این عرصه برشمرد. نخستین دلیل آن است که ناشران چندان روی این مباحث سرمایه‌گذاری نمی‌کنند. البته برخی از ناشران چنین آثاری را مورد توجه قرار می‌دهند و آثار ویژه خود را منتشر می‌کنند، اما به طور عمومی توجه به آثار تخصصی در عرصه هنر چندان زیاد نیست. یعنی کتاب‌هایی که در آنها تئوری پردازی می‌شود و قرار است مسیر هنری کشور را مشخص کنند، کمتر مورد توجه‌اند. سرمایه‌گذاری روی این کتاب‌ها بسیار محدود است. مولفان نیز اغلب در این راه، درآمدی کسب نمی‌کنند و اگر وقت برای نوشتن کتابی می‌گذارند، بیشتر برای دل خودشان و علائق شخصی است. یعنی سرمایه‌گذاری بسیار کمی در این عرصه صورت می‌گیرد و به همین دلیل، انتشار کتاب‌ها در حوزه تخصصی هنر بسیار انگشت شمار است.

کتاب ماه هنر در این چهار سالی که شما سردبیرش بوده‌اید، چه روندی را طی کرده است؟

پیش از آنکه ما به کتاب ماه هنر بیاییم، حدوداً ۸۰ شماره از این نشریه منتشر شده بود و از این رو می‌توان گفت که کتاب ماه هنر، روند خود را یافته بود. انصافاً در این شماره‌هایی که منتشر شده بود، دوستان و همکاران سابق خوب عمل کرده بودند و از همین رو نمی‌توانم بگویم که بعد از آمدن، ما همه چیز را به هم ریختیم و از نو شروع کردیم. اما اعضای نشریه و همچنین حضور آقای چگینی به عنوان معاون سردبیر کمک کرد تا کارها به خوبی پیش رود و ادامه پیدا کند. البته ما تلاش کردیم تا این روند، سیر صعودی طی کند. در همین راستا تلاش کردم تا مباحث را به سمت تخصصی شدن پیش ببریم، در حالی که در گذشته مردم شناسی هنر بیشتر مورد توجه بود.

یعنی به نوعی عرصه جامعه‌شناسی هنر غالب بود؟
نه به طور کامل. اما در گذشته چیزی در حدود بیست درصد کار به مسائلی از این دست اختصاص داشت، اما ما بنای کار را به این اختصاص دادیم که به جای توجه به این مسائل، به شاخه‌های مختلف هنری توجه بیشتری صورت گیرد. از سوی دیگر، یکی از مسائلی که مورد توجه من بود و سعی داشته‌ام به آن توجه کنم، هنر ایران بود. به همین دلیل، به جای آنکه آثاری را که متعلق به ما نیستند مورد توجه قرار دهیم، آثاری بیشتر در دایره توجه قرار دادیم که به هنر ایران پرداخته‌اند. البته نه به این صورت که به کتاب‌های مرتبط به هنر غربی، هیچ توجهی نداشته باشیم که این دسته آثاری نیز در حدمعقول مورد بررسی قرار می‌گیرند. ما به هنر معاصر فرنگ نیز توجه داریم، اما از آنجا که هنر ایرانی تاندازه‌ای مورد غفلت واقع شده و نشریات هنری دیگر کمتر به این موضوع می‌پردازند، ما تاکید خود را بر هنر ایرانی گذاشتیم. از همین مقالات و نقد کتاب‌ها به این سمت و سو هدایت شده است.

شما در طول چهار سال گذشته به آثار مرتبط با هنر ایرانی تاکید داشته‌اید و این نکته کاملاً مشهود است. اما برای آنکه این آثار به خوبی معرفی شوند، از چه ابزارهای بهره گرفته‌اید و از چه ژانرهای مطبوعاتی‌ای بیشتر استفاده کرده‌اید؟

از آنجایی که خود من در دانشگاه تربیت مدرس هستم، از این طیف بیشتر کمک گرفته‌ام. یعنی برای مطالبی که در حوزه نقد کتاب، ترجمه، پژوهش و مقاله‌نویسی می‌شوند، توجه بیشتری به قشر دانشگاهی داشته‌ایم. البته با این توضیح که در برخی از شاخه‌ها، همچون ترجمه، ما فعالیت زیادی نداشته‌ایم. برخی از این مقالات توسط استادان دانشگاه نوشته شده و برخی دیگر پایان‌نامه دانشجویان دوره کارشناسی ارشد و دکتری است. البته ما خودمان را به دانشگاهیان محدود نکردیم و مقالاتی را از دیگر افرادی که در این حوزه هافعالیت می‌کرده‌اند، در نشریه منتشر کرده‌ایم. به این ترتیب، ملاک و معیار اصلی ما برای انتشار این مقالات ارزش خود آنها بوده است.

در واقع تاکید شما بیشتر بر مقاله بوده است؟
بله. ما بر مقالات تاکید بیشتری داشته‌ایم و آن هم به دو دلیل. نخستین دلیل آن است که کتاب ماه هنر، به عنوان یک نشریه مرجع مورد توجه بوده است، چه در شماره‌هایی که ما در آن حضور داشته‌ایم و چه در شماره‌هایی که پیش از این منتشر شده است. این نکته نیز از آن چیزهایی نیست که ادعای ما باشد؛ چراکه

گزارش آماری هفته

در هفته گذشته از نظر انتشار کتاب‌های چاپ اول، انتشارات قدیانی با نوزده عنوان کتاب پرکارترین ناشر؛ فریبا کلهر با ده عنوان پرکارترین مولف؛ و نوشین ابراهیمی با چهار عنوان پرکارترین مترجم بوده‌اند.

شاخص‌های آماری کتاب‌های بزرگسال

شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتاب‌ها
ارزاترین کتاب	۲۰۰۰ ریال	از همین الان هم‌تون سرکارید؛ ابوالفضل محترمی؛ ناشر: نشر شهپر؛ چاپ ۴؛ ۵۲ صفحه؛ ۳۰۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۲۹۰۰۰۰ ریال	مجموعه‌ای از آثار علوم پزشکی دانشمندان اسلامی و ایرانی؛ محمدرضا شمس‌اردکانی؛ ناشر: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران، اداره انتشارات و چاپ؛ چاپ ۱؛ ۵۱۴ صفحه؛ ۱۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۹۰ مرتبه	انگلیسی در سفر؛ مکالمات و اصطلاحات روزمره انگلیسی؛ حسن اشرف‌الکتابی؛ ناشر: استاندارد؛ ۲۴۰ صفحه؛ ۱۰۰۰۰ نسخه؛ ۲۵۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۲۵۰۰۰ نسخه	Parviz Bidahri, English for the students of engineering؛ ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)؛ چاپ ۲۵؛ ۲۵۰ صفحه؛ ۲۶۵۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۲۰۰ نسخه	شبهه بهره‌گیری از کتابخانه‌ها و منابع آن (آشنایی با کتابخانه و اصول کتابداری)؛ مرضیه الوندی؛ ناشر: نوروزی؛ چاپ ۱؛ ۱۰۲ صفحه؛ ۲۰۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۱۳۴۰ صفحه	دستورالعمل‌های اجرایی در پروژه‌های عمومی کارهای ساختمانی؛ ناشر: مقدس؛ چاپ ۱؛ ۵۰۰ نسخه؛ ۱۶۸۰۰۰ ریال
کمترین صفحه	۱۶ صفحه	کاربرگ‌های کتاب برنامه‌ریزی کسب و کار؛ هاگان زارکسکوگ؛ مریم فتاح‌زاده؛ ناشر: موسسه کار و تأمین اجتماعی؛ چاپ ۱؛ ۱۰۰۰ نسخه؛ ۶۰۰۰۰ ریال

شاخص‌های آماری کتاب‌های کمک‌درسی

شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتاب‌ها
ارزاترین کتاب	۷۵۰۰ ریال	کتاب مجموعه نکات حسابان - ریاضی؛ علیرضا اخلاص‌مقدمرد؛ ناشر: ایندگان؛ چاپ ۵؛ ۴۸ صفحه؛ ۱۰۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۱۳۹۰۰۰ ریال	درسنامه پرستاری بهداشت جامعه ۱ و ۲ و ۳؛ قابل استفاده دانشجویان پرستاری و سایر رشته‌های علوم پزشکی؛ اسحاق ایلدرآبادی؛ ناشر: جامعه‌نگر؛ چاپ ۵؛ ۵۷۶ صفحه؛ ۱۵۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۲۴۰ مرتبه	زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، سوم و دوم دبیرستان؛ محمد جوکار؛ ناشر: بین‌المللی گاج؛ ۳۸۴ صفحه؛ ۵۰۰۰ نسخه؛ ۷۵۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۵۰۰۰۰ نسخه	ریاضی امتحانی سال دوم راهنمایی؛ سوال‌های امتحانی بدون پاسخ، جدیدترین تمرین‌های امتحانی، آزمون‌های هماهنگ استانی؛ کریم کریمی؛ ناشر: کریم کریمی؛ چاپ ۶؛ ۲۰۸ صفحه؛ ۱۹۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۵۰۰ نسخه	راهنما و بانک سوالات امتحانی تاریخ ادبیات ایران دانشگاه پیام نور شامل: یک دوره تدریس روان و ...؛ ناشر: استادی؛ چاپ ۲؛ ۲۲۴ صفحه؛ ۳۸۰۰۰ ریال

تعداد ناشران در این هفته	تعداد پدیدآورندگان				تعداد کتاب‌های افست
	* مولف		تعداد کتاب‌های بدون قیمت		
	زن	مرد	زن	مرد	
۳۴۳	۱۴۴	۶۵۵	۴۱	۱۳۱	۱۸

* مولف: تمامی پدیدآورندگان (مانند نویسنده، شاعر، گردآورنده، مصحح و ...) به جز مترجم.

«گزارش آماری هفته» از سوی بخش کتابداری و اطلاع‌رسانی «خانه کتاب» و براساس اطلاعات ثبت شده در بانک اطلاعات این موسسه ارائه می‌شود. از شنبه ۸۸/۱۱/۲۴ تا چهارشنبه ۸۸/۱۱/۲۸، ۱۰۱۹ عنوان کتاب در بانک اطلاعات خانه کتاب ثبت شده است. بیشترین تعداد کتاب‌ها در موضوع آموزش و کمک‌درسی و سپس علوم عملی بوده است. پس از آن به ترتیب موضوعات کودک و نوجوان، علوم اجتماعی، ادبیات و سایر موضوعات قرار دارند.

گزارش آماری کتاب‌های منتشره در هفته گذشته (به تفکیک موضوع)

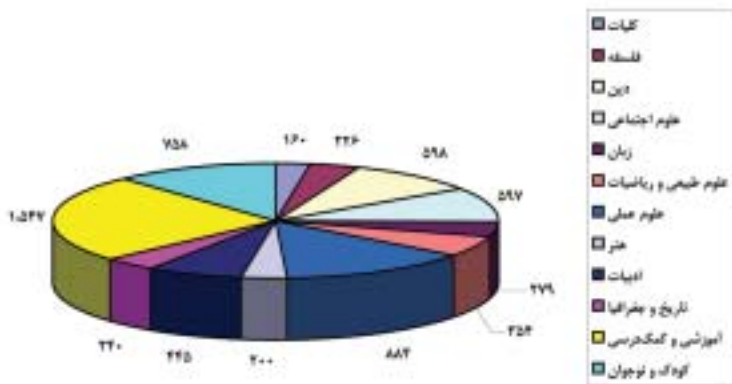
ردیف	موضوع	تعداد کل	تالیف*	ترجمه	چاپ اول	تجدید چاپ	تهران	شهرستان	شمارگان متوسط	متوسط صفحه
۱	کلیات	۳۸	۲۸	۱۰	۲۵	۱۳	۳۸	۰	۱۹۲۴	۲۳۶
۲	فلسفه و روانشناسی	۳۹	۱۶	۲۳	۱۳	۲۶	۳۹	۰	۲۶۲۶	۲۳۸
۳	دین	۴۹	۴۰	۹	۲۱	۲۸	۴۷	۲	۳۹۹۰	۳۴۵
۴	علوم اجتماعی	۹۳	۷۹	۱۴	۵۵	۳۸	۸۶	۷	۲۶۹۸	۲۲۰
۵	زبان	۴۷	۴۴	۳	۱۸	۲۹	۴۶	۱	۳۵۴۱	۲۹۰
۶	علوم طبیعی و ریاضیات	۶۱	۵۳	۸	۲۵	۳۶	۶۰	۱	۲۳۸۷	۳۱۶
۷	علوم عملی	۱۳۷	۱۱۰	۲۷	۷۲	۶۵	۱۳۱	۶	۲۵۵۰	۳۱۲
۸	هنر	۳۵	۲۸	۷	۲۲	۱۳	۳۱	۴	۲۵۶۳	۲۰۸
۹	ادبیات	۶۹	۶۲	۷	۳۸	۳۱	۶۰	۹	۲۰۸۶	۲۵۶
۱۰	تاریخ و جغرافیا	۳۷	۳۳	۴	۲۱	۱۶	۳۴	۳	۲۳۸۶	۳۰۵
۱۱	آموزشی و کمک‌درسی**	۳۱۵	۳۱۴	۱	۳۴	۲۸۱	۳۱۵	۰	۴۳۴۶	۱۵۲
۱۲	کودک و نوجوان	۱۱۰	۶۴	۴۶	۵۰	۶۰	۱۰۹	۱	۴۷۰۴	۵۷
	جمع بندی	۱۰۳۰	۸۷۱	۱۵۹	۳۹۴	۶۳۶	۹۹۶	۳۴	۲۹۸۳	۲۵۳

* «تالیف» به تمامی آثاری اطلاق می‌شود که ترجمه نباشد. آثاری چون تصحیح، تدوین، گردآوری، تحقیق، شعر و نظایر آن.
** منظور از موضوع «آموزشی و کمک‌درسی» کلیه کتاب‌هایی است که به نحوی با مواد درسی و برنامه‌های آموزشی تمام مقاطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان مربوط هستند و مخاطبان آنها دانش‌آموزان از پیش‌دبستانی تا دبیرستان هستند.

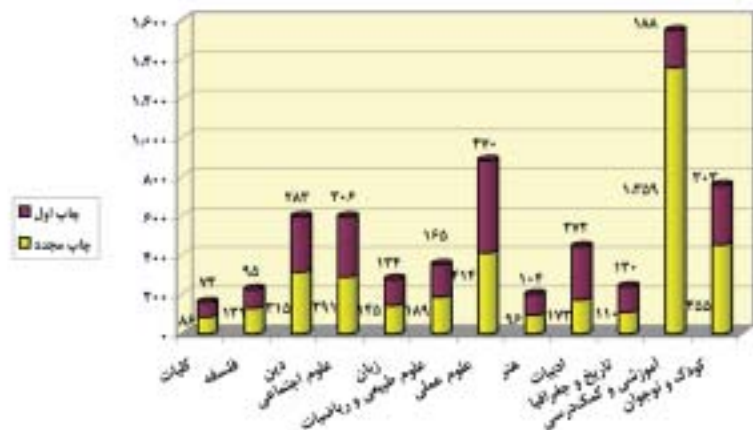
شاخص‌های آماری کتاب‌های کودک و نوجوان

شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتاب‌ها
گرانترین کتاب	۹۵۰۰۰ ریال	نخستین‌های فضانوردی؛ از آغاز تا امروز؛ سیروس برزو؛ ناشر: ابراهیم؛ چاپ ۱؛ ۱۳۰ صفحه؛ ۵۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۱۵ مرتبه	چراهای شگفت‌انگیز: گیاهان: پاسخ به سوال‌های کودکان و نوجوانان؛ آندرو شارمن؛ رویا خونی؛ ناشر: محراب قلم، کتابهای مهتاب؛ ۲۲ صفحه؛ ۳۳۰۰ نسخه؛ ۱۸۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۵۰۰۰۰ نسخه	حسین از من است و من از حسین؛ کورش علیانی؛ ناشر: نشر شهپر؛ چاپ ۱؛ ۲۲ صفحه
کمترین شمارگان	۱۱۰۰ نسخه	ببرها در گرگ و میش؛ مری بوپ ازبون؛ هوری عدل طباطبایی؛ ناشر: نخستین، کتابهای پرستو؛ چاپ ۲؛ ۶۴ صفحه؛ ۱۲۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۳۹۶ صفحه	قصر افسون شده؛ ادیت نزیبت؛ محبوبه نجف‌خانی؛ ناشر: افق؛ چاپ ۴؛ ۲۵۰۰ نسخه؛ ۴۸۰۰۰ ریال

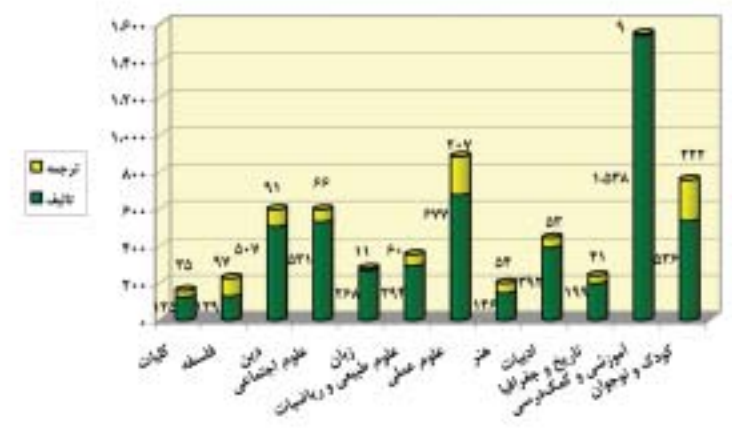
نمودار آماری کتاب‌های منتشرشده در بهمن‌ماه ۱۳۸۸ به تفکیک موضوع (در مجموع ۶۲۸۸ عنوان)



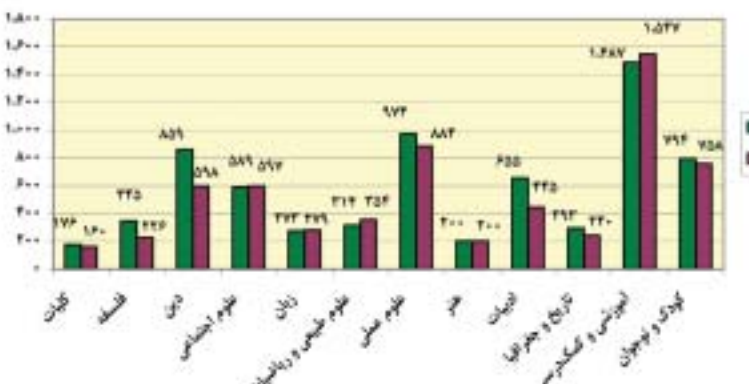
نمودار آماری کتاب‌های منتشرشده در بهمن‌ماه ۱۳۸۸ به تفکیک چاپ اول و مجدد



نمودار آماری کتاب‌های منتشرشده در بهمن‌ماه ۱۳۸۸ به تفکیک تالیف و ترجمه



نمودار مقایسه‌ای کتاب‌های منتشرشده در دی و بهمن‌ماه ۱۳۸۸ به تفکیک موضوع





روایت
اول شخص

ویژه برگزیدگان چهارمین جشنواره شعر فجر

رقابت، انگیزه حضور

■ محمود حبیبی کسبی
برگزیده نخست بخش شعر سنتی



جشنواره شعر فجر در سال‌های پیش جنبه رقابتی نداشت و بیشتر تقدیری و انتخابی بود، اما تغییر فضای جشنواره چهارم و رقابتی شدن آن انگیزه‌ای شد تا برای نخستین بار در این جشنواره شرکت کنم. هر فردی که در جشنواره یا مسابقه‌ای شرکت می‌کند، امیدوار است برگزیده شود. من نیز با همین امید در جشنواره چهارم شرکت کردم و آثاری را برای شرکت در جشنواره فرستادم که جنبه‌های عمومی گسترده‌تری داشتند. معتقدم آثاری که چنین ویژگی‌ای دارند افراد بیشتری از جمله داوران با آنها ارتباط برقرار می‌کنند. پس حدود ۲۰ قطعه شعر با این ویژگی‌ها را که بخشی از آنها متعلق به «من شور» نخستین مجموعه شعرم بود و بخش دیگر از مجموعه شعر دومم با عنوان «دساتیر» را برای شرکت در چهارمین جشنواره شعر فجر برگزیدم. این سروده‌ها بیشتر به مضامین مذهبی، توحیدی و معرفتی پرداخته‌اند.

از دیدگاه خودم آنچه سبب انتخاب این شعرها شد تمایز آنها با شکل غالب شعر جوان امروز بود. در جریان فراگیر شعر امروز، به ویژه در بخش کلاسیک شعر بیشتر به سمت مادی‌گرایی رفته است. اما من در شعرهایم سعی کرده‌ام از مادی‌گرایی دوری کنم و از جریان شعری که دچار روزمرگی شده است فاصله بگیرم.

جشنواره و اطلاع‌رسانی

■ حامد محقق

برگزیده دوم بخش شعر کودک و نوجوان



گویا وظیفه اداره ارشاد استان هاست که شاعران را از برپایی جشنواره شعر فجر و شرکت در آن با خبر سازد. اما در شهر ما این اطلاع‌رسانی خوب صورت نگرفت. من خودم یک روز مانده به پایان مهلت ارسال آثار با خبر شدم که خیلی دیر بود. خوشبختانه به دلیل تمدید مهلت ارسال آثار موفق به شرکت در جشنواره شدم. معضل اطلاع‌رسانی در جشنواره شعر فجر از ابتدا تا امروز دیده می‌شود. حتی در مراسم اختتامیه هم دیدید که هیچ تبلیغی برای حضور شاعران صورت نگرفته بود. زمانی که می‌گویم جشنواره‌ای بین‌المللی است، باید تبلیغات جدی‌تری داشته باشیم.

در جشنواره چهارم، منتخبی از آثار یک سال گذشته‌ام در قالب چارپاره و نیمایی را برای گروه سنی عموما خردسال به رقابت گذاشتم. هر اندازه بزرگ‌تر می‌شویم، باید برای دستیابی به اتفاقات شاعرانه در شعر کودک باید شیره عمیق‌تری بزنیم؛ چراکه دنیای کودک کوچک‌تر و گستره واژگانی او کمتر است. پس هر چه بیشتر سراغ واژه‌های ساده‌تر که خردسالان با آنها ارتباط دارند برویم در این نوع شعر موفق‌تر خواهیم بود.

در سروده‌هایم سعی داشتم علاوه بر سه عنصر عاطفه، تخیل و اندیشه به پرش‌های ذهنی هم توجه ویژه‌ای داشته باشم. پرش‌های ذهنی که سبب می‌شد

به زبان و اندیشه خردسالان نزدیکتر شوم. چراکه هراندازه پرش ذهنی شاعر بیشتر باشد در گذر از دوران بزرگسالی و بازگشت به دوران کودکی موفق‌تر خواهد بود.

گفتنی است که من سال قبل هم جزو برگزیدگان ماقبل نهایی بودم.

تجربه‌هایی حقیقی

■ محمدحسین نعمتی
برگزیده دوم بخش شعر نو



جشنواره سال‌های پیش شرایط دیگری داشت و امکان شرکت و رقابت را از شاعران جوان‌تر می‌گرفت. خوشبختانه با رقابتی برگزار شدن جشنواره چهارم، این نوید و امید برای شاعران جوان شکل گرفت تا در جشنواره شرکت کنند و آثار خود را به رقابت بگذارند. رقابتی برگزار شدن جشنواره انگیزه‌ای برای حضور و محک‌زدن خودم شد. منتخبی از شعرهای نخستین مجموعه شعرم را با عنوان «اشاره به هیچکس» که طی سال‌های ۸۳ تا ۸۷ در قالب سپید و نیمایی سروده شده بودند برای رقابت به جشنواره ارسال کردم. احساس می‌کردم متفاوت بودن این شعرها استقبال عمومی را به دنبال خواهد داشت. البته چنین نیز شد. زبان در این سروده‌ها رویکرد ساده‌ای دارد. به نوعی این سروده‌ها از بازی‌های غیرضروری زبانی و فرمی در شعر دور هستند. یعنی زبان به گونه‌ای است که مخاطب را با شعر آشتی می‌دهد و پیوند دوباره‌ای میان او و شعر ایجاد می‌کند. از سوی دیگر این شعرها سهل و ممتنع هستند و به نوعی قابلیت تکرار و زمزمه کردن را دارند. البته وزن در این شعرها به گونه‌ای به کار رفته که محسوس نیست و در لایه‌های زیرین شعر گنجانده شده است. به هر حال با رویکرد رقابتی و توجه به آثار بدون در نظر گرفتن نام شاعران در جشنواره چهارم تا حدودی این جشنواره توانست دستیابی به جایگاه واقعی خود را سرعت بخشد. البته هنوز نوپاست و آسیب‌های جدی در این زمینه وجود دارد.

پیش‌داوری ممنوع

■ کبری بابایی

برگزیده نخست بخش شعر کودک و نوجوان



برخی از جشنواره‌ها و کنگره‌های شعر به دلیل اعتباری که دارند، برای محک‌زدن افرادی که در حوزه شعر کار می‌کنند، قلمرو مناسبی هستند. من هم برای محک‌زدن خود و ارزیابی توانایی‌های شعری‌ام در جشنواره چهارم شعر فجر شرکت کردم. از آنجا که شنیده بودم آثار برگزیده در قالب یک کتاب منتشر خواهد شد، سعی کردم شعرهایی را برای این جشنواره برگزینم که از نظر من به عنوان شاعر آنها، آثاری قوی‌تر و قابل قبول‌تر هستند. بنابراین با وسواس ویژه‌ای این آثار را انتخاب کردم. حدود ۴۰ صفحه از سروده‌هایم در قالب نیمایی را که برخی از آنها پیش‌تر در مجموعه شعر «یک علامت سوال» منتشر شده بودند برای شرکت در جشنواره ارسال کردم. مضمون این شعرها با زندگی نوجوانان، افکار، دغدغه‌ها و احساسات آنها در ارتباط است. به بیان دیگر سعی داشتم به نوعی این شعرها بیانگر احساس این گروه سنی باشد یا نگرش نوینی را در آنها ایجاد کند.

جشنواره شعر فجر که به عنوان یکی از جشنواره‌های مهم ادبی و تأثیرگذار در جامعه شناخته شده تنها نباید اهدا جایزه به برگزیدگان را به عنوان هدف خود دنبال کند. اگر چنین باشد نمی‌تواند حتی یک گام مثبت در جریان شعر بردارد. به دلیل اوضاع نامناسب انتشار کتاب بهتر است این جشنواره بیشترین حمایت خود را از برگزیدگان در زمینه چاپ آثار آنها داشته باشد. درباره داوری جشنواره‌ها هم معتقدم همیشه داوری تابعی از اتفاقات است. زمان، مکان و موقعیت‌های گوناگون، داوری را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. بر همین اساس همواره سعی دارم از پیش‌داوری اجتناب کنم و اجازه بدهم زمان خود همه مسائل را روشن کند. حالا هم از این که آثارم برگزیده شده‌اند بسیار خرسندم. به بیان دیگر شیوه اجرایی و داوری‌های انجام گرفته در جشنواره چهارم را مثبت و رضایت‌بخش می‌دانم، اما آنچه اهمیت دارد برنامه آینده و چشم‌اندازی است که برای این جشنواره در نظر گرفته‌اند.

دقتی عجیب برای انتخاب آثار

■ سینا علیمحمدی

برگزیده نخست بخش شعر نو



در سال‌های اخیر به غیر از جشنواره شعر فجر در هیچ جشنواره‌ای دو بار حضور نیافتم. سال گذشته از افرادی بودم که نسبت به داوری جشنواره انتقاد داشتم و احساس می‌کردم حقم ضایع شده است. امسال نیز رغبت چندانی برای شرکت در جشنواره نداشتم. اما دو دلیل عمده باعث شد تا در این جشنواره حضور پیدا کنم. یکی آن که این آخرین فرصت برای حضور در میان جمع رقابتی شاعران جوان بود؛ چراکه ۳۰ سالگی را پشت سر می‌گذاشتم. دلیل دیگرم برای حضور در جشنواره، آماده‌سازی مجموعه شعر دومم برای انتشار بود، چراکه احساس می‌کردم اگر در این دوره برگزیده شوم، چاپ کتابم با یک‌جایزه ادبی همراه خواهد شد و احتمالاً حمایت‌هایی در این زمینه شامل حال من می‌شود.

به عنوان یک شاعر بسیار کم‌کار هستم. به همان نسبت که شعر می‌سرایم، شعرم را دور می‌اندازم و تا زمانی که سروده‌ای از نظر روحی، فکری، ساختاری، زبانی و موسیقایی راضی‌ام نکنم آن را منتشر نمی‌کنم. در جشنواره شعر فجر نیز از میان ۶۰ اثر منتخب سه سال اخیرم با وسواسی عجیب ۲۰ قطعه شعر را برگزیدم. معتقدم اگر شاعر به شعرش علاقه‌ای نداشته باشد مخاطب نیز آن شعر را نمی‌پسندد. پس بر همین اساس سروده‌هایی را که مورد علاقه من بود انتخاب کردم تا خوشایند داوران که در جشنواره همان مخاطبان شعر هستند، باشد.

این سروده‌ها بخشی از شعرهای دومین مجموعه‌ام با عنوان «جهانی‌ترین تیترو دنیا» بود که آماده چاپ است و شامل سه بخش آیینی (مهدوی)، عاطفی و اجتماعی است. سعی کردم در این سروده‌ها پیوندی میان شعر و موسیقی ایجاد کنم. به بیان دیگر به گونه‌ای متفاوت می‌توان وزن عروضی را در این شعرها جست‌وجو کرد. این امر ناشی از حساسیتی است که من نسبت به موسیقی شعر دارم. چیش و واژگان شعری‌ام به‌طور ناخودآگاه و به‌طور کاملاً نامحسوس از یک موسیقی درونی برخوردار است.

جشنواره شعر فجر در گام چهارم، با رقابتی برگزار شدن توانست تا حدودی به جایگاهی که باید داشته باشد، دست یابد. اما هنوز مسیر طولانی پیش رو دارد. این جشنواره باید به یک اتفاق ادبی وسیع در منطقه بدل شود و علاوه بر رقابتی برگزار شدن آن، شاهد یک شعرخوانی گسترده هم باشیم.

یادداشت



قریان ولیئی

شاعر و داور
سومین جشنواره شعر فجر

چراغ شعر را روشن نگاه داریم



نفس و جسم و جشنواره‌ها و محافل سراسری شعر و برگزاری آنها به‌طور کلی پدیده‌ای فرخنده و مبارک است؛ چرا که سبب می‌شود چراغ شعر در سرزمینی که اصلی‌ترین هنر آن ادبیات و به ویژه شعر است همواره روشن و پر فروغ بماند و خودنمایی کند.

اما برای مدیریت این جشنواره‌های شعری، از جمله جشنواره شعر فجر می‌توان راهکارهایی را ارائه کرد و از آنها بهره گرفت تا جشنواره به تعالی، عمق و وسعت خود دست یابد. بر همین اساس نیز من در نظر گرفتن سه عنصر و یا راهکار را برای حفظ تعالی هر محفل شعری به ویژه جشنواره شعر فجر ضروری می‌دانم. نخست آنکه نباید نفس کار جشنواره تنها ارسال شعر توسط شاعران به جشنواره و داوری شعرهای رسیده به دبیرخانه جشنواره و انتخاب بهترین‌های آنان باشد. در نظر گرفتن جایگاهی برای ارائه الگو از آثاری که برگزیده می‌شوند به شیوه‌ای مشروح و مفصل و مکتوب امری مثبت است و می‌توان آن را در اختیار مخاطبان و شرکت‌کنندگان در جشنواره قرارداد.

هر چند نباید فراموش کرد که در داوری شعر از ذوق، گریزی نیست اما اجرای چنین کاری برای نمایان کردن این امر که داوری‌ها بر اساس معیارهای اساسی و اصولی در شعر صورت گرفته و صرفاً ذوقی نبوده است کمکی خواهد بود شایان.

راهکار دیگر آنکه بهتر است در درون جشنواره، بخش نقد شعر را نیز بگنجانیم. نقد شعر جایگاهی والا دارد و عنصری است لاینفک و جدایی‌ناپذیر از شعر.

پیشنهاد سوم من درباره جریان و جهت‌گیری جشنواره است. برای آنکه این جشنواره برترین و بهترین جشنواره شعر شود، باید تنها نفس شعر در نظر باشد؛ بدون آنکه محتوا و جهت‌گیری ویژه‌ای را برای آن لحاظ کرد. به عبارتی شعر را باید فارغ از شاعر آن به جشنواره آورد.

در جامعه ما تمامی شاعران و افرادی که به سرایش شعر گرایش دارند متعلق به همین فرهنگ هستند. از درون همین فرهنگ و جامعه برمی‌خیزند و از آن تغذیه کرده‌اند. پس سمت و سو و جریان جشنواره باید به گونه‌ای جذاب تمامی آنها باشد یا به بیان دیگر حوزه خود را گسترده‌تر کند.

اما در این میان آسیب‌های جدی نیز وجود دارد. مهمترین آسیبی که می‌تواند چنین جشنواره‌ای را تهدید کند برگزاری آن به صورت تکراری و بی‌هیچ تحولی است.

مدیریت جشنواره‌ها باید در طول سال نیز فعالیت گسترده‌ای داشته باشد و چه بهتر آنکه این مدیریت تنها به چند روز یا چند هفته پیش از جشنواره معطوف نشود.

مدیریت جشنواره باید راهی گسترده‌تر و عمیق‌تر کردن جشنواره را دریابد تا چراغ آن را در طول سال روشن نگاه دارد. به بیان دیگر از تکراری شدن و باری به هر جهت بودن آن دوری و خودداری کند.

اگر مبنای مدیریت جشنواره اندیشمندانه باشد و از تجربه‌ها، آراء و نظرهای شاعران و حتی دانشگاهیان این حوزه بهره بگیرد، می‌توان امیدوار بود که درخت جشنواره شعر فجر هر سال پربارتر و تنومندتر شود.